

مشخصات من



نام: _____

نام خانوادگی: _____

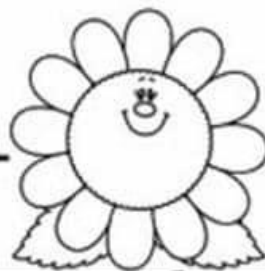
تاریخ تولد: _____

نام پدر: _____

نام مادر: _____

تلفن: _____

آدرس: _____



هفته اول مهر

آشنایی با عبارت قرانی :



آموزش شعر : اعوذ بالله

شیطون زشت و ناقلا دمی داره به این هوا

بدی هارو رو میکنه خوبی هارو دور میکنه

چجوری پیداش بکنیم از خودمون دورش کنیم

دمشو پیدا میکنیم اعوذ بالله میکنیم

هفته اول مهر

آموزش شعر : تو راه کودکستان

تو راه کودکستان

یه موش خوب و خندان

به خونش برمی گشت

پیاده از توی دشت

یه پیشی اومد پایین

دید از توی یه ماشین

سوار شو پیر تو

به موشه گفت :

دیرت شده میدونم

من تو رو میرسونم

گفت : آقای راننده

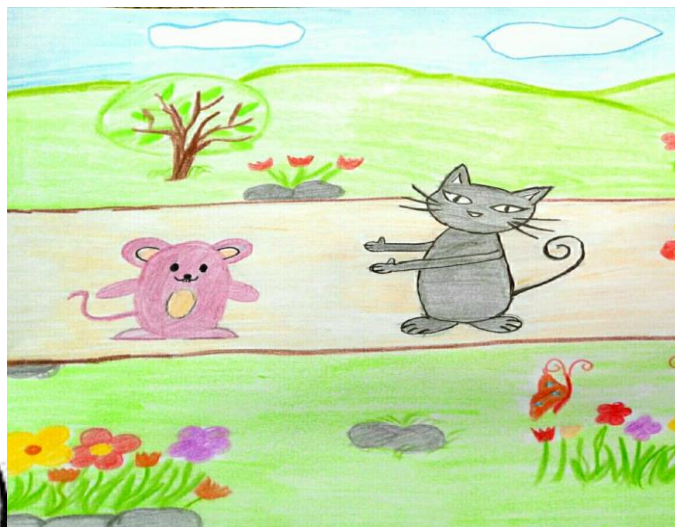
موش موشیه با خنده

به گوش من میخونه

مامان موشی تو خونه

هرگز سوار نمیشی !!!

تو ماشین یه پیشی



آی قصه قصه قصه

قصه : مراقبت از خود

سرویس مدرسه خرگوش ها

یکی بود یکی نبود توی یک جنگل سرسبز و قشنگ مدرسه ای بود که خرگوش کوچولوها در آن جا درس می خواندند. روزی از روز ها برفی که دیر از خواب بیدار شده بود با عجله خود را به محل سوار شدن سرویس رساند. هز طور بود سوار سرویس شد و یادش رفت به آقای راننده سلام کند. دوستانش به او سلام کردندو برفی تازه یادش افتاد که باید به همه سلام کند . با شرمندگی سلام داد و روی صندلی نشست شیشه را باز کرد و سرش را بیرون آورد و گفت : به به ! چه هوای خوبی! آقای راننده با دیدن او یادآوری کرد که این کار خیلی خطر ناک است و بچه ها هرگز نباید دست و سر خود را از شیشه بیرون بیاورند. برفی که با عجله از خانه خارج شده بود و صبحانه نخورده بود، احساس گرسنگی کرد و به یاد لقمه ای که مادرش در کیفش گذاشته بود افتاد فوری آن را در آورد و خورد و کیسه پلاستیکی و خرده های نان را به کف ماشین ریخت. گوش دراز با دیدن او ناراحت شد و گفت : برفی مگر شما در خانه خرده های نان را روی زمین می ریزید؟ سرویس مدرسه هم مثل خانه ماست باید آن را تمیز نگه داریم. مگر نکمیدانی خوردن غذا در ماشین خطرناک است و ممکن است باعث خفگی شود. برفی کمی فکر کرد خم شد و خرده های نان را داخل کیسه پلاستیک ریخت و در کیفش گذاشت تا آن را در جای مناسبی بگذارد .

بلاخره سرویس به مدرسه رسید و خرگوش کوچولو از آقای راننده تشکر کرد و آهسته در را باز کردند و به ترتیب و با احتیاط از سرویس مدرسه پیاده شدند و شاد و خندان به کلاس رفتند .



آموزش

فعالیت علمی آبخوری و سرویس بهداشتی

- انجام دادن صحیح فعالیت های شخصی

- صرفه جویی در مصرف منابع آب و درست مصرف کردن (هدر ندادن آب)

- رعایت بهداشت در مکان های عمومی (دستشویی، آبخوری)

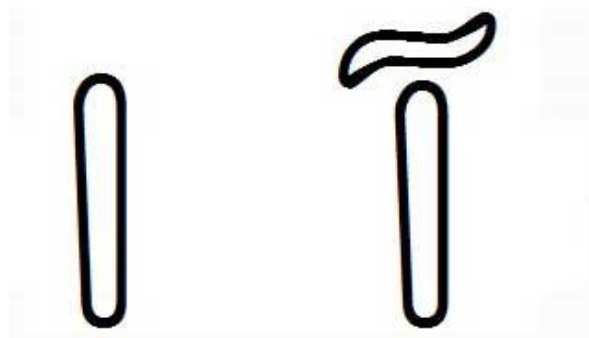
- توجه به نظافت



هفته اول مهر

نمایش وسایل نقاشی:





شعر را بخوان و نشانه را بنویس.

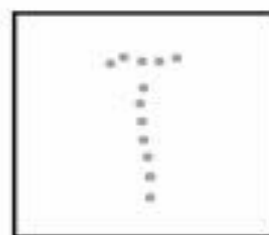
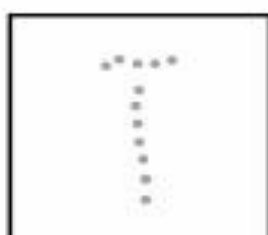
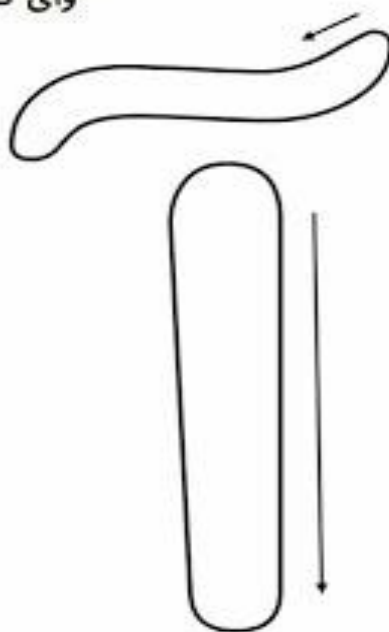


آ آ آ هستم

اول آهو هستم

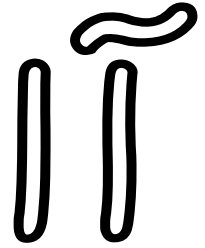
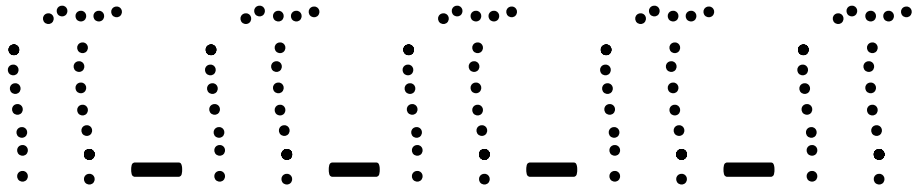
کلاه دارم رو سرم

وای که چقد ناز هستم

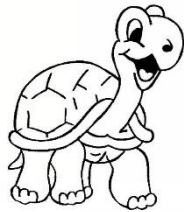
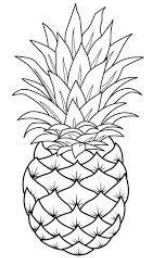


نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



شکل هایی که با صدای (آ) شروع می شوند را رنگ کن



آناناس - آب - آهو

(آ) را پیدا کن

آموزش حرف (آ - ا)

(آ) هستم (آ) هستم من (آ) اول هستم - قد بلندی دارم شکل قشنگی دارم
 کلاهی خیلی زیبا بالای سر می دارم - مثل آب مثل آرد مثل اول آداب
 یک (آ) دیگر هم هست - هست (ا) غیر اول
 با همدیگه بچه ها دو شکل دارند در جدول
 قد بلندی دارد شکل قشنگی دارد - یادت باشد عزیزم اما کلاه ندارد
 صدای دوم میاد گاهی وسط گاهی در آخر میاد
 کشیده گو (آآ) زیاد تا نره از فکر و یاد

آ ب س
 د ر م
 س آ ک
 م ش آ

پیشنهاد مربی:



هفته اول مهر

خوراکی های سالم و ناسالم :

هر غذایی که میخوریم نقش مهمی در سلامت ما دارد .

این سلامت هم شامل جسم و هم روح انسان می باشد ،

بنابراین باید در انتخاب نوع مواد غذایی مصرفی خود دقت کنیم

تا بدنی سالم داشته باشیم .

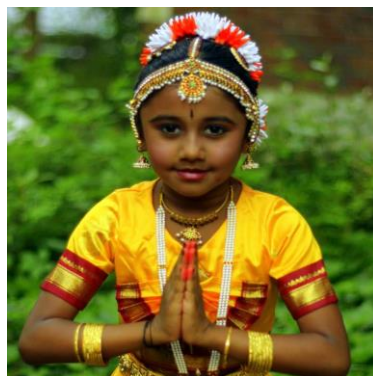
	
سالم	سالم
داشتن ویتامین و مواد معدنی	ویتامین، مواد معدنی، پروتئین
	
ناسالم	سالم
نمک و چربی زیاد، روغن مضر، نگهدارنده	ویتامین و مواد معدنی

	
ناسالم	ناسالم
روغن مضر، نمک زیاد، رنگ و افزودنی های خوراکی	رنگ مصنوعی
	
ناسالم	ناسالم
مواد نگهدارنده، مواد افزودنی، فسفات زیاد و شکر زیاد	رنگ مصنوعی

بازی سلام دادن

سلام چه خوب و زیباست	غنچه ی روی لب ها	به هر کسی میرسیم	کلام اول ماست
وقتی شکوفه ی سلام	می شکفه روی لبام	مهربونی بیشتر میشه	زندگی زیباتر میشه
آب می زنیم به دستامون	به صورت و به چشمامون	بعدش به مامان و بابا	سلام میدیم ما بچه ها (۲)

به کودک بگویید مردم شهرها و کشورهای مختلف سلام هایشان باهم فرق می کند مثلاً؛ ژاپنی ها وقتی می خواهند به هم سلام کنند از ناحیه ی کمر کاملاً خم می شوند و چند بار سرشان را تکان می دهند. هندی ها دو کف دستشان را به هم می چسبانند و دستشان را زیر چانه می برند بعضی از سرخپوستها دستشان را مشت می کنند و روی قلبشان می گذارند. در کشور ما نیز انواع سلام وجود دارد مثل: بعضی شیرازی ها موقع سلام کردن شانه های هم را می بوسند. در لرستان افراد به هم دست می دهند هرکس دست خود را می بوسد و به پیشانی می زند. در تهران و خیلی شهرهای دیگر افراد موقع سلام کردن صورت های همدیگر را می بوسند. در خیلی جاها مردم فقط با هم دست می دهند. همه این موارد نمایی است و شما می توانید از کودک بخواهید آنها را تکرار کند و این نمایش را با شما اجرا کند. از او پرسید کدام روش سلام کردن را می پسندند



ابزار های کاردستی :

آموزش :

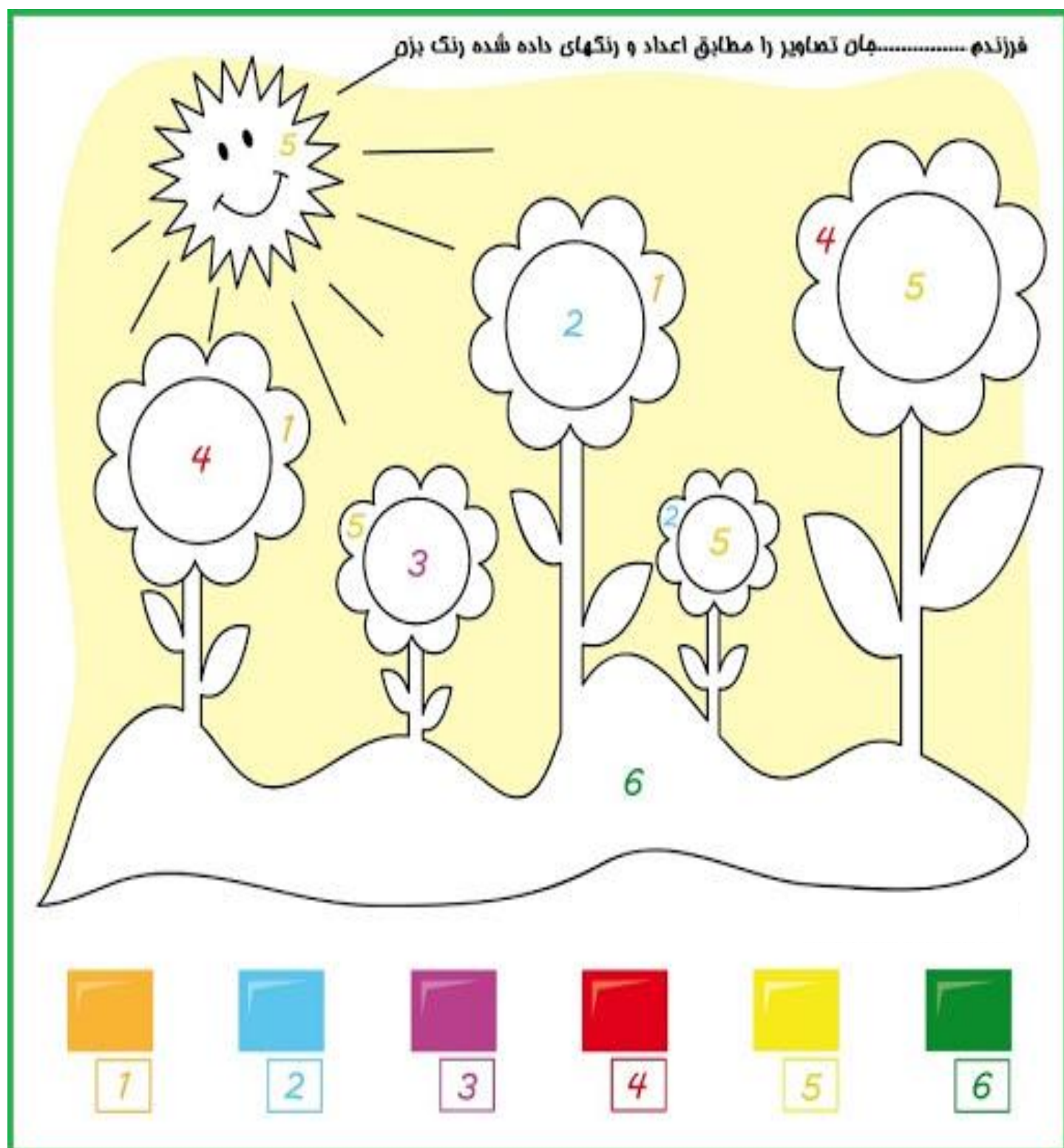
- درست کردن کاردستی
- افزایش اعتماد به نفس
- رعایت نکات ایمنی در هنگام کار با قیچی
- پیروی از دستورالعمل ها



آشنایی با رنگ ها :

آموزش :

آموزش انواع رنگ ها و طریقه رنگ آمیزی و تقسیم بندی رنگ ها به دو دسته اصلی و فرعی و عنوان کردن رنگ اصلی (قرمز، زرد، آبی) و ترکیب و رنگ سازی

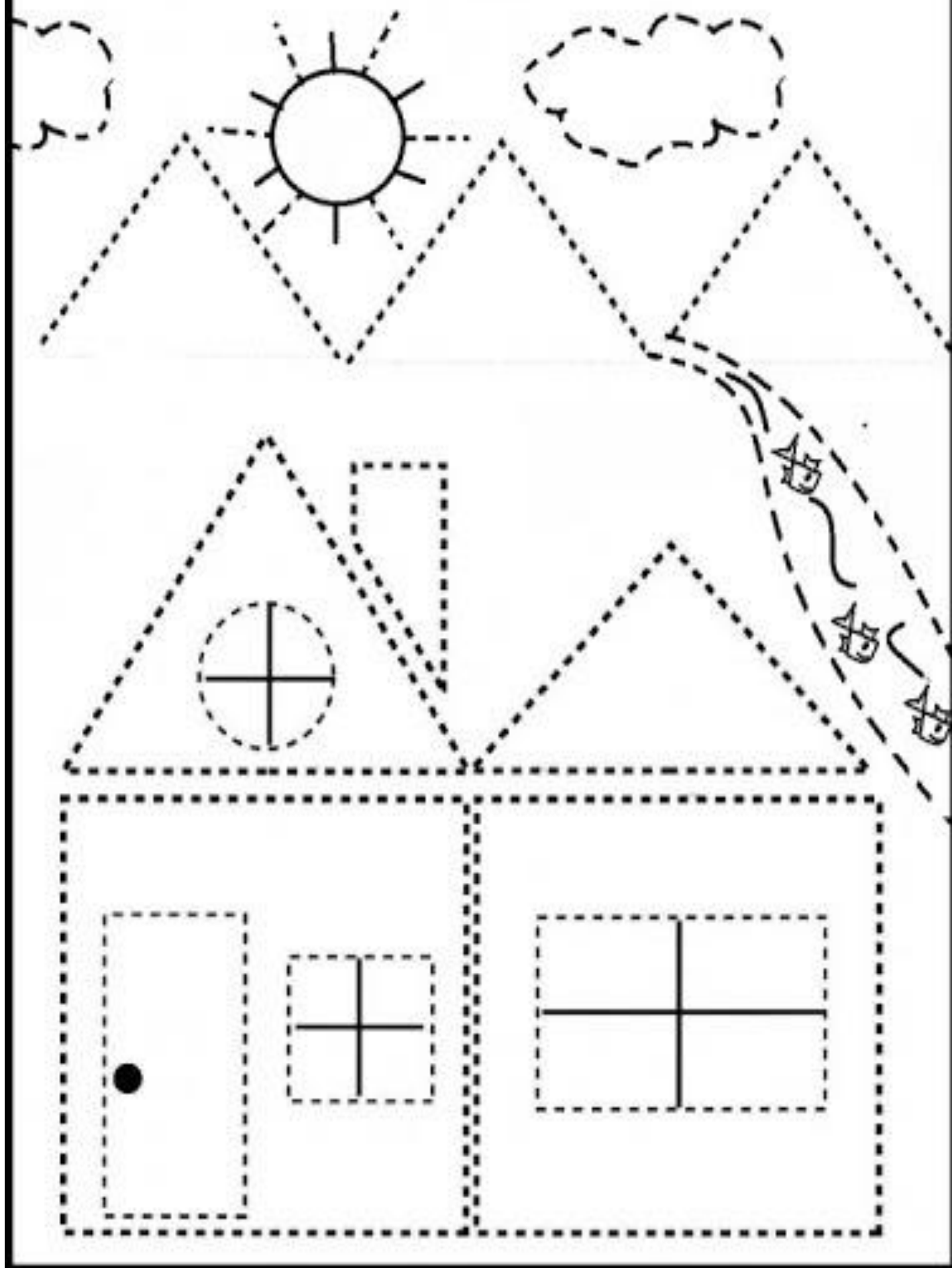


کاربرد خطوط و اشکال

هدف: تقویت خطوط (راست، خمیده، شکسته) یا

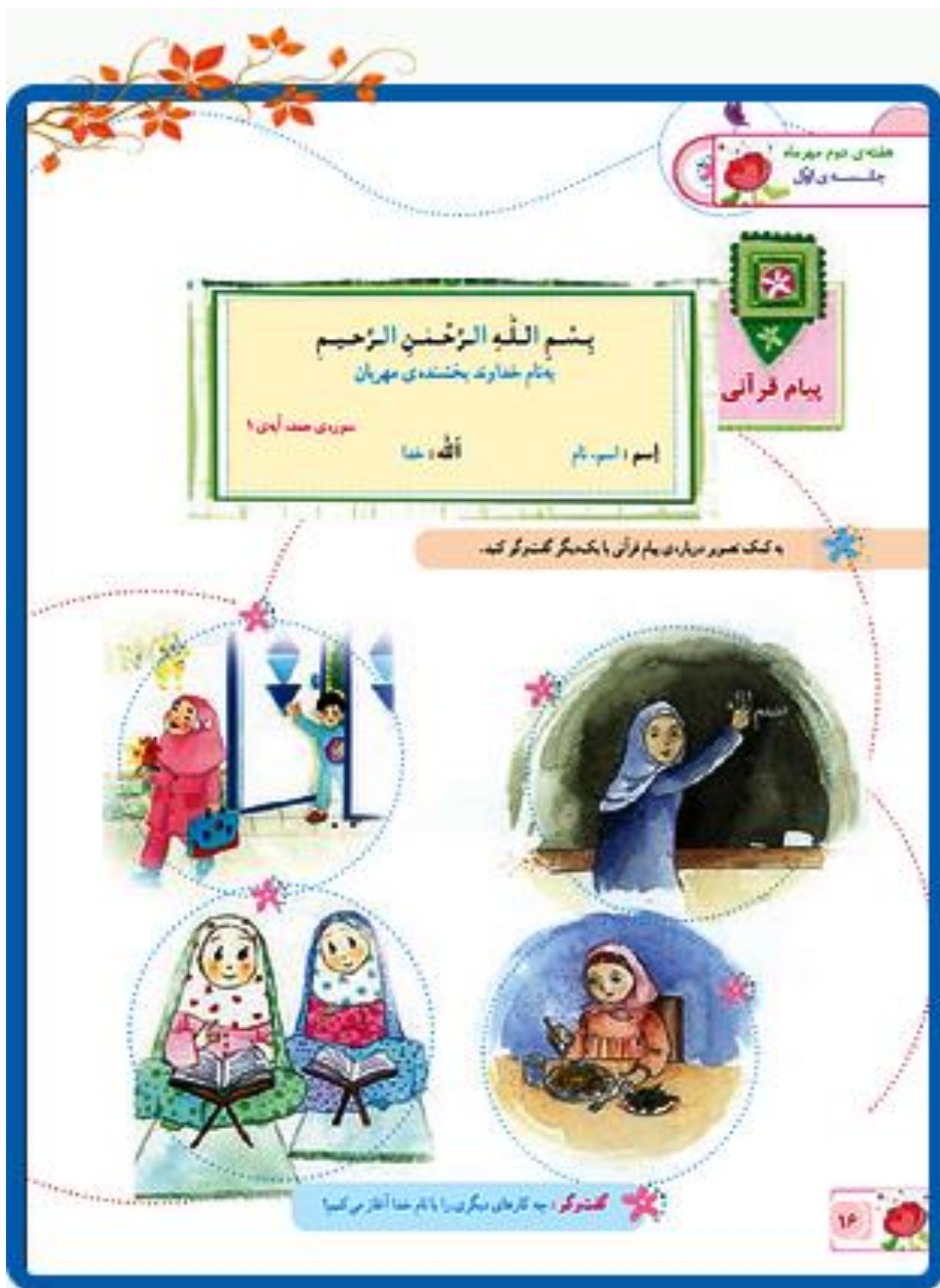
اشکال هندسی (گردی، سه گوش و چهار گوش)

افزایش مهارت دست ورزی و هماهنگی بین چشم و دست



هفته دوم :

آشنایی با آیه قرانی : (بسم الله الرحمن الرحيم)



نوع فعالیت : آموزش

شعر مثل گل یاس

کاردستی : ساخت کاردستی خورشید، گل یاس ،نگاره آموزشی شماره یک واحد یادگیری
آموزشگاه

وقتی که صبح پیدا میشه

خورشید میاد پشت شیشه

خواب از سرم پر میزنه

دوستم میاد در میزنه

با خنده مثل گل یاس

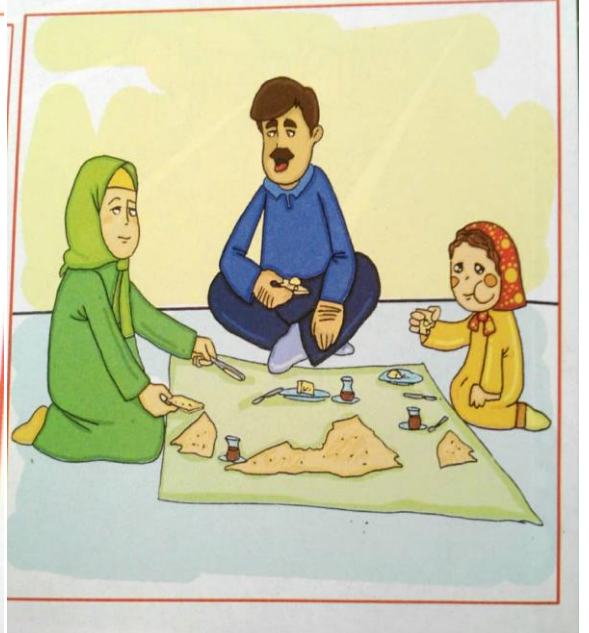
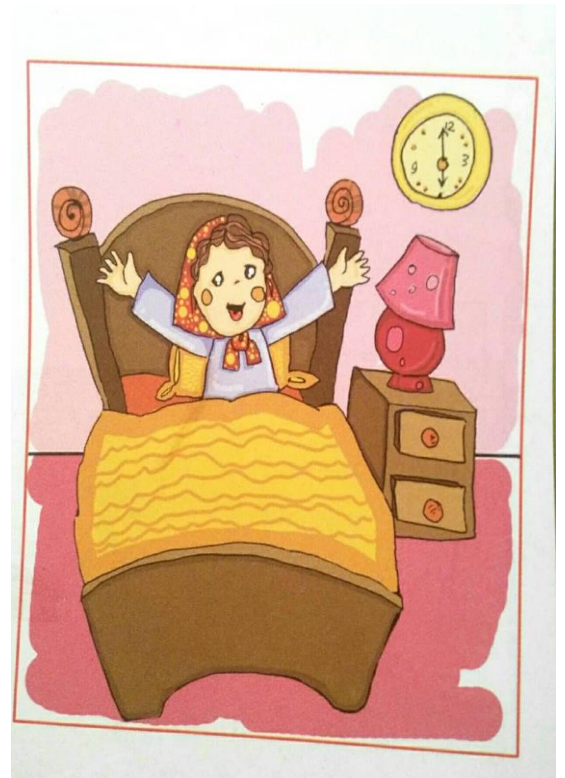
باهم میریم سوی کلاس

قصه میگی، شعر می خونیم

تو کودکان می مونیم



نگاره آموزشی : شماره ۱ واحد یادگیری آموزشگاه

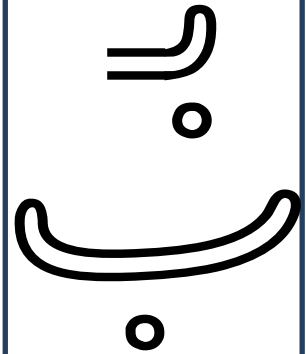


نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

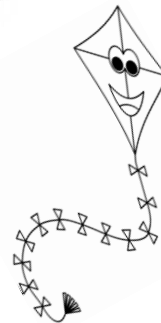
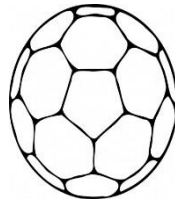
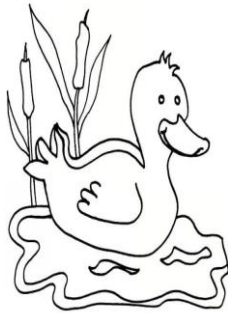
نقطه چین ها را به هم وصل کنید.

ب ب ب ب ب ب

ب ب ب ب ب ب



شکل هایی که با صدای (ب) شروع می شوند را رنگ کن



برگ - بادبادک - باران

آموزش حرف (ب)

اسمت چیه؟ (آ) هستی نه نه نه (ب) هستم - من (ب) آخر هستم شبیه قایق هستم

نقطه ای خیلی کوچک زیر پایم گذاشتم - در کلمات بسیار آخرین حرف من هستم

مثل آب مثل تاب آخرین حرف آداب - حالا بگو چه هستم؟ ب ب

بدون هیچ صدا بگو که هستم؟ ب ب - با حرکت لب ها بگو چه هستم؟ ب ب

آفرین و مرحبا به کودکان دانا

هزار هزار آفرین به بچه های بینا

(ب) را پیدا کن

آ ب س

د ر ب

ب آ ک

م ب آ

پیشنهاد مربی:





نون و پنیر و پسته

آی قصه قصه قصه

بچه های عزیزم سال پیش در کلاس ما دو خواهر دوقلو بودند به نام های نسرين نگين.

آن ها بسيار كم حرف بودند و هرچقدر از آن ها سوال ميشد جواب نمي دادند. من نيز هميشه فكر مي كردم كه آن ها درس هايشان را به خوبي ياد نمي گيرند . و يا اينكه گوش هايشان به خوبي نمي شنود . و يا اينكه اصلا حرف زدن را بلد نيستند. يك روز در زنگ نقاشي در مورد حيواناتي مثل خرگوش گربه جوجه سگ و ... صحبت مي كرديم من غذاي حيوانات را از بچه ها پرسيدم همه جواب دادند به جز آن دو خواهر . من از اين بايت بسيار ناراحت شدم . وقتي نسرين نقاشي خرگوش را كشيده بود گوش هاي او را به شكل موش نقاشي كرده بود . او پرسيدم دخترم اين موشه يا خرگوش ؟ او جوابي نداد . بعد از اينكه زنگ خورد و داشتيم به خانه مي رفتيم مادر آن ها بيرون کلاس منتظر بچه هايش بود و من با خوشحالي با او صحبت كردم . و موضوع را گفته و از او خواستم تا به من كمك كند. مادرشان كنار نسرين و نگين نشسته و از آن ها سوالاتي پرسيد. غذاي سگ چيه؟ گفتند استخوان مادر پرسيد غذاي گربه چيه گفتند موش مادر گفت جوجه چه مي خورد . گفتند دانه . مادر پرسيد خرگوش چه مي خورد گفتند هويج و كاهو . مادر گفت چرا جواب سوال هاي معلمات را نداديد. نگين گفت مادر جان من ترسيدم . من بسيار خوشحال شدم از اينكه ديدم بچه ها درس هايشان را به خوبي ياد گرفته اند. گفتم نسرين جان نقاشي ات را به مادرت نشان بده . مادر خنديد و گفت اين موشه يا خرگوش؟ نسرين گفت اين خرگوشه اما هنوز گوش هايش بزرگ نشده و مادر گفت چرا اين موضوع را به معلمت نگفتي . نسرين گفت نتوانستم خجالت كشيدم.

فعالیت علمی نگاره های آموزشی :

۱: بحث و گفتگو در خصوص نگاره های آموزشی

(بحث و گفتگو با هم گروهی های خود به جهت نتیجه گیری در خصوص نگاره ی موردنظر)

۲: نمایش اتاق مرییان

(با استفاده از رنگ ها و گروه بندی نوآموزان با نام رنگ ها و)

(با سواد شدن)

آموزش علمی :

استفاده از سیم های مختلف رنگی همچنین نقاشی با خطوط خمیده و باز و بسته

مسابقه قیچی کردن خطوط ترسیم شده (باز و بسته و خمیده)

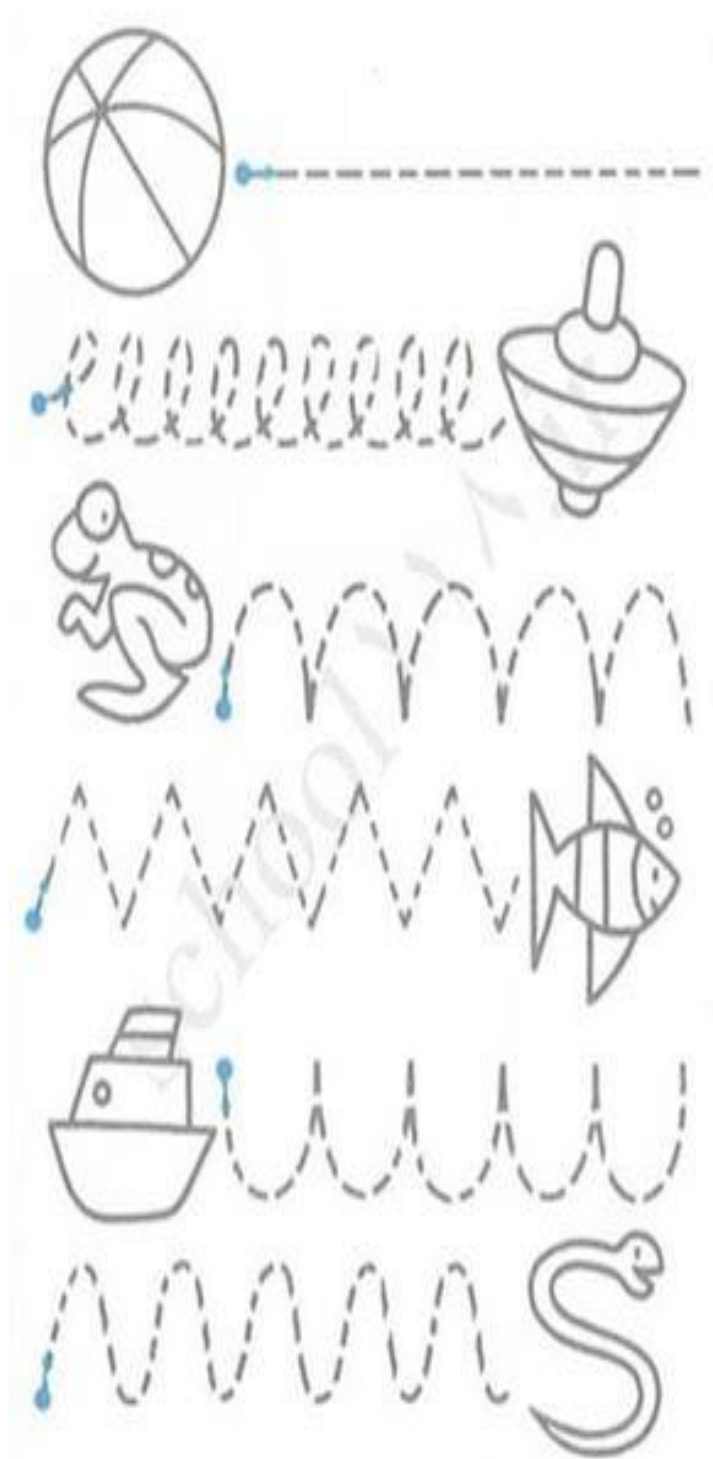
درست کردن اشکال مختلف به وسیله سیم های رنگی، خمیر بازی یا کاموای رنگی

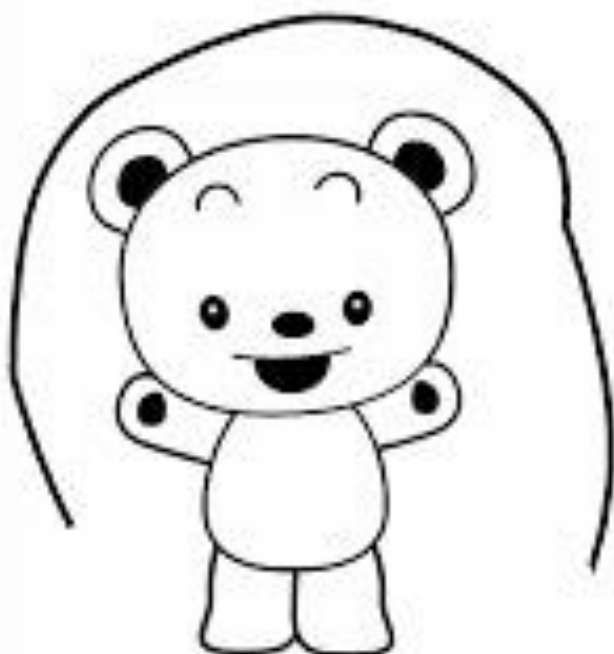
تکلیف : در خانه نوآموز نمایشی با این خطوط برا اولیاء اجرا کند و ایشان از آن فیلم

گرفته و بفرستند .



دخترای نازنیم به تصاویر خوب نگاه کنید سپس خطوط خمیده را با رنگ صورتی، خطوط راست را با رنگ آبی و خطوط شکسته را با رنگ سبز مشخص کنید.





فعالیت عملی :

رعایت بهداشت

وسایل مورد نیاز : صابون - مسواک - خمیر دندان - حوله - شانه - لیوان

کاربرد هریک به صورت مجزا از نو آموز پرسیده خواهد شد. (تاکید به شخصی بودن این وسایل)

آموزش طرز صحیح دست شستن با استفاده از آب و صابون - مسواک زدن و ...

گویله رده اولدوزام من

چی چیک قشنگ قیزام من

سویملی دیر گوشولوم

صدف کیمین دیر دیشیم

ساچلاری سنبل قیزیم

آنام دئیب گول قیزیم

سنی سئوه جک آنان

تمیز اولسان هر زمان



کدام کار درست است؟ با علامت x نشان بده.



شکل‌های مربوط به هم را وصل کن.









نازنین و احسان بچه هایی هستند درست شبیه شما . حال ماجرای آن ها را گوش کنید...

در مدرسه دخترانه سا را کنار نازنین می نشست در مدرسه پسرانه رضا کنار احسان می نشست

یک روز خان معلم نازنین گفت : بچه ها مداد رنگی هایتان را روی میز بگذارید . می خواهیم نقاشی بکشیم .

سار را توی کیفش رو نگاه کرد و زد زیر گریه . نازنین پرسید : چرا گریه می کنی ؟ سارا جواب داد : مداد رنگی

هایم را نیاورده ام . نازنین گفت : غصه نخور من شش تا مداد رنگی دارم . سه تا مال تو سه تا مال من .

همان روز زنگ تفریح رضا خوراکی نیاورده بود . احسان لقمه اش را قبل از خوردن نصف کرد . نصفش را به رضا

داد و گفت ؟: بخور خوشمزه است . رضا هم خورد . خندید و از رضا تشکر کرد.

وقتی نازنین و احسان به خانه رسیدند . مادر پرسید : از مدرسه چه خبر ؟ بچه ها خبر هار را گفتند . پدر خوشحال

شد و گفت : پس دوست پیدا کردید . نازنین و احسان با تعجب به هم نگاه کردند . مادر گفت : وقتی کسی می خواهد

با یک نفر دوست شود . باید به او مهربانی کند . اگر ناراحت است خوش حالش کند . درست همان کاری که شما

کردید .

نمایش

احترام :

وسایل مورد نیاز : پرچم

توضیح در خصوص مفهوم رنگ ها و کلمه مقدس " الله " در وسط پرچم



یکی بود یکی نبود غیر از خدا مهربان هیچکس نبود در مدرسه مورچه ها وقتی که خانم مربی وارد کلاس شد همه مورچه ها به احترام او از جا بلند شدند .

در همین موقع صدای در دوباره به گوش رسید و بچه مورچه ها

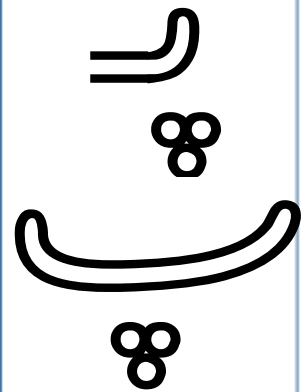
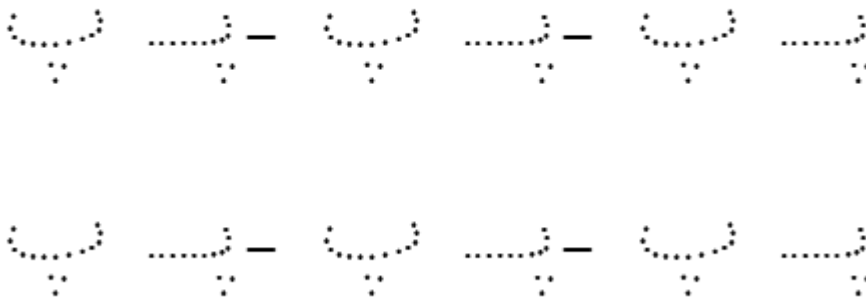


کاردستی نشانه ها

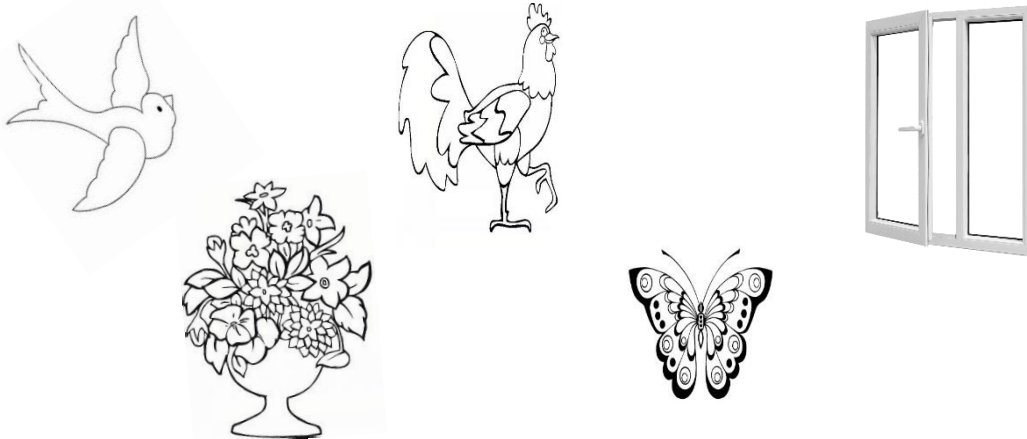


نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ:

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



شکل هایی که با صدای (پ) شروع می شوند را رنگ کن



پرستو - پروانه - پنجره

آموزش حرف (پ)

(پ) که می گن من هستم درست شکل (ب) هستم

سه نقطه گرد و کوچک پایین پام گذاشتم

با حرکت دو لب میام ، با صدای نفس میام

با (پ) غیر آخرم اول و وسط هم میام

پرستو پا و پر داره پرواز و خیلی دوست داره

پدر بزرگ سوپ می پزه پروانه ها رو دوست داره

(پ) را پیدا کن

پ ب س
د پ م
ب آ پ
م پ آ

پیشنهاد مربی:





تاریخ:
مفاهیم ریاضی

نام نو آموز:
نام مربی:

داخل - خارج

❖ تخم مرغ های داخل سبد را رنگ بزن.



❖ داخل چند لیوان آب هست؟ زیر آن ها خط راست بکش.



هفته چهارم

۱: مرور و تثبیت آموخته ها

(خواب ماندن حسنی)

صبح بود . آفتاب بود. حسنی خواب خواب بود . کفشها ، جلوی در لالا و پایین پریدند و صدا زدند: "آهای حسنی ؟ یک و دو و سه خواب دیگه بسه .زود باش بیدار شو دیر می رسیم به مدرسه حسنی یک چشمش رو باز کرد کیف مدرسه بندش رو دور پاهای حسنی انداخت و کشید و گفت : یک و دو و سه خواب دیگه بسه زود باش بیدار شو دیر می رسیم به مدرسه . حسنی یک چشم دیگرش را باز کرد. ننه ی حسنی لقمه به دست کنار رختخواب نشست و گفت : جان ننه بیدار شو دیر می شود ننه از تو دلگیر می شود اگر بروی مدرسه برات آش می پزم . حسنی سرش رو برد زیر پتو ساعت که روی طاقچه بود لجش گرفت و گفت : مدرسه رفتن که این قدر ناز و ادا ندارد . بعد هم پرید پایین . تاپ ... افتاد کنار رختخواب . فنرش در رفت و زینگ صدای زنگ ساعت تو گوش حسنی پیچید. کیف پای او را کشید . کفش بالا و پایین پرید . حسنی هم از جا پرید . لقمه رو از دست ننه گرفت و کفشش رو پوشید . کیفش رو برداشت و دوید توی کوچه . یک و دو و سه رفت و رسید به مدرسه . دیر شده بود بچه ها و خانم مربی در کلاس بودند. حسنی در کلاس رو باز کرد و با عجله رفت و نشست ته کلاس . سر و وضع او بسیار نا مرتب بود . دکمه های لباسش رو یک د میان بسته بود . موهایش رو شانه نکرده ، بند کفش و در کیفش هم باز بود و وسایل آن نامرتب و ...

خانم مربی گفت : سلام حسنی باز هم خواب مانده بودی ؟ با زهم مدرسه ات دیر شد ؟ بهتر است شبها زود بخوابی تا صبح به موقع بیدار شده و به کلاس بیایی .



نمایش:

خوردن صبحانه سالم

از نو آموز خواسته می شود تا از زمان بیدار شدن خود تا حضور در مدرسه را برای مربی و دوستانش به صورت نمایش اجرا کند.

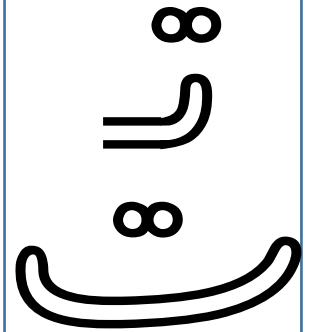
یکی بود یکی نبود غیر از خدای مهربان هیچ کس نبود. صبح زود خرگوش کوچولو از خواب بیدار شد تا به مدرسه بروند مادر خرگوش او را صدا کرد تا صبحانه بخورد او هم با خوشحالی کنار سفره نشست و به مادر گفت: ...



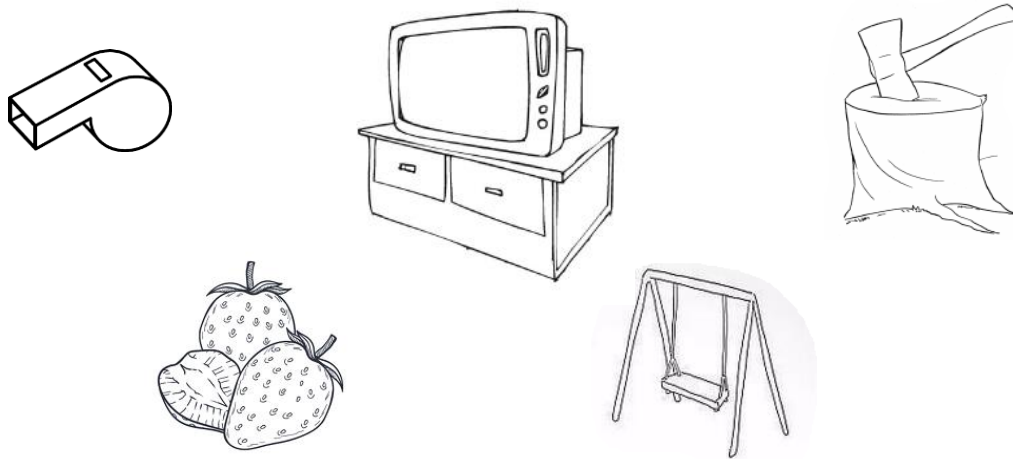
نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید

ت ت ت - ت ت ت - ت ت ت
ت ت ت - ت ت ت - ت ت ت



شکل هایی که با صدای (ت) شروع می شوند را رنگ کن



(ت) را پیدا کن

آموزش حرف (ت)

اسمت چیه ؟ ب هستی نه نه نه (ت) هستم

من (ت) آخر هستم بر روی خط نشستم

با دو تا شکل زیبا شبیه قایق هستم

نمی بینی دو نقطه بالای سر گذاشتم

با ت غیر آخر اول و وسط هستم

مثل تبر مثل توت مثل تاب مثل سوت

آ ت س
ت پ آ
ب ت پ
م پ ت

پیشنهاد مربی :



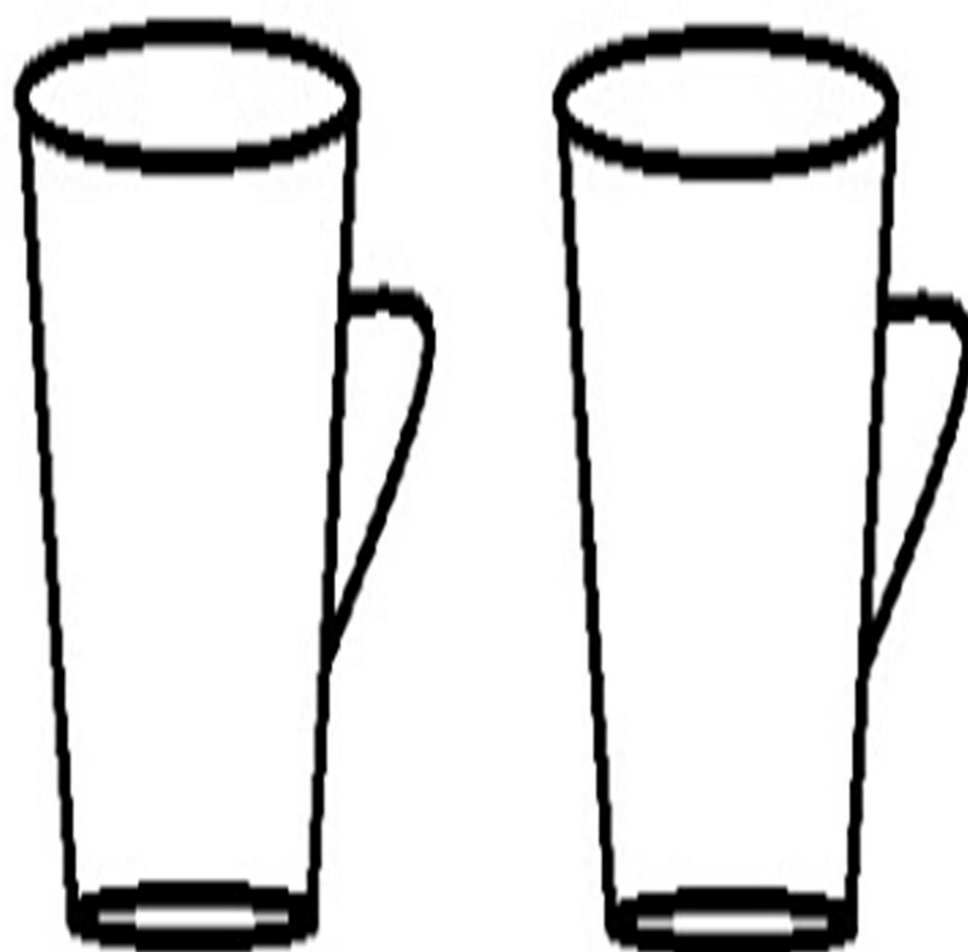
ساخت کاردستی نشانه (ت)

وسایل مورد نیاز : دو عدد لیوان یکبار مصرف - چ.ب به اندازه ۳۰ سانتی متر -
نخ کاموایی



کار کلاژ: مفهوم پرو خالی

عزیزم لیوان سمت چپ را خالی بگذار و لیوان سمت راست را پر از تکه های یخ کن



هدف : آشنایی با مفهوم عدد - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید

— • — • — • — • — • — • — •

— • — • — • — • — • — • — •



"."

مامانی کاشته هسته هلو

تو باغچه ی حیاط مون

روشو با برگ و خاک

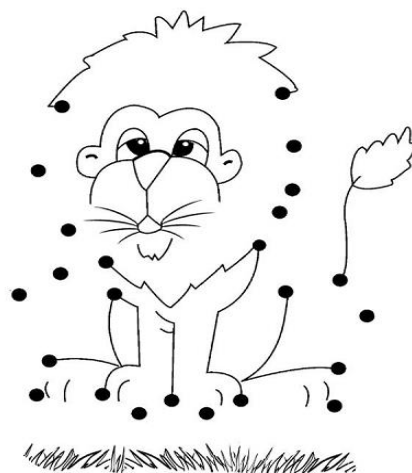
پوشوند،

تا اثری نموند از اون!



اسمت رو تمرین کن .

به هم وصل کن و رنگ کن



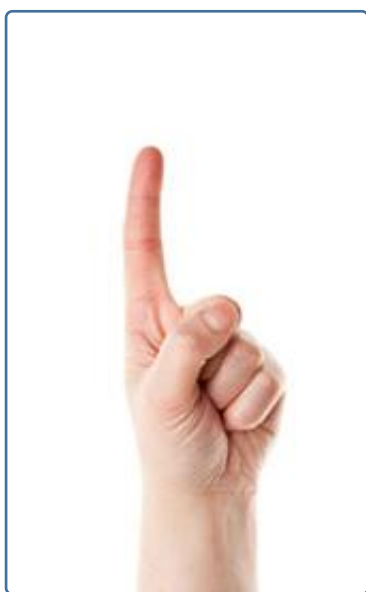
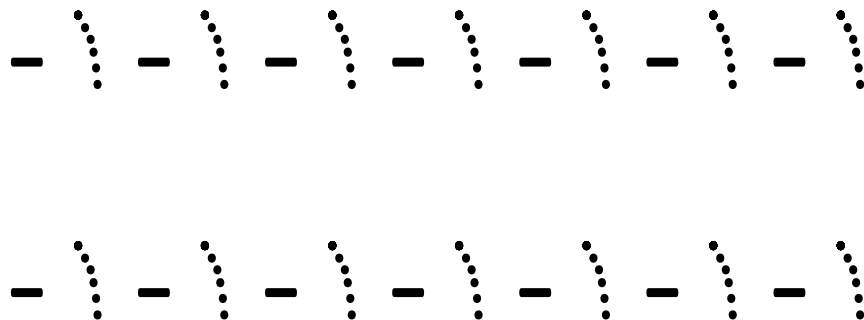
(۰) را پیدا کن

۳	۵	۸
۲	۶	۴
۰	۹	۵
۶	۵	۴

پیشنهاد مربی:

هدف : آشنایی با مفهوم عدد - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



"۱"

یک دونه گنجیشک قشنگ

رو شاخه ها پر می زنه

دنبال دوست می گرده و

به هر طرف سر می زنه...

اسمت رو تمرین کن .

به هم وصل کن و رنگ کن

(۱) را پیدا



۳	۵	۱
۲	۱	۶
۷	۹	۳
۱	۷	۴

پیشنهاد مربی:

هفته اول آبان

آموزش سوره توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ
اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝

یه بچه تمیز

یه بچه ی مهربون

یه بچه تمیز باش

نریز توی خیابون

زباله ها رو هیچ وقت

جمع میشه سوسک و مگس

کثیف میشه خیابون

تنگ میشه راه نفس

آلوده میشه هوا

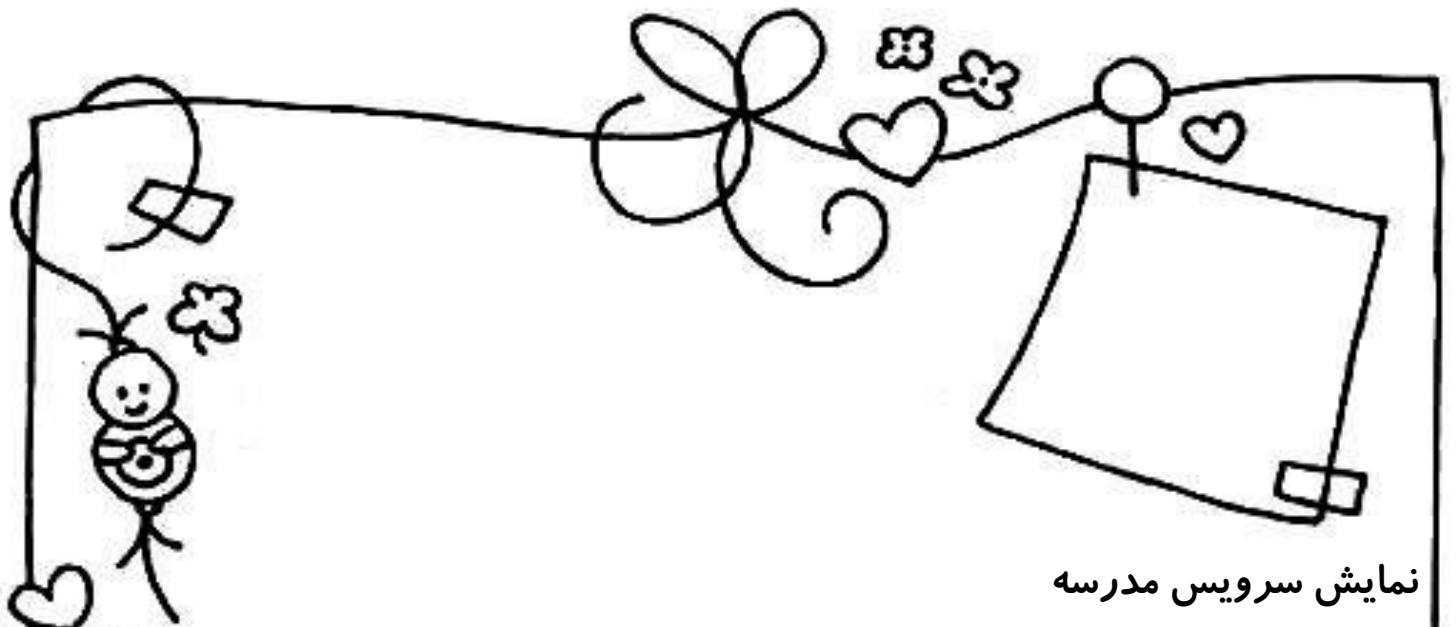
سطل زباله بنداز

زباله ها رو توی

گنجشک بخونه آواز

تا به جای سوسک و موش





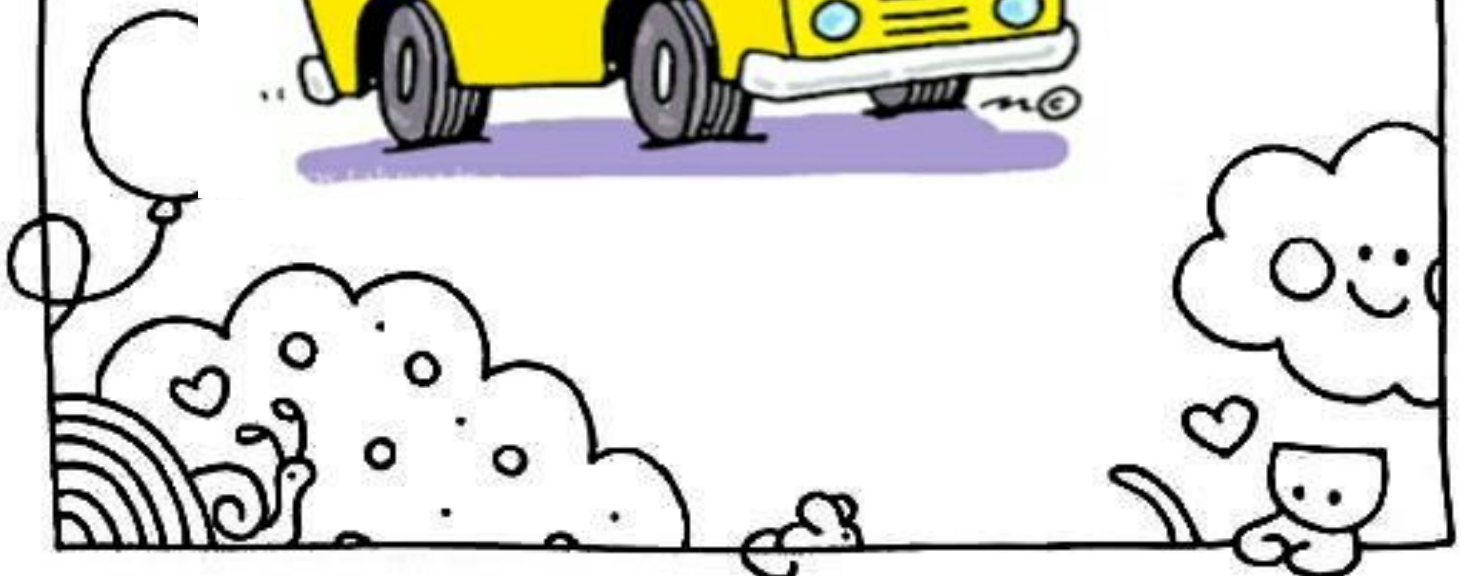
نمایش سرویس مدرسه

- تقویت هماهنگی توانایی جسمی - حرکتی از طریق حمل صحیح اشیا و تقلید کردن

از حرکات

- رعایت نکات ایمنی در خیابان

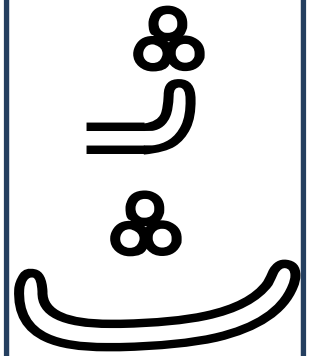
رعایت آداب روابط اجتماعی



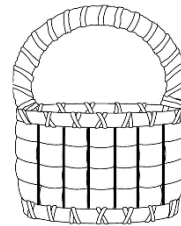
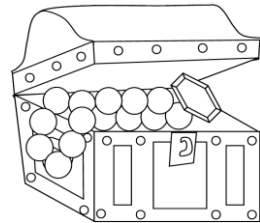
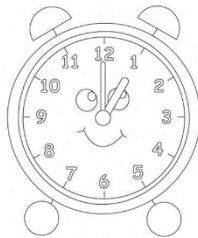
نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید

ث ث - ث ث - ث ث
ث ث - ث ث - ث ث



شکل هایی که با صدای (ث) شروع می شوند را رنگ کن



ثریا - ثانیه - ثروت

(ث) را پیدا

آموزش حرف (ث)

ما هستیم دو برادر غیر آخر و آخر

با (س، ص) هم صدا هستیم از آنها جدا هستیم

دو شکل داریم، بچه ها سه نقطه داریم بالا

کشیده داریم صدا نشستیم در ثریا

آخر باعث هستیم در مثلث نشستیم

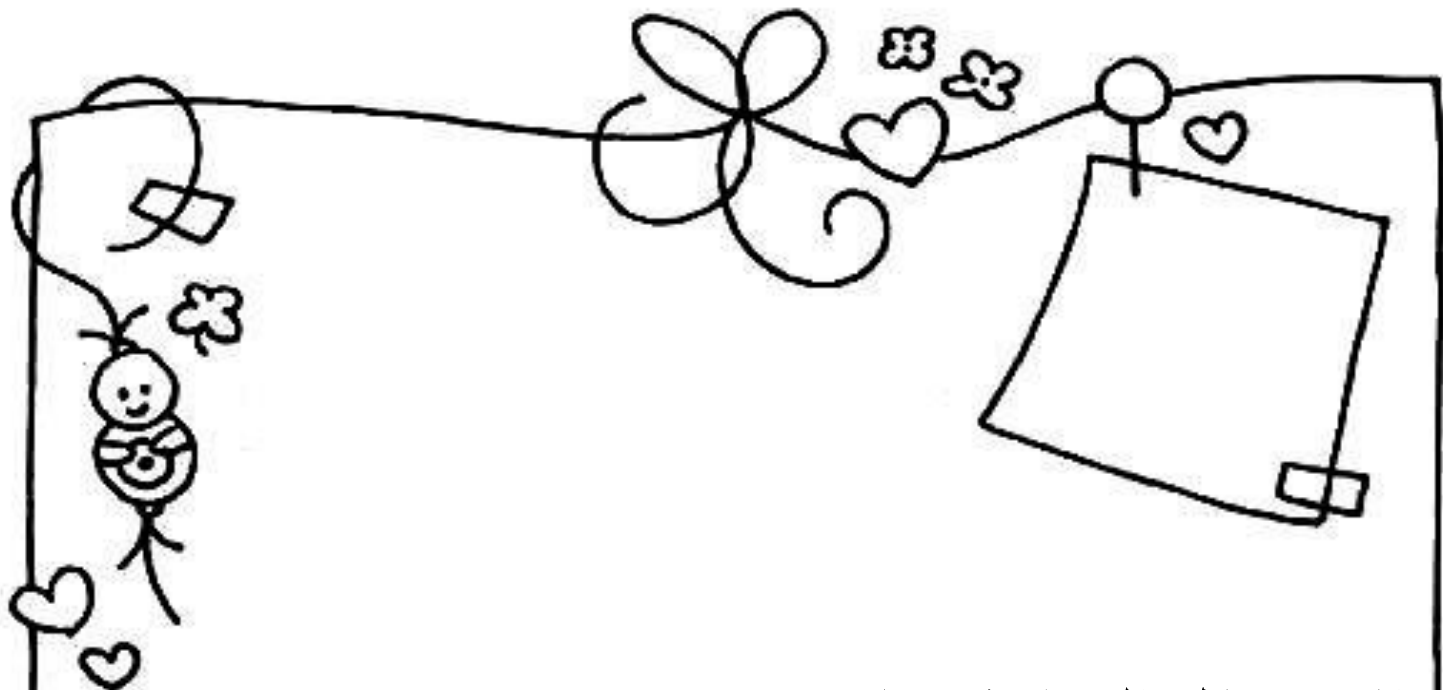
د ث س

ک ر ط

ب آ ث

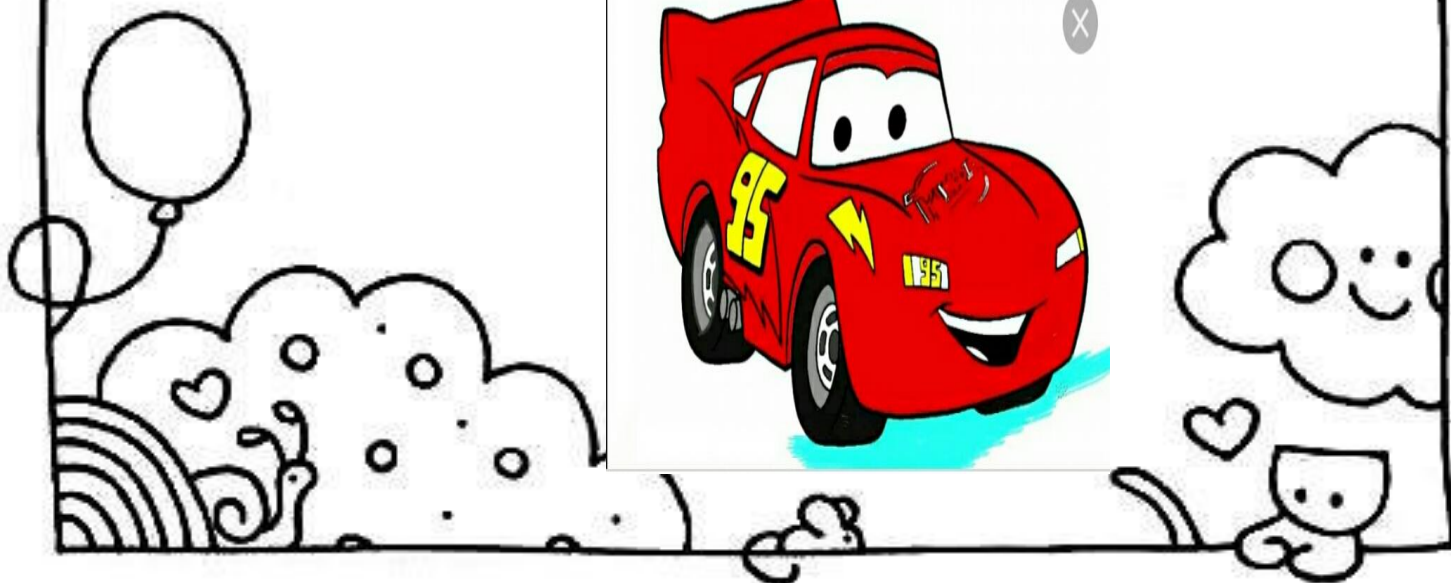
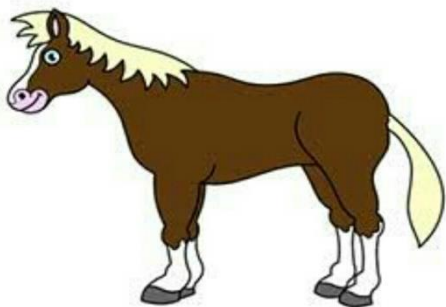
ث ب آ

پیشنهاد مربی:



نقاشی وسایل نقلیه از قدیم تا جدید

- آموزش تقویت و هماهنگی توانایی های جسمی - حرکتی از طریق ترسیم و رنگ کردن
- گسترش گنجینه واژگان مانند : اسب . شتر . وسایل نقلیه
- نقاشی کردن و رنگ آمیزی



فعالیت علمی چراغ راهنمایی

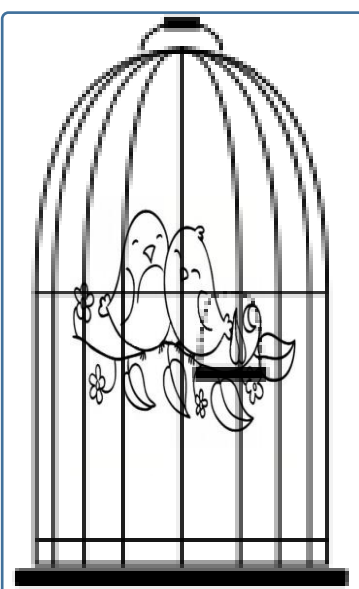
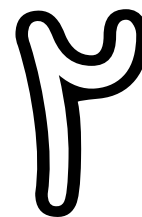
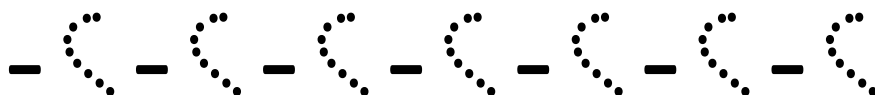
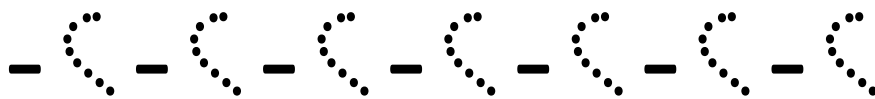
- آموزش با مقررات عبور و مرور (چراغ راهنما و پل عابر پیاده)

آشنایی با برخی مشاغل و احترام گذاردن به آن ها



هدف : آشنایی با مفهوم عدد - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



"۲"

دو تا قناری تو قفس

شبه خورشید می مونن

با مهربونی پیش هم

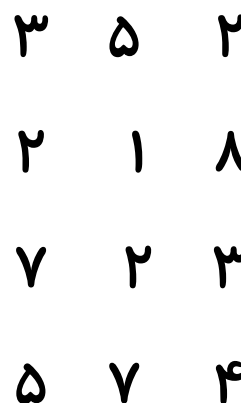
موندن و آواز می خونن!

اسمت رو تمرین کن .

به هم وصل کن و رنگ کن



(۲) را پیدا کن



پیشنهاد مربی:

قصه اماکن مذهبی

یکی بود، یکی نبود؛ یک روز رضا با پدرش به مسجد رفت. دوستش علی را آن جا دید، خوشحال شد، وقتی آقای روحانی به مسجد آمد علی جلو رفت، کنار منبر ایستاد، میکروفن را به دست گرفت و گفت: «... اکبر» صدای علی در مسجد پیچید. همه‌ی مردم دست‌هایشان را بالا بردند و گفتند: «... اکبر» علی گفت: «... اکبر، رکوع»

همه‌ی مردم خم شدند و به رکوع رفتند. علی گفت: «... اکبر، سجده» همه‌ی مردم سرشان را روی مهر گذاشتند. وقتی نماز تمام شد. علی گفت: «السلام علیکم ورحمه... و برکاته» همه‌ی مردم دست‌هایشان را بالا بردند و سلام دادند.

رضا هر روز به مسجد می‌رفت. آرزو می‌کرد او هم یک روز بتواند برای مردم «... اکبر» بگوید. یک روز علی، رضا را صدا زد و به او گفت: «دوست داری تکبیر بگویی؟» و آن روز رضا تکبیر نماز را گفت و مردم با صدای او (تکبیر) نماز را خواندند. رضا هیچ وقت آن روز خوب را فراموش نکرد.

پس از اتمام قصه، مربی از بچه‌ها می‌خواهد تا یک نقاشی از خارج یا داخل یک مسجد را بکشند و رنگ کنند.

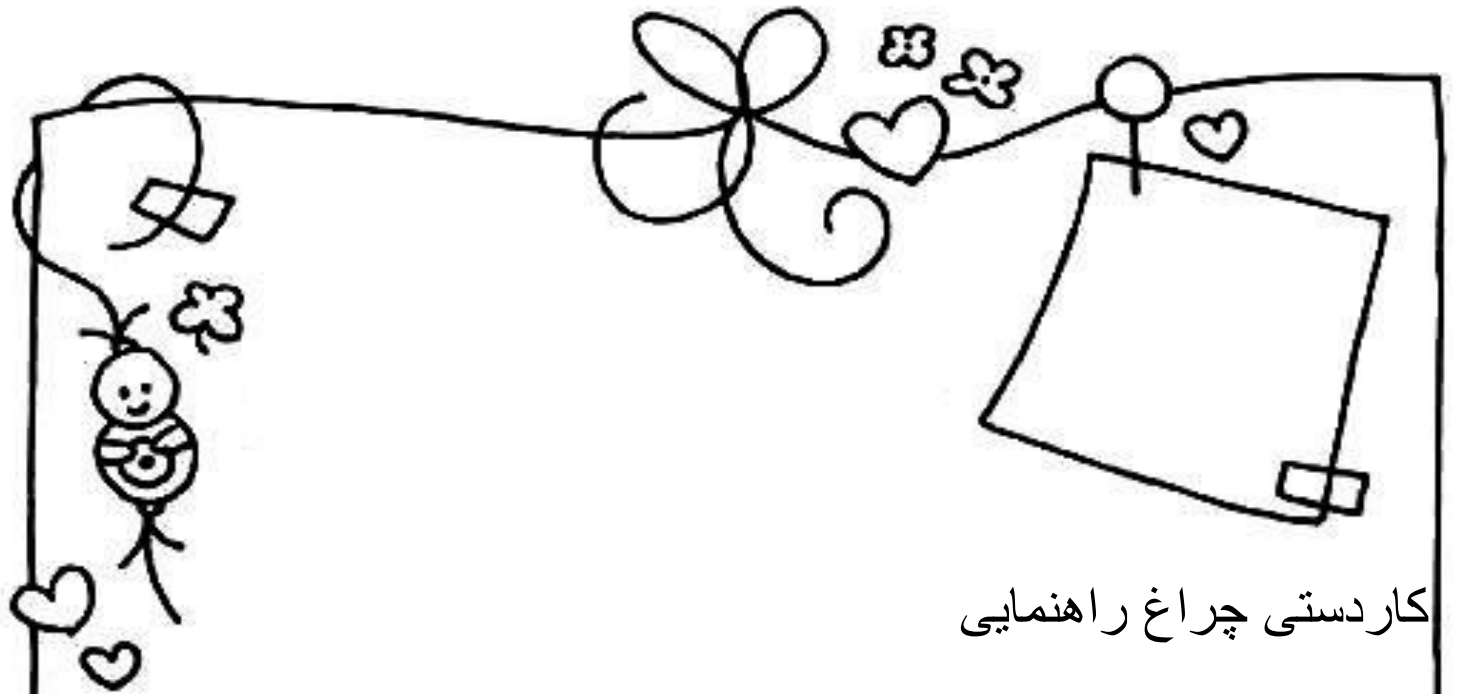
هفته دوم

آموزش عبارت قرانی :

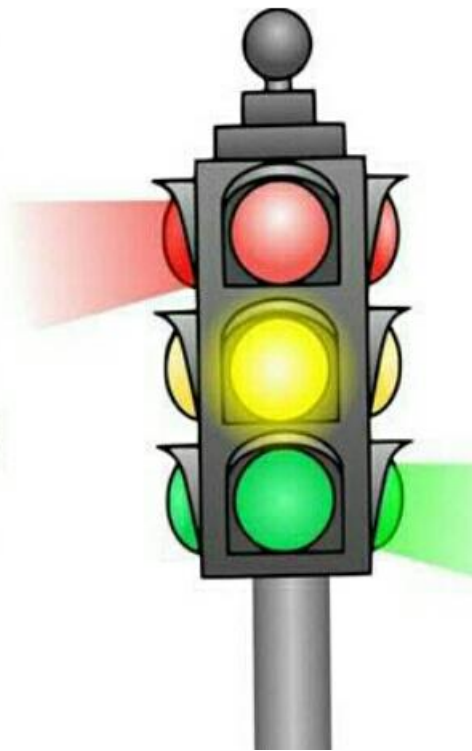
پیام قرانی: « فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ »

« بگو: سلام بر شما. » سوره انعام آیه ۵۴



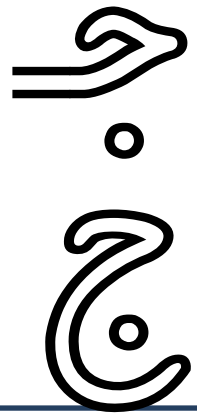
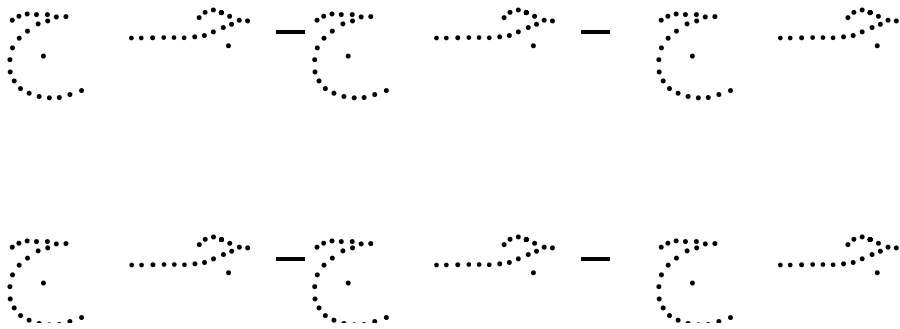


کاردستی چراغ راهنمایی



نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ:

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



شکل هایی که با صدای (ج) شروع می شوند را رنگ کن



جارو - جوراب - جوجه تیغی

آموزش حرف ج

اسمت چیه؟ (خ) هستی نه نه نه (ج) هستم
 نمی بینی نقطه ای پایین پام گذاشتم
 من (ج) آخر هستم آخر گنج نشستم
 در درس نارنج و برنج آخر پنج هم هستم
 با (ج) غیر آخر دو شکل زیبا هستم

(ج) را پیدا

آ ف ج
 د ن م
 ج آ ک
 م ب آ

پیشنهاد مربی:

هدف : آشنایی با مفهوم عدد - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



"۳"

سه خرگوش زبر و زرنگ

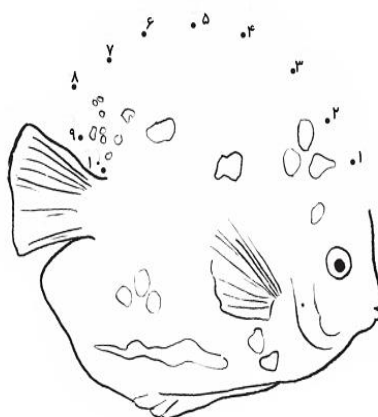
تو باغ ما لونه دارن

خوراکشون هویجه

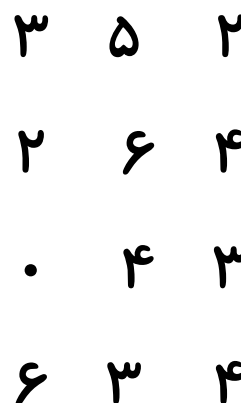
سیب و کلم هم می خورن!

اسمت رو تمرین کن .

به هم وصل کن و رنگ کن



(۳) را پیدا کن



پیشنهاد مربی:

فعالیت علمی بزرگراه





قصه فضای سبز

آشنایی با نحوه پذیرایی از مهمان

تولد موش کوچولو بود . مادرش برایش یک کیک پخت و او همه دوستانش را دعوت کرده بود . هر از چند گاهی صدای در خانه شان شنیده میشد و موش کوچولو فوری در را باز می کرد و به مهمان ها خوش امد میگفت و از ان ها به خاطر آوردن هدیه تشکر میکرد. همه ی مهمان ها در جشن تود موش کوچولو حاضر بودند موش به ان ها گفت کیک تولدم را مادرم پخته است. همه ی مهمان از مادر موش کوچولو تشکر کردند و باهم کیک تولد را خوردند. وقتی مهمانی با شادی و خوش حالی تمام شد، مهمان ها کم کم خدا حافظی کردند و رفتند. موش کوچولو دندان هایش را مسواک زد و مادرش را بوسید و به خواب رفت. او در خواب دید وارد قصری شده که از شیرینی ساخته شده است و همه حیوانات جنگل در آن قصر نشسته اند که ناگهان با صدای زنگ ساعت از خواب پرید . موش کوچولو رفت و خوابش را برای مادرش تعریف کرد ...

شعر ای نو گل عزیزم

کودک دلیپذیرم

ای نو گل عزیزم

چراغ راهنما نداشت

جایی که خط کشی نداشت

بعدش به راست نگاه کن

اول به چپ نگاه کن

از خیابان گذر کن

اگر ماشین نیومد



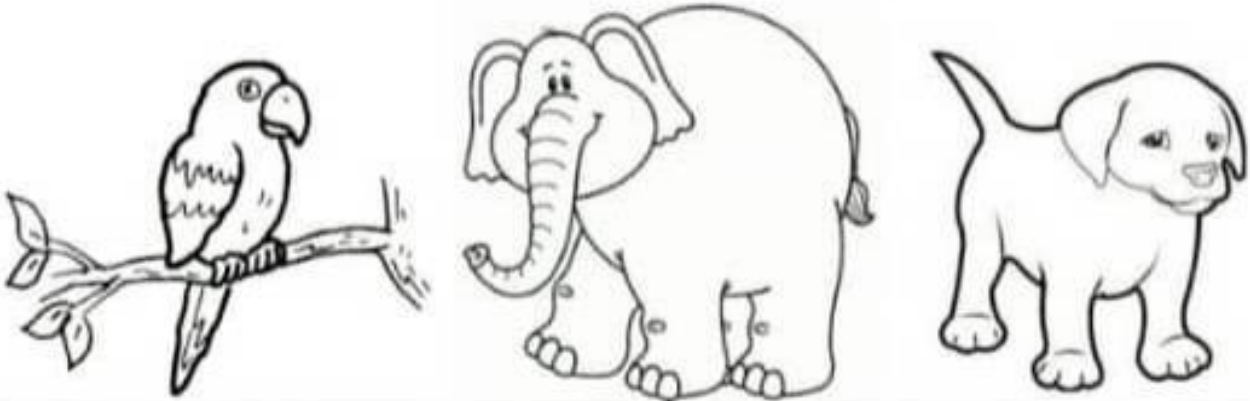


تاریخ:
مفاهیم ریاضی

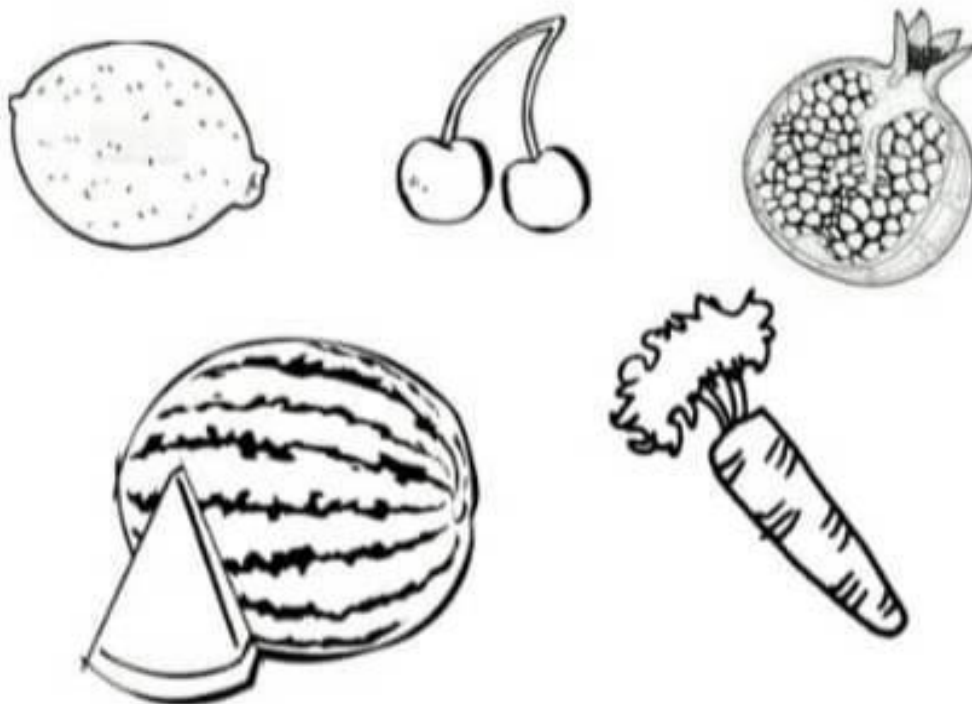
نام نو آموز:
نام مربی:

سبک سنگین

❖ کدام حیوان از همه سنگین تره؟ رنگ بزن.



❖ کدام میوه از همه سبک تره؟ رنگ بزن.



هفته سوم

آموزش سوره حمد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

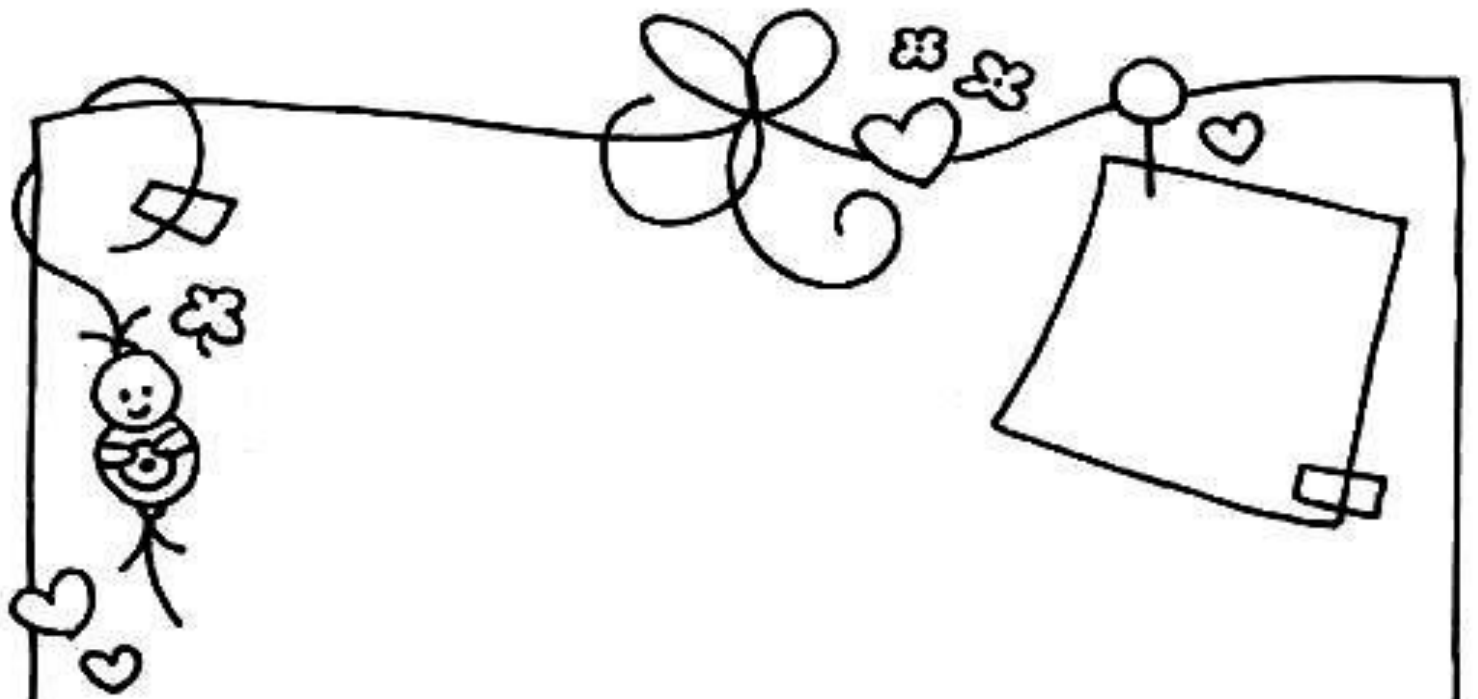
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

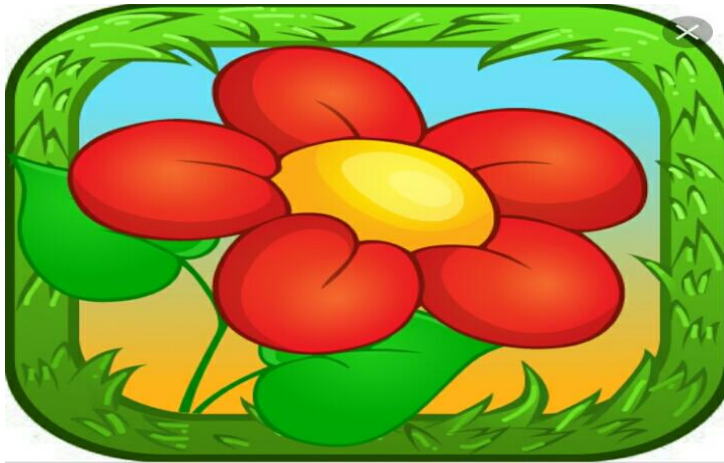
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ





شعر قشنگ تر از فرشته



رفته بودم تو باغچه

تا گل هارو بو کنم

برای روز مادر

یه دسته گل بچینم

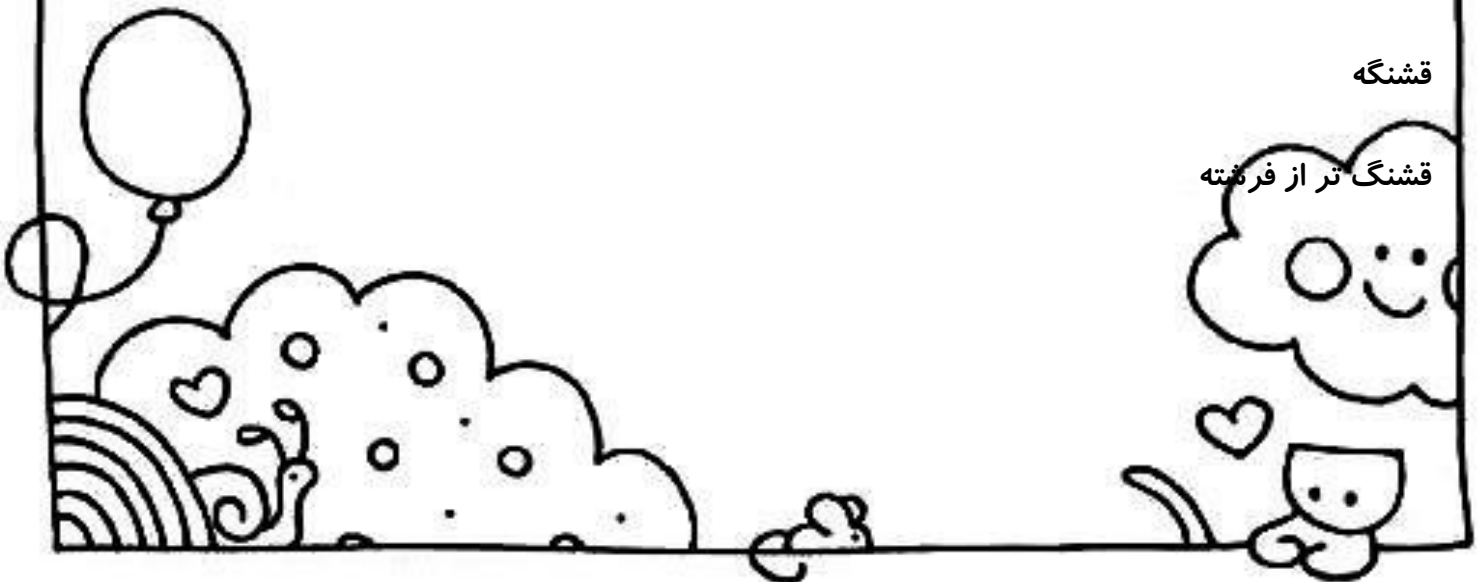
اما دیدم رو برگ گل نوشته :

چیدن گل ها زشته

مامان جونت خودش گله

قشنگه

قشنگ تر از فرشته





قصه اماکن اداری

الهام با مادرش به اداره ی آموزش و پرورش رفته بودند. سپس از آن جا به اداره ی پست رفتند تا مادر بسته ای را پست کند و از آن جا به چند اداره ی دیگر سر زدند. مادر به الهام قول داده بود که بعد از انجام دادن کارهای اداری، برای او پیراهن بخرد. پس سر راهشان از فروشگاه ی پیراهن خریدند. در آن فروشگاه، الهام از عروسک بزرگی خوشش آمد و اصرار کرد که آن عروسک را هم می خواهد. مادرش گفت: شما چند عروسک دارید. پس خریدن عروسک جدید، اسراف است. در ضمن پولی که برایمان مانده برای خرید عروسک کم است.

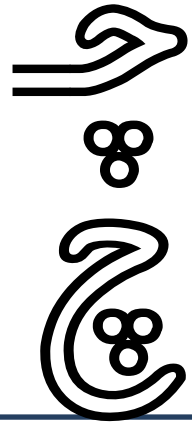
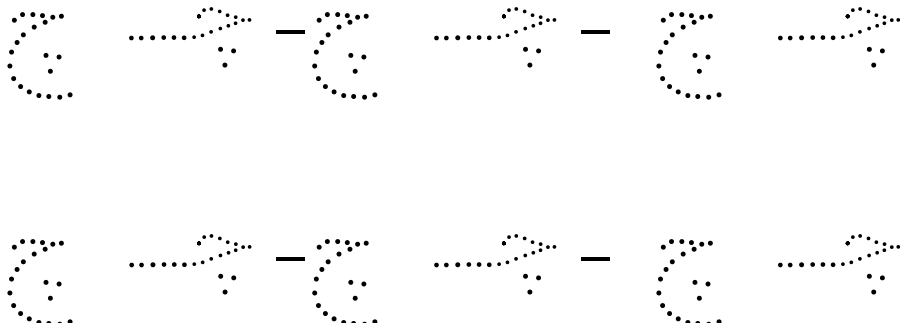
کنار فروشگاه یک بانک قرار داشت و با اینکه بعد از ظهر بود و بانک باز نبود، اما الهام دید مردم از جلو بانک و از داخل یک دستگاه پول می گیرند. به مادرش گفت: «همه دارند از بانک پول می گیرند. بیا ما هم پول بگیریم.» مادرش گفت: دخترم بانک تعطیل است و مردم از دستگاه خودپرداز بانک پول می گیرند. این دستگاه به همه پول نمی دهد. الهام گفت: مادر دستگاه خودپرداز یعنی چه؟ و چرا به ما پول نمی دهد؟ مادرش گفت: الهام جان دستگاه خودپرداز همین است که میبینی و کارش این است که هر کس پول در حساب بانکی خود داشته و کارت بانکی هم داشته باشد؛ کارت خود را داخل دستگاه گذاشته و شماره ی رمز خود را وارد می کند و مقدار پولی را که لازم دارد از دستگاه می گیرد. (مربی نمونه ای از دفترچه ی پس انداز و کارت بانکی را به بچه ها نشان می دهد).

چون ما کارت بانکی خود را نیاورده ایم، برای همین نمی توانیم از این دستگاه پول بگیریم. الهام گفت: مادر نمی شود مردم به جای این همه کار، پول را در کیف خود نگه دارند؟ مادرش گفت: بانک جای مطمئن تری برای نگه داری پول است و هم این که هم پول گم نمی شود و گاهی به وسیله قرعه کشی، بانک جوایزی به افراد می دهد. الهام گفت: پس مادر بانک جای خیلی خوبی است. من هم بعد از این، پول هایم را جمع

می کنم تا شما برایم حساب پس انداز باز کنید. وقتی پول هایم زیاد شد می توانم با کارت بانکی از دستگاه خودپرداز پول بگیرم

نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



شکل هایی که با صدای (چ) شروع می شوند را رنگ کن



چراغ - چشم - چتر

(چ) را پیدا

آموزش حرف چ

چ اول چراغ - دستش نزن که داغ

چراغ سقف خونه - با سیمش آویزونه

رو دیوار کلیدش - با اون رنگ سفیدش

به من میگه : « تیک و تیک - روشن می خوی یا تاریک ؟

چراغ که روشن میشه

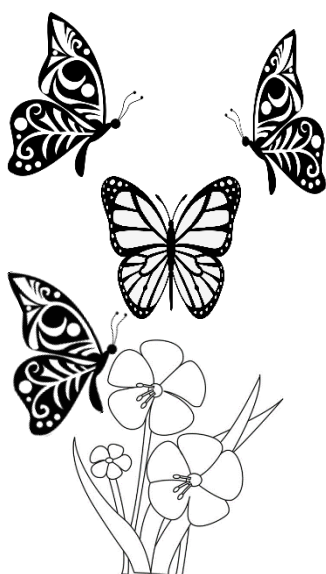
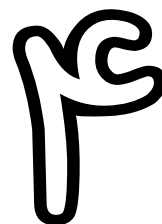
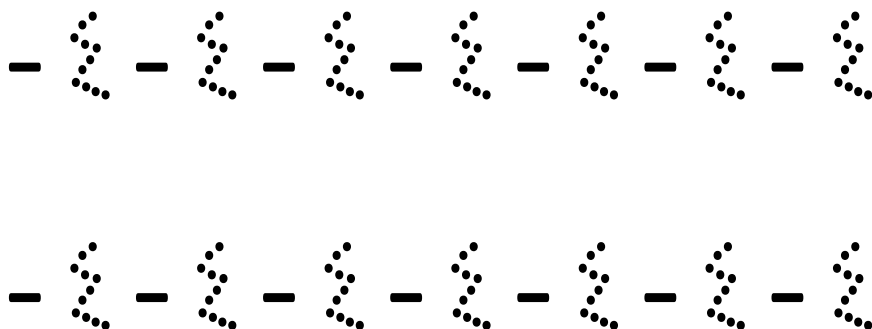
ماه شب من میشه

چ ق س
د ر چ
چ آ ک
م ث آ

پیشنهاد مربی :

هدف : آشنایی با مفهوم عدد - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



"۴"

چهار تا پروانه ی ناز

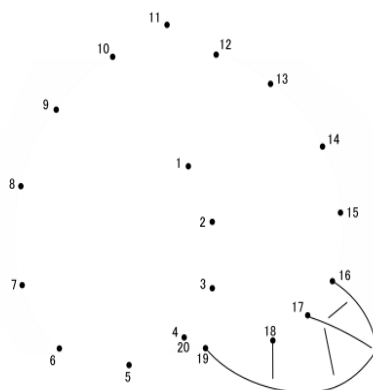
از رو گلا پر می زنن

با یه بغل مهربونی

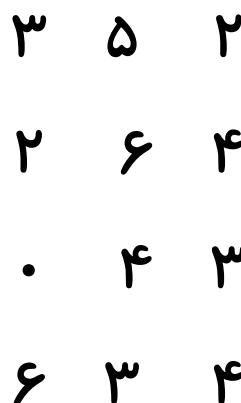
به خونه مون سر می زنن!

اسمت رو تمرین کن .

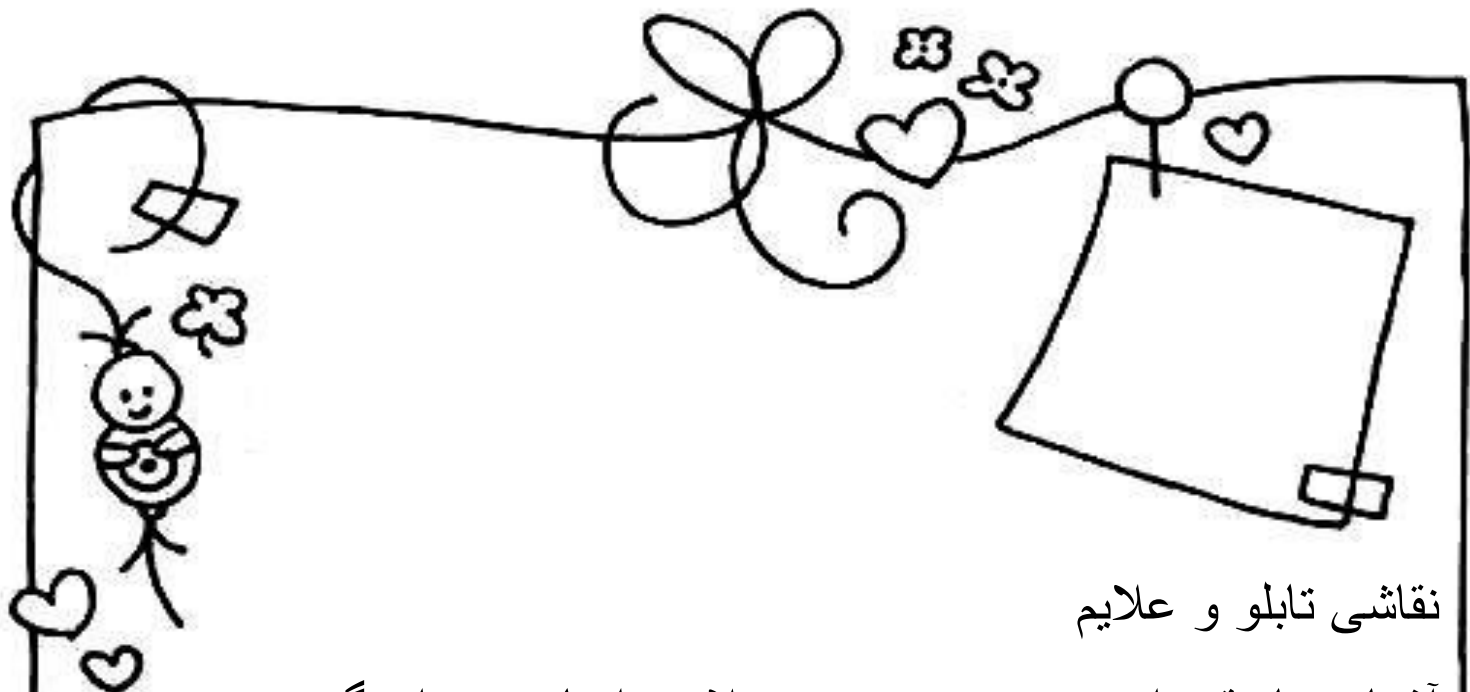
به هم وصل کن و رنگ کن



(۳) را پیدا کن



پیشنهاد مربی:



نقاشی تابلو و علائم

آشنایی با مقررات عبور و مرور و علائم رانمایی و رانندگی



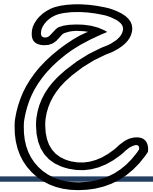
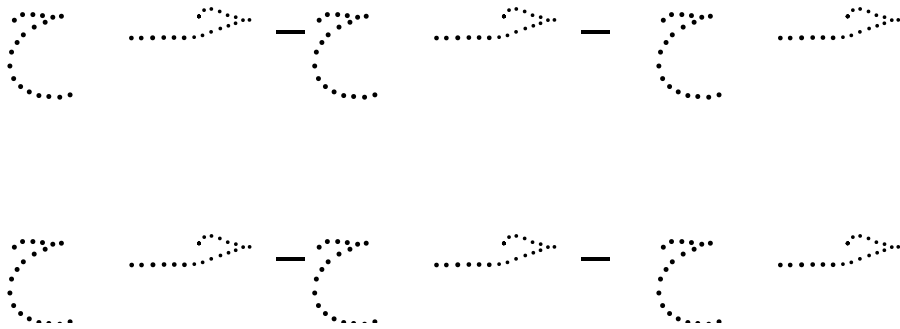
نمایش انجام کارهای شخصی

بابام میره اداره	همیشه گرم کاره
چشم و چراغ خونه	مادر مهربونه
داداش جونم چه نازه	یکم زبون درازه
خواهر جونم چه ریزه	با نمک و عزیزه
ماییم یه جمع ساده	به نام خانوا ده

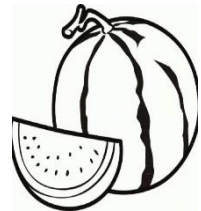
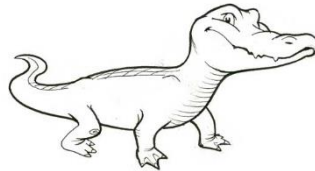


نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



شکل هایی که با صدای (ح) شروع می شوند را رنگ کن



حوله - حوض - حلزون

(ح) را پیدا

آموزش حرف ح

ما دو نفر برادر غیر آخر و آخر

باه ه ه همصدا هستیم از آن ها جدا هستیم

هیچ نقطه ای نیست با ما نه در پایین، نه در بالا

می گوئیم ای بچه ها کشیده است این صدا

اول حوله هستیم توی صبحانه هستیم

در آخر صبح هستیم در آخر صلح هستیم

ظ چ ح
د ر م
ح ش غ
چ ل ح

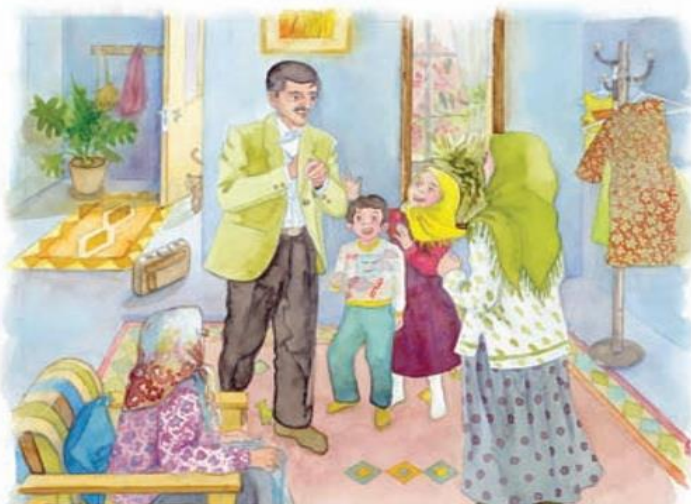
پیشنهاد مربی:

هفته چهارم

مرور و تثبیت آموخته ها

نمایش همکاری

مریم در خانه نشسته بود. مادرش او را صدا کرد: دخترم بلند شو تا با همکاری هم خانمان را تمیز کنیم کمکم عید نوروز از راه می رسد و ما باید به نظافت خانه پردازیم و به استقبال عید برویم. نزدیک ظهر بود و برادر مریم هم از راه رسید، برادر مریم کیفش را به گوشه ی اتاق پرت کرد و ناگهان همه وسایلش از کیفش بیرون ریخت. مریم از دیدن این صحنه عصبانی شد و ... ادامه دهید.



قصه پیاده

یکی بود، یکی نبود؛ فرهاد با مادر بزرگش به خرید رفته بود. مادر بزرگ مقداری سبزی، میوه و پیاز خرید و آن‌ها را به کمک فرهاد به خانه می‌آوردند. در راه آن‌ها خسته شده و در پیاده‌رو، برای استراحت ایستادند. فرهاد گفت: مادر بزرگ می‌توانم یک سیب بخورم؟ مادر بزرگ گفت: عزیزم میوه‌ی نشسته نمی‌توانی بخوری. بیا این موز را پوست بگیر و بخور. فرهاد موز را پوست گرفته و خورد و پوستش را به پیاده‌رو انداخت. مادر بزرگ ناراحت شد و گفت: فرهاد جان این چه کاری بود کردی؟ فرهاد گفت: مگر چی شده؟ آقای پاکبان (رفتگر) جارو خواهد کرد.

مادر بزرگ گفت: پسرم کار درستی انجام ندادی، اولاً: آشغال را در سطل زباله می‌اندازند. دوماً: آقای پاکبان چرا باید آشغال تو را جمع کند؟ اگر یک نفر عابر پیاده پا روی پوست موز بگذارد، لیز خورده و به زمین می‌افتد با این آشغال‌ها، خیابان پر از سوسک و مگس و پشه می‌شود و اگر قرار باشد هر نفر یک آشغال به در پیاده‌رو بریزد، شهر ما زباله‌دان می‌شود. ما باید شهرمان را مانند خانه‌هایمان تمیز نگه داریم. برگرد پوست موز را بردار و به سطل زباله بینداز. فرهاد برگشت پوست موز را بردارد، دید پوست موز سرودی می‌خواند:

یه بچه‌ی تمیز باش	یه بچه‌ی مهربون
زباله‌ها رو هیچ وقت	نریز توی خیابون
کثیف می‌شه خیابون	جمع می‌شه سوسک و مگس
آلوده می‌شه هوا	تنگ می‌شه راه نفس
زباله‌ها رو توی	سطل زباله بنداز
تا به جای سوسک و موش	گنجشک بخونه آواز

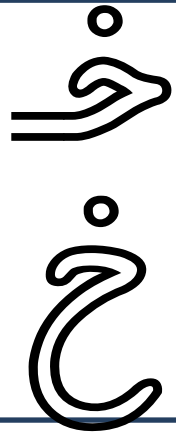
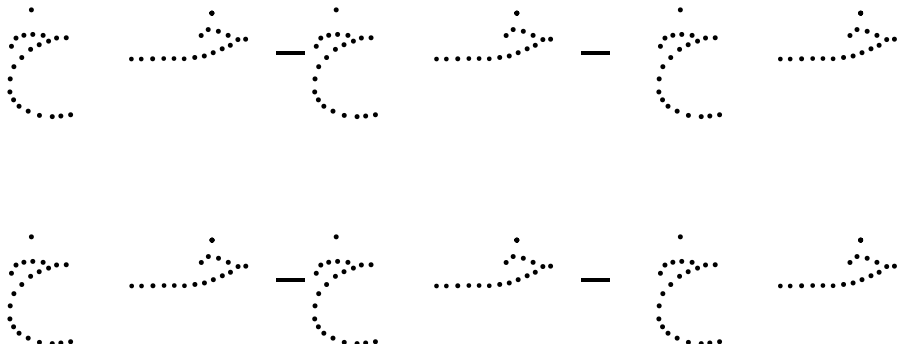
هفته اول آذر

آموزش سوره عصر :

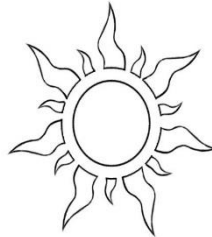
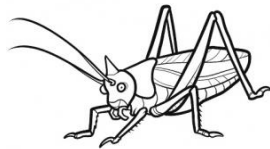
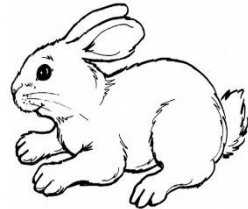
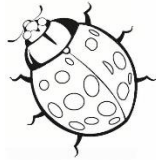


نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



شکل هایی که با صدای (خ) شروع می شوند را رنگ کن



شعر حروف الفبا برای حرف خ غیر آخر خ آخر

ما دونفر برادر غیر آخر و آخر

شکلی داریم خمیده صدا داریم کشیده

آمده ایم در هر جا یک نقطه داریم در بالا

اول خانه هستیم وسط شاخه هستیم

آمدیم آخر نخ نشستیم آخر یخ

(خ) را پیدا کن

خ ب ح
د ل گ
ن ح خ
خ ب ه

پیشنهاد مربی:

آموزش

شعر رنگین کمان

زرد زرنک و زیبا

کنار قرمز اومد

نیلی هم از راه رسید

نارنجی رو صدا زد

دنبال هم دویدند

بنفش و سبز و ابی

ابرا شدند فراری

هوا شد افتابی

دست هم و گرفتند

دویدن و دویدن

باهم یه رنگین کمون

برای من کشیدن



فعالیت عملی

(آزمایش) مایع :

آشنایی با حالت مایع در آب ، رنگ آب :

هدف : با انجام این آزمایش نوآموزان باید قادر به درک این باشند که آب حالتی دارد که داخل هر ظرفی که ریخته شود به شکل همان ظرف در می آید.





نون و پنیر و پسته

آی قصه قصه قصه

قصه های فراوون

قصه داریم براتون

« قصه ی همه جا برف »

یکی بود یکی نبود غیر از خدای مهربان هیچ کس نبود. بچه سنجاب از خواب پرید. صدایی را شنیده بود. این طرف را نگاه کرد. آن طرف را نگاه کرد. گوش داد. هیچ صدایی نمی آمد. به خودش گفت: این چه صدایی بود که من شنیدم؟ نکند دزد بود!

یکدفعه چشمش افتاد به بیرون لانه و داد کشید «ای وای! درخت ها کو، علف ها کو، بوته آبی یاس کو؟ درخت-های گلابی کو؟ دزد آمده و همه را برده. آی دزد! دزد!»

بعد، از خانه بیرون آمد دو قدم که رفت، دید پاهایش نیست. خیلی ترسید. باز داد کشید: «آی دزد! همه چیز را دزدید، پاهای من را هم دزدید.»

همه از هر طرف دویدند. به او رسیدند. حرفش را شنیدند، زدند زیر خنده. به او گفتند: «این که دزد نیست، برف است.» تو کوچکی برف ندیده ای. دیشب برف از آسمان بارید. همه چیز سر جایش است، فقط برف آن ها را پوشانده است.



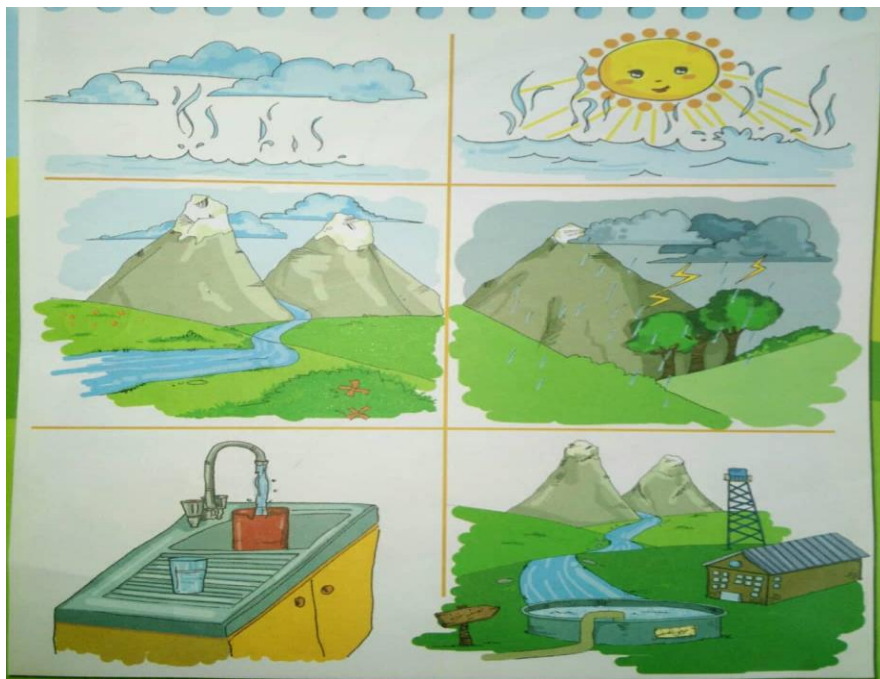
بازی

بخار :

آموزش چرخه آب

نحوه تشکیل آب

نحوه تشکیل بخار چگونه تشکیل ابر



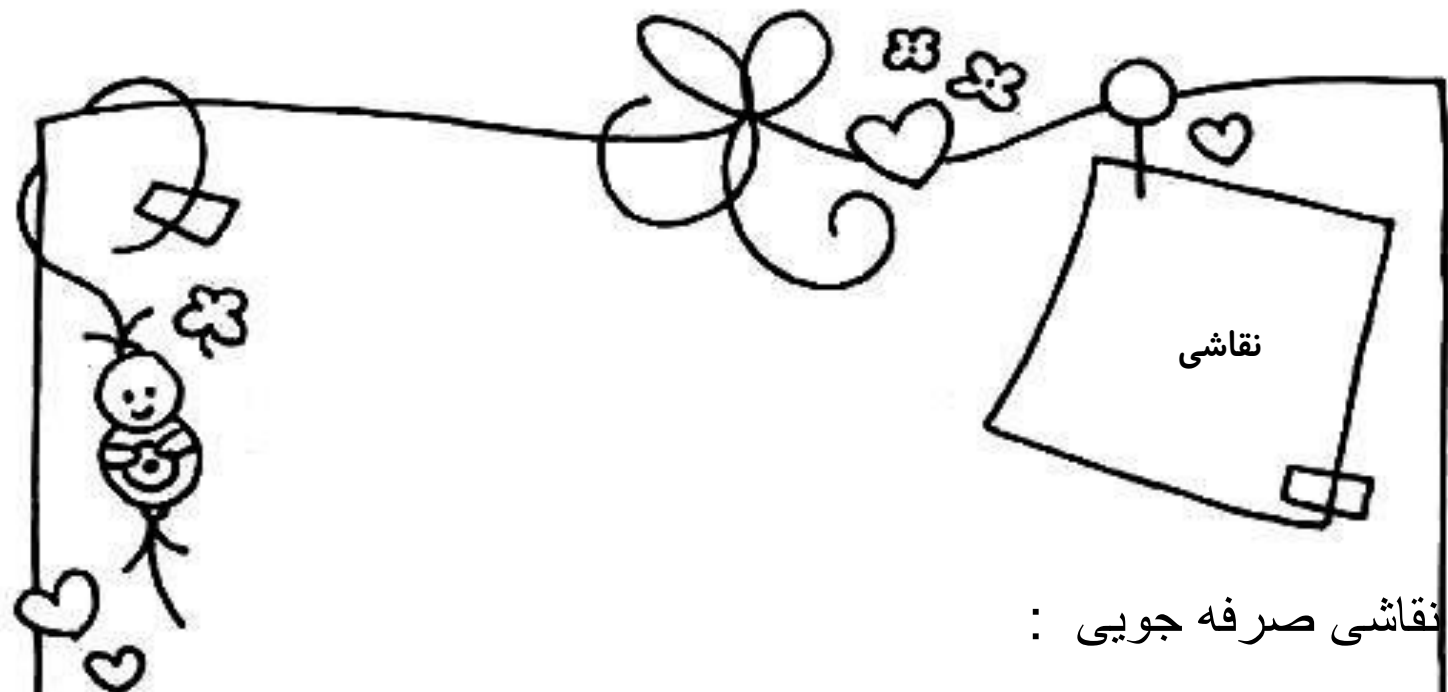
نمایش

ماهیگیری :

آموزش مشاغل مربوط به آب

آشنایی با محیط زیست (دریا، جانوران و ویژگی ها و فواید آن ها)





نقاشی صرفه جویی :

تصاویر صرفه جویی آب، کاغذ، مداد رنگی و ...



کوچک تر و بزرگ تر

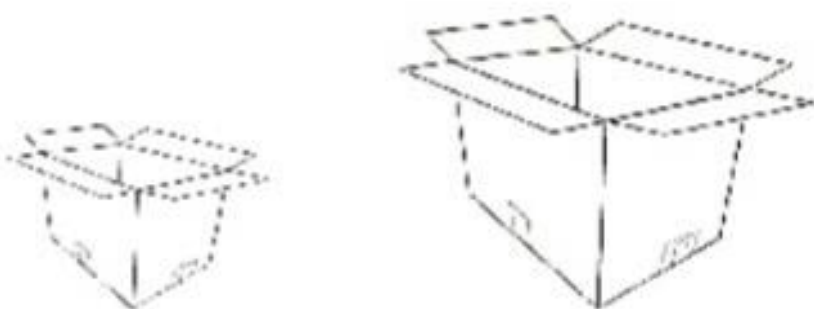
۱. خانه ی بزرگ تر را رنگ بزن.



۲. لباس بچه ی کوچک تر را رنگ بزن.



۳. جعبه ی بزرگ را قرمز و جعبه ی کوچک را آبی کن.



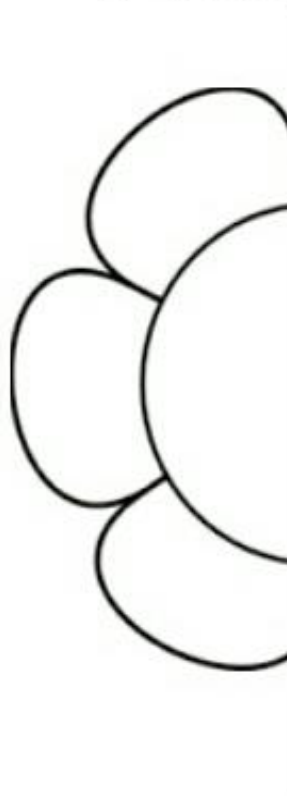
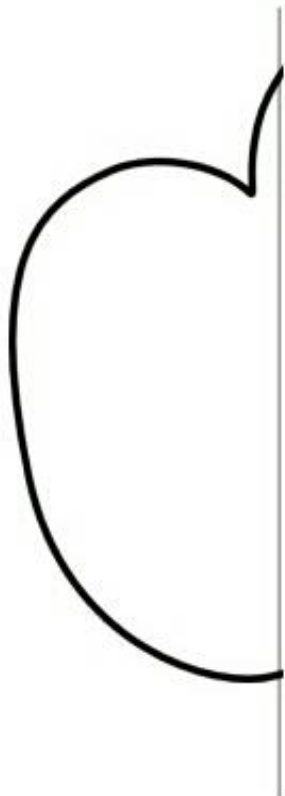
۴. توپ بزرگ را علامت بزن.



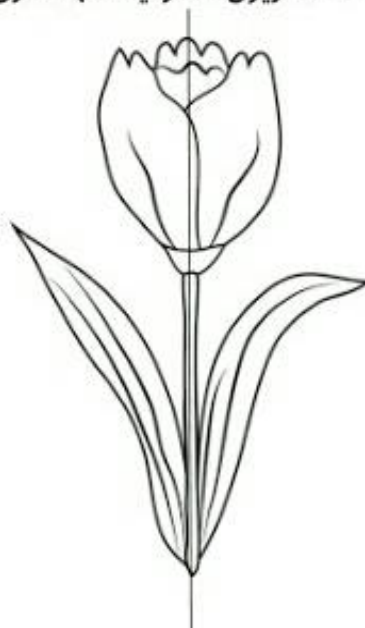
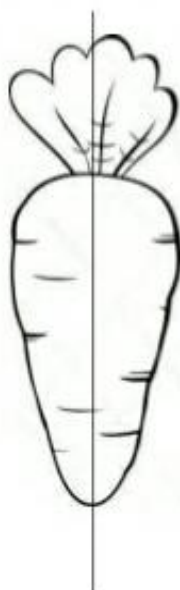
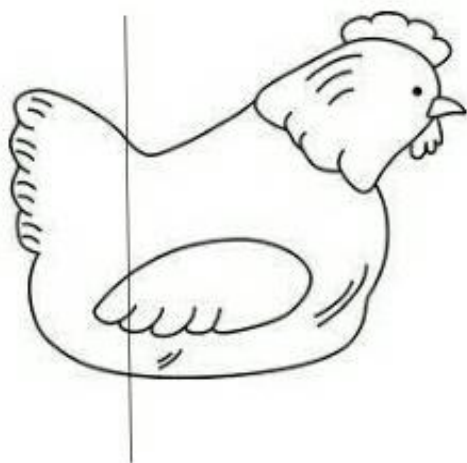


تقارن

❖ نیمه دیگر شکل های زیر را بکش.

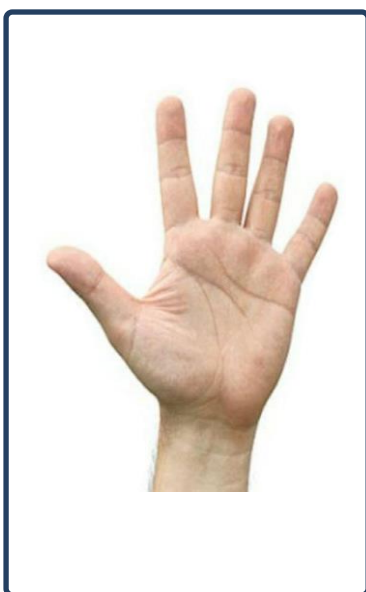
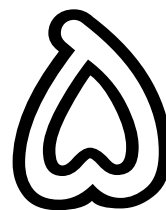
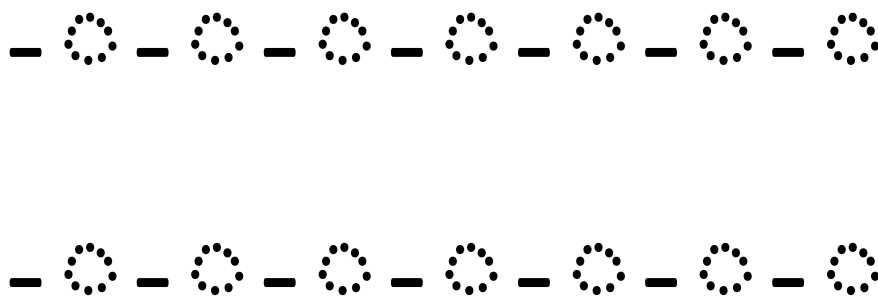


❖ تصاویری که دو نیمه آنها مساوی است را داخل خط بسته قرار بده.



هدف: آشنایی با مفهوم عدد - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ:

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



"۵"

پنج تا کبوتر سپید

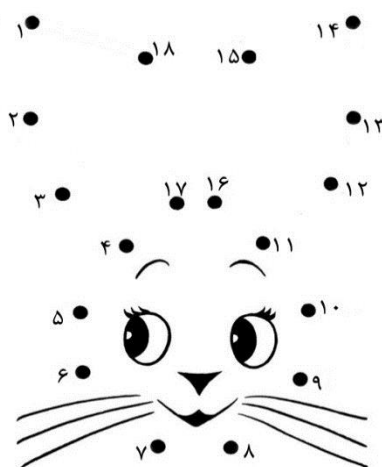
روی دیوار نشسته اند

بق بق بقو می کنن و...

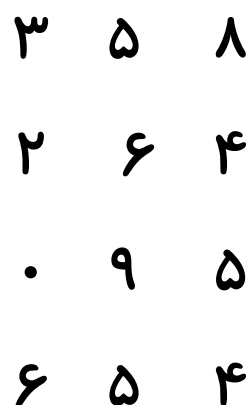
انگاری خیلی خسته اند!

اسمت رو تمرین کن .

به هم وصل کن و رنگ کن



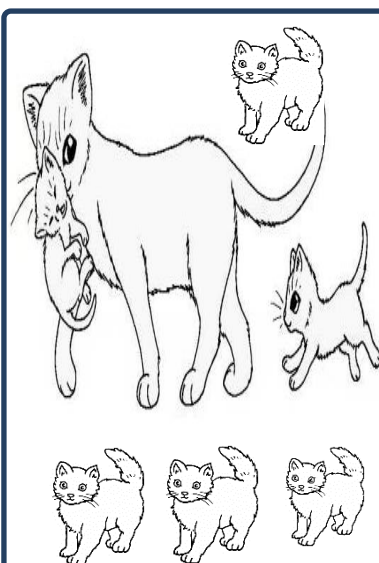
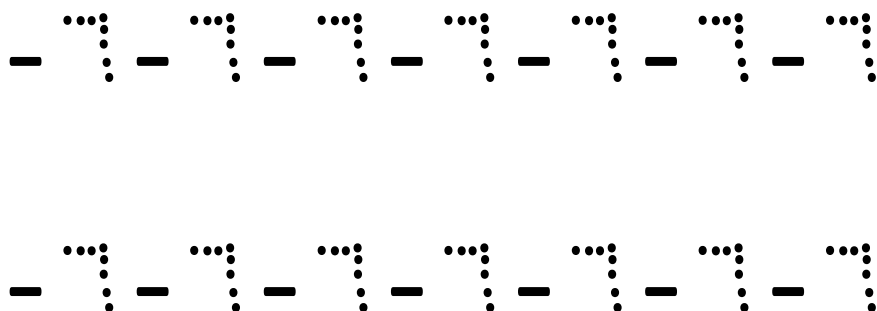
(۵) را پیدا کن



پیشنهاد مربی:

هدف : آشنایی با مفهوم عدد - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



"ه"

شش گربه ی ناز و ملوس

دیروز به دنیا اومدن

با مامان زرنگشون

تو جعبه ی کفش من!

اسمت رو تمرین کن .

به هم وصل کن و رنگ کن



(۳) را پیدا کن

•	۵	۸
۲	۶	۴
۶	۹	۵
۴	۵	۶

پیشنهاد مربی:

هفته دوم آذر

پیام قرآنی: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ»



«آشتی و دوستی بهترین کار است.» سوره نساء آیه ۱۲۸

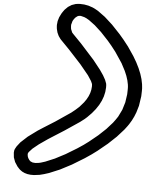


نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ:

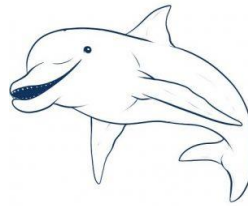
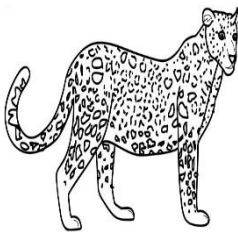
نقطه چین ها را به هم وصل کنید

د - د - د - د - د - د

د - د - د - د - د - د



شکل هایی که با صدای (د) شروع می شوند را رنگ کن



(د) را پیدا کن

آ ف د

س ر م

ب د ک

د ب ع

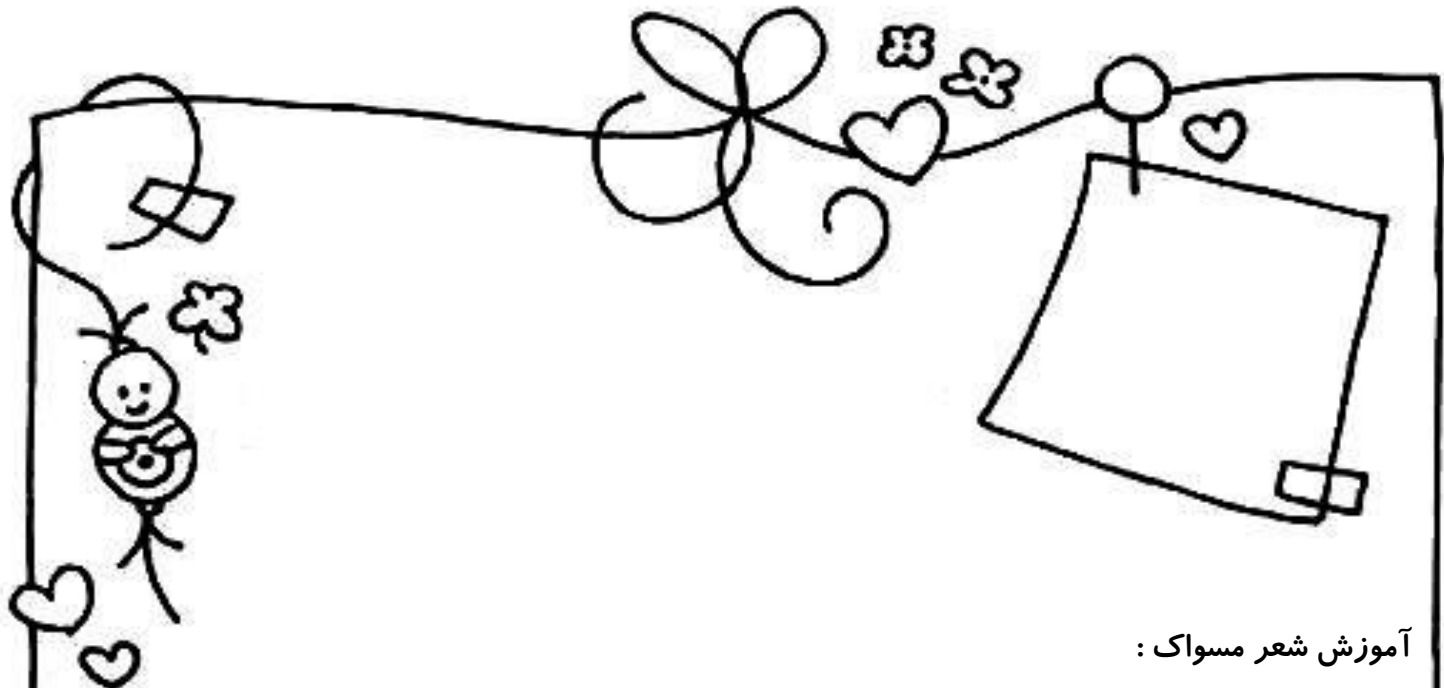
آموزش حرف (د) با شعر

(د) کمر شکسته، تنها رو خط نشسته

کمری دو لا داره، اخلاقی زیبا داره

آمده در همه جا، کشیده نیست این صدا

پیشنهاد مربی:



آموزش شعر مسواک :

پیشی میگفت به یه موش :

فسقلی دندونت کوش؟

تنبل نشو جون من !

تو هم یه مسواک بزن

وگرنه گریون میشی

پیر و بی دندون میشی





قصه دریا و دنیا

آی قصه قصه قصه

نون و پنیر و پسته

یکی بود یکی نبود دریا صبح تا شب و شب تا صبح، نگاهش با آسمان بود. هرچی که میدید، ابر بود و ماه و خورشید و ستاره. یک روز، ماهی هایش گفتند «مامان دریا، حوصله مان سر رفته، اجازه میدهی برویم دنیا را بگردیم؟» دریا گفت «دنیا؟ دنیا دیگه کجاس» ماهی ها خندیدند و گفتند: «دنیا همان جایی است که کوه دارد، صحرا دارد ساحل و جنگل دارد...»

دریا گفت «خب خب، بسه است دیگر! سرم گیج رفت. من که این چیزها را ندیده ام، نه اسمشان را شنیده ام. ولی شما بروید و دنیا را بگردید»

ماهی ها سوار موج شدند و رفتند. دریا به حرف ماهی هایش فکر کرد. با خودش گفت: من هم باید دنیا را ببینم بعد هم خورشید را صدا کرد و گفت: آهای خورشید خانم کجایی؟ بسه دیگه خواب. زود باش بتاب! خورشید خانم از خواب بیدار شد. تایید و تایید. دریا بخار شد و رفت بالا. نشست کنار ابرها! برای اولین بار پایین را نگاه کرد. اینور را دید و آنور را دید. رو برو را دید، زیر پایش را دید. آنوقت فهمید که دنیا بجز آسمان و ابر و ماه و ستاره چیزهای دیگری هم دارد، خیلی چیزها

آموزش آشنایی با برف و باران

- چگونگی تشکیل برف و مواقع بارش برف
- چگونگی تشکیل باران و مواقع بارش باران



آشنایی با طریقه نگهداری از گل و گیاه

- نیاز داشتن گیاهان به آب
- خاک و نور خورشید برای رشد و نمو

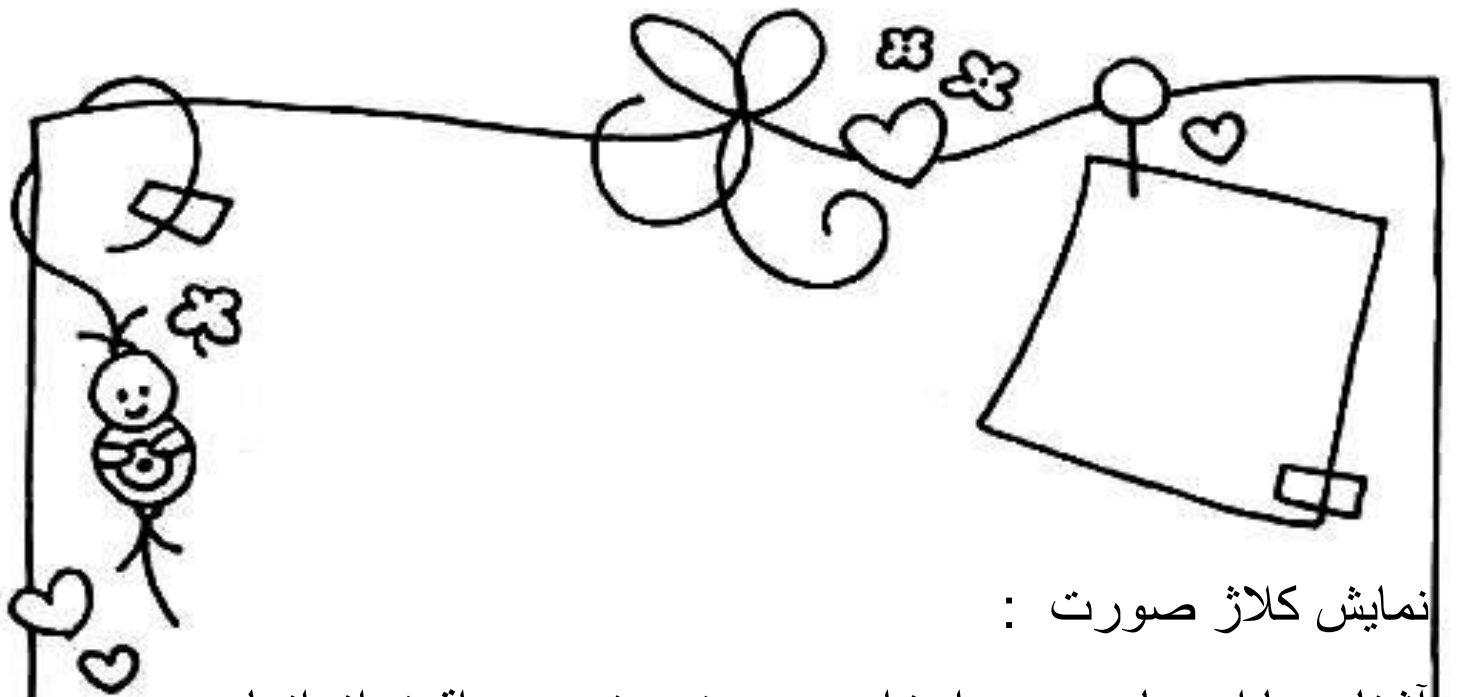


آشنایی با موارد خطرناک :

آشنایی با خطرات مایع (سوخت و خطرات بنزین و نفت)

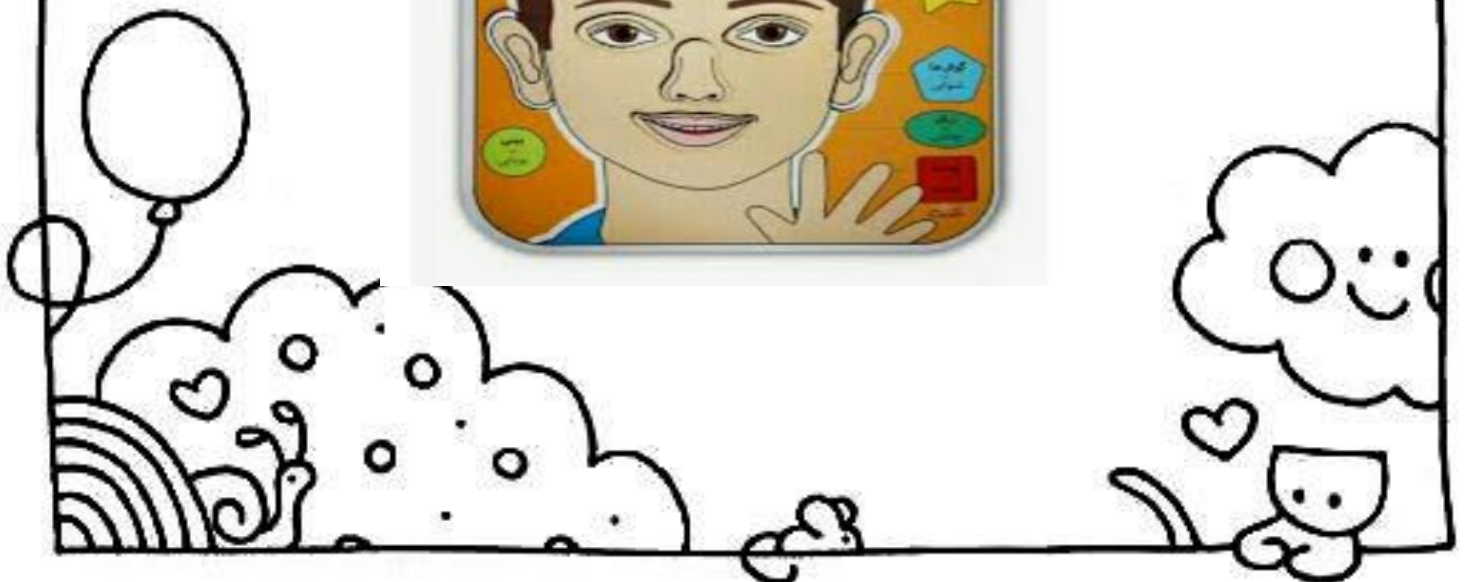
گسترش درک و شناخت از طعم ،بو ،رنگ ،مزه





نمایش کلاژ صورت :

آشنایی با اعضای بدن و اجزای صورت و نحوه مراقبت از آنها



هفته سوم آذر

آموزش سوره ناس



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

مَلِكِ النَّاسِ

إِلَهِ النَّاسِ

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ

مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ



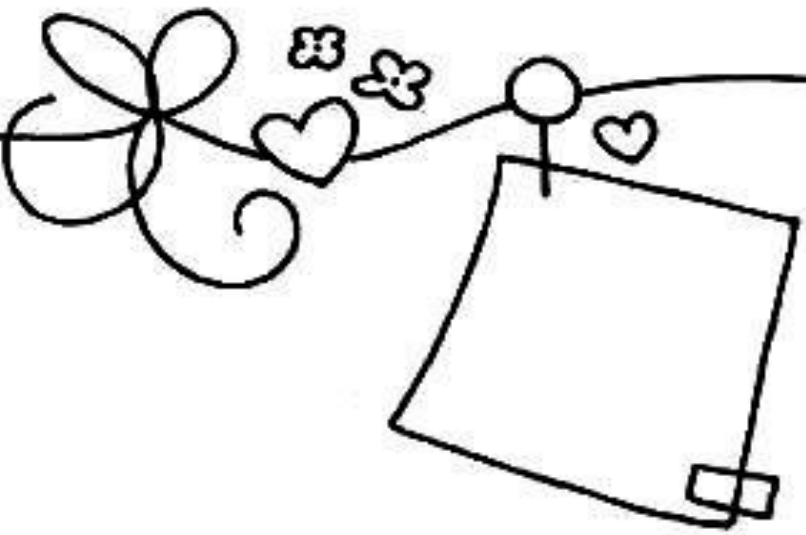
فعالیت علمی (چشمه)

زمان قدیم مردم چگونه از آب استفاده میکردند ؟

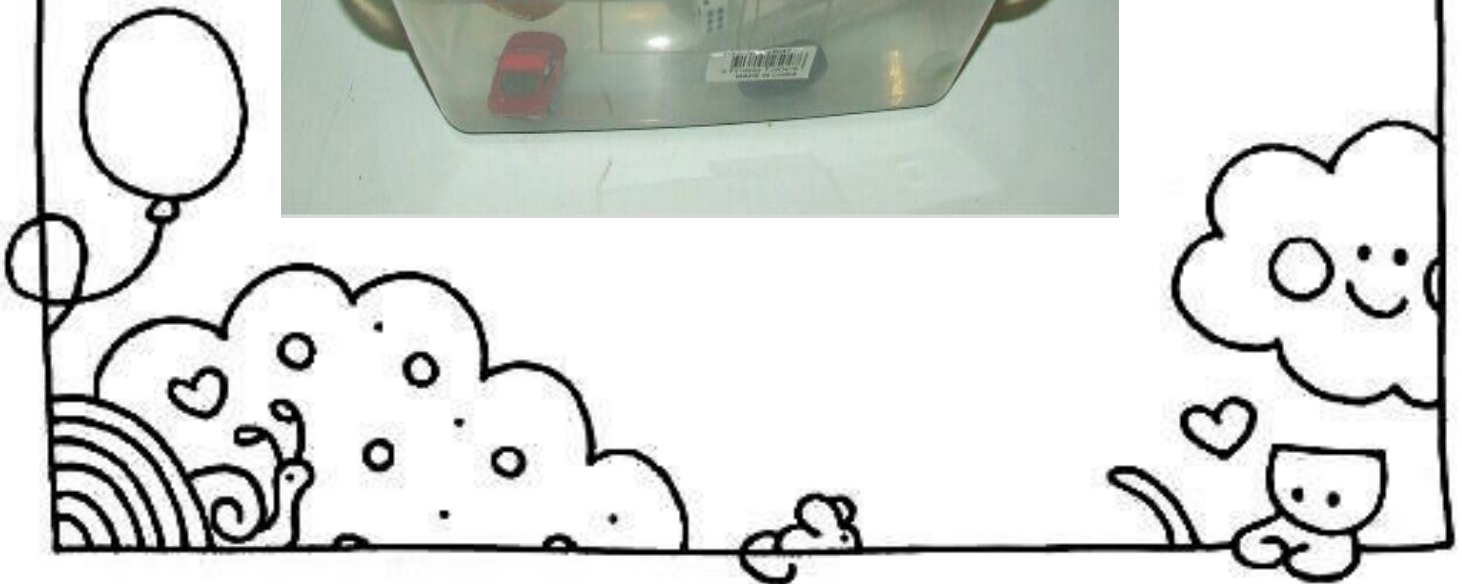
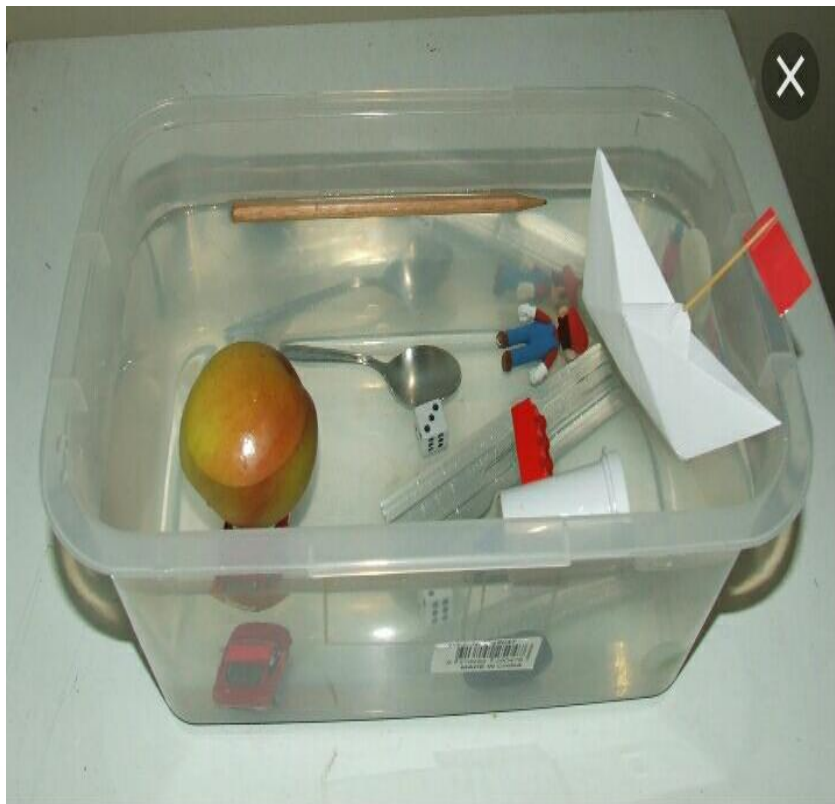
آیا آب لوله کشی بود ؟

از کجا آب می آوردند ؟





آشنایی با نحوه فرو رفتن اجسام در آب
انجام آزمایش سبک و سنگینی و وزن اجسام



آشنایی با مفهوم صرفه جویی در مصرف آب

شما میدانید آب چه فایده ای دارد ؟

آموزش اسراف نکردن آب هنگام استحمام ،شستن دست ها ،مسواک زدن
و ...



نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

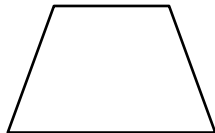
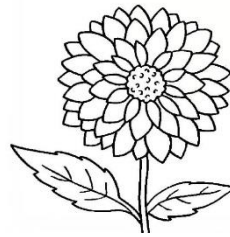
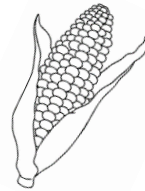
نقطه چین ها را به هم وصل کنید

ذ - ذ - ذ - ذ - ذ - ذ

ذ - ذ - ذ - ذ - ذ - ذ

ذ

شکل هایی که با صدای (ذ) شروع می شوند را رنگ کن



دوزنقه - ذره بین - ذرت

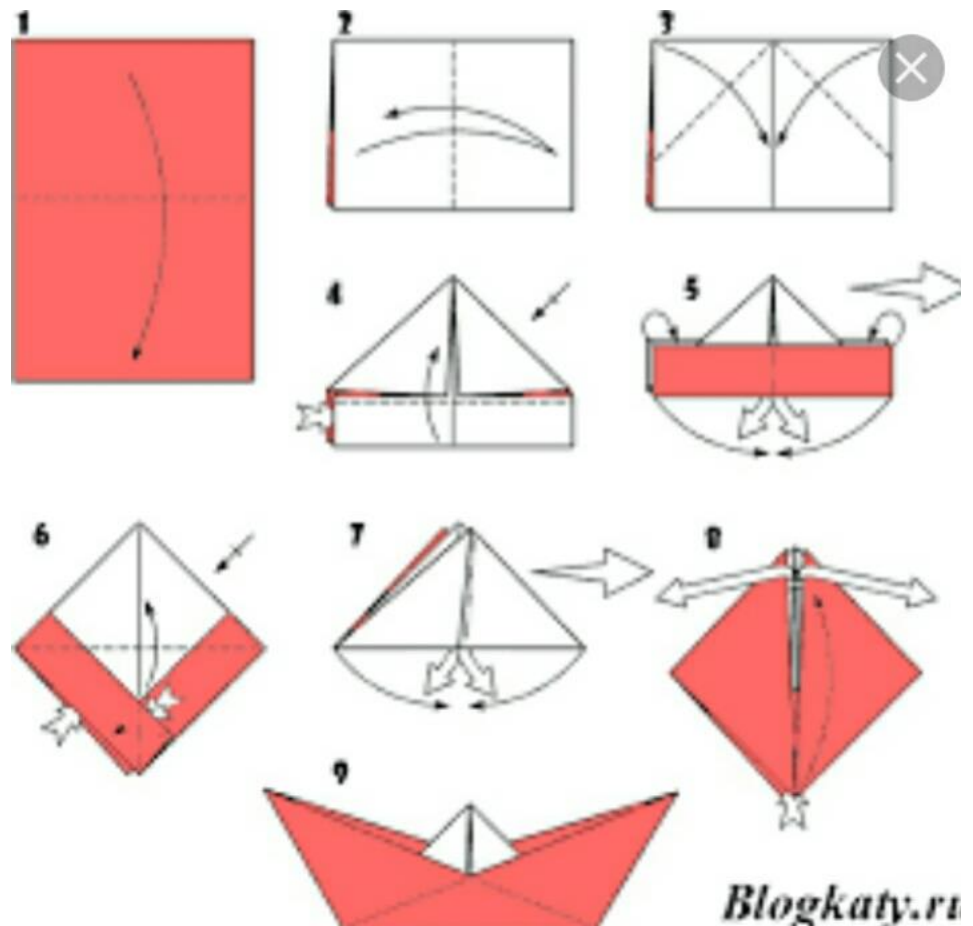
(ذ) را پیدا کن

شعر حروف الفبا برای حرف ذ
چه شکل خوبی دارم چه رنگ و رویی دارم
با ز هم صدا هستم از آن جدا هستم
شکل من هست خمیده صدایم است کشیده
من ذالم و من ذالم کمری شکسته دارم
شکل من هست مثل دال در پیشانی دارم خال
این خال همان نقطه است روی سرم خفته است
آمده ایم در لذت در لذت و در ذرت

آ ذ س
ه ر غ
ط ذ ک
ذ ب آ

پیشنهاد مربی:

آموزش کار دستی قایق :



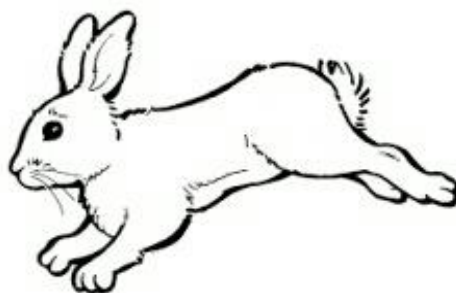
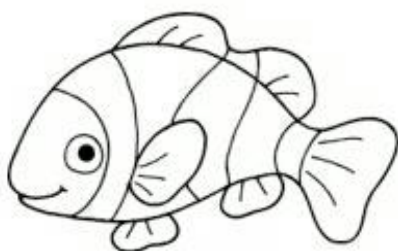
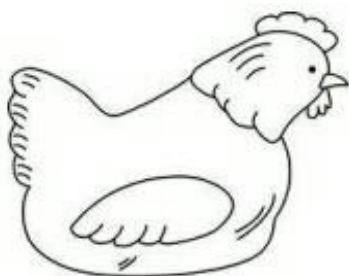


تاریخ:
مفاهیم ریاضی

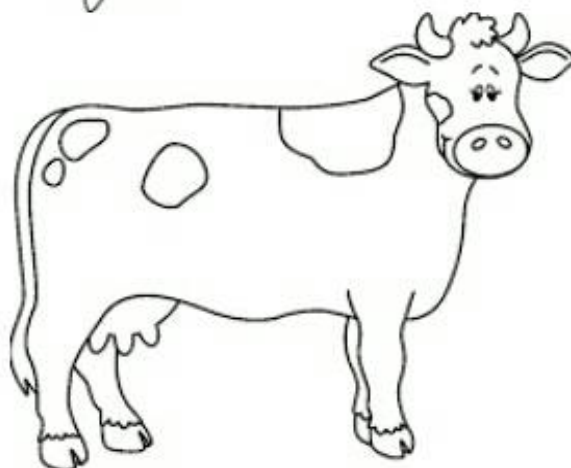
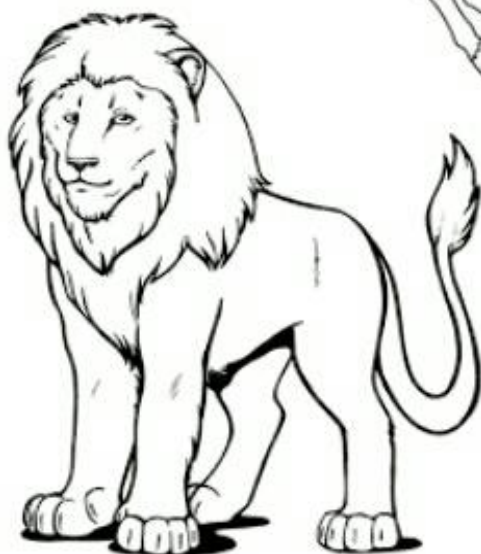
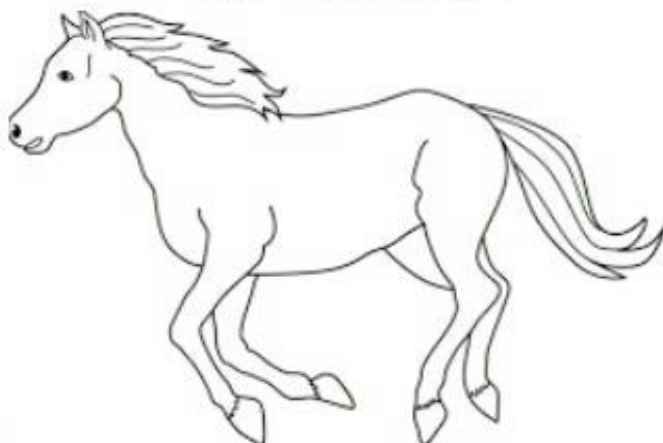
نام نو آموز:
نام مربی:

بزرگ-کوچک

❖ حیوانات زیر کوچک هستند. آن ها را نام ببر و محل زندگی هر کدام را بگو.



❖ این حیوانات بزرگ هستند، آن ها را نام ببر و بگو در کجا زندگی می کنند.



هفته چهارم

مرور و تثبیت آموخته ها
آشنایی با حس لامسه و آزمایش آن :



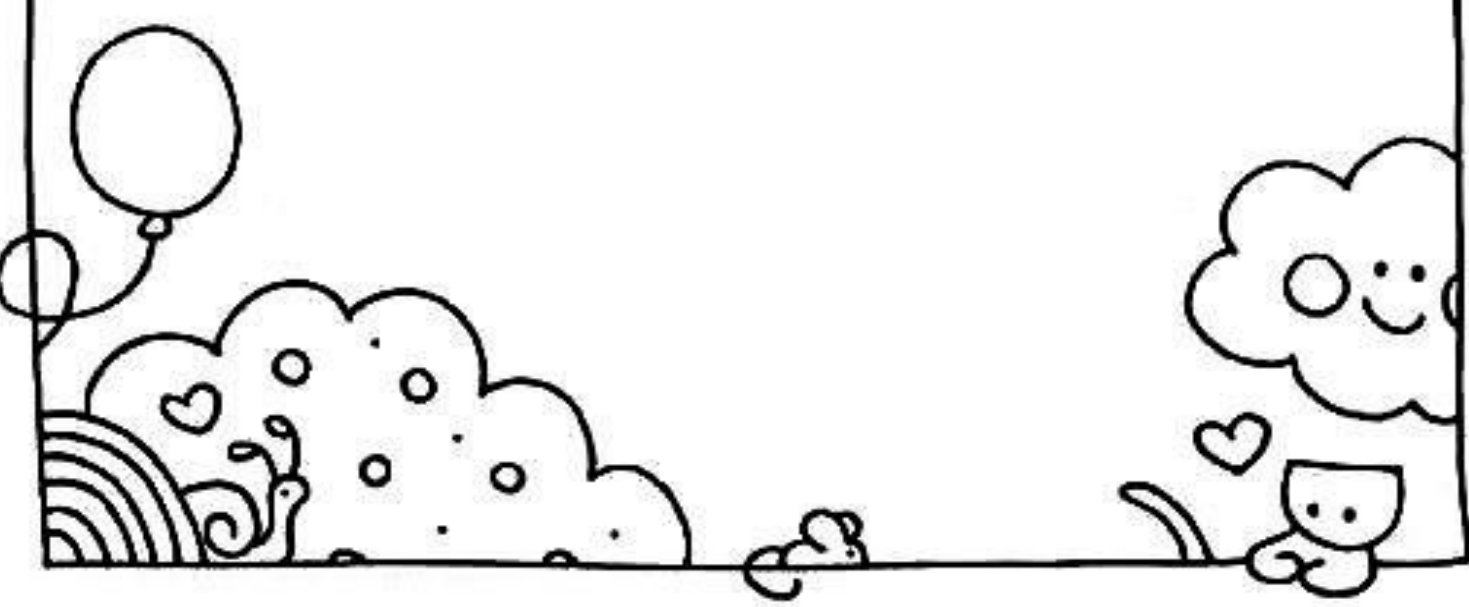


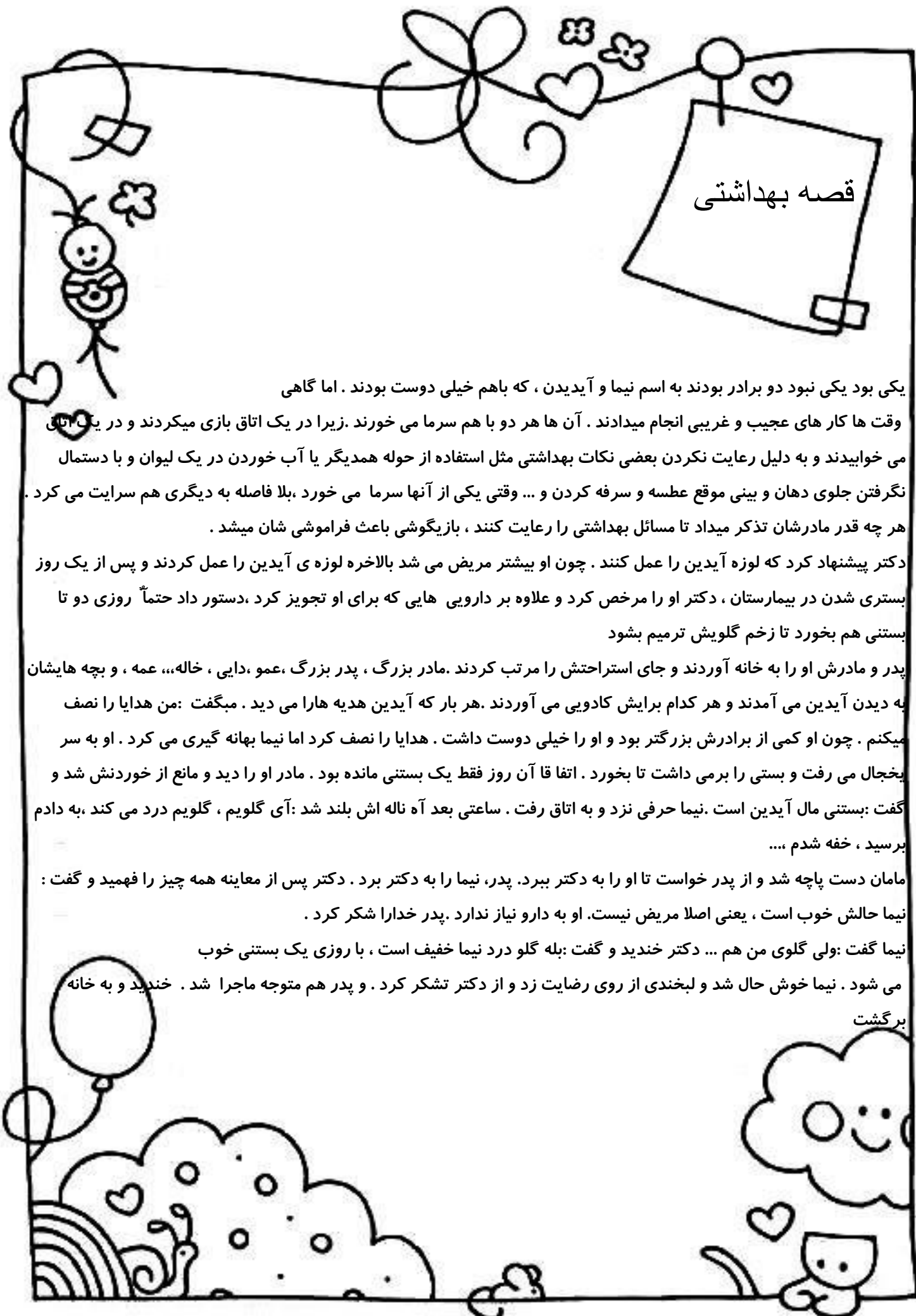
قصه چشم

سارا خیلی باهوش و زرنگ بود و به نقاشی کشیدن بسیار علاقه داشت. اما هر چه سعی می کرد نمی توانست نقاشی خود را در وسط صفحه ترسیم کند. همیشه نقاشی هایش را خارج از کادر مشخص شده می کشید و این موضوع را نگران می کرد. تا این که از طریق بهداشت و سازمان بهزیستی برای بینایی سنجی به کلاس ما آمدند. وقتی با دستگاه مخصوص چشم بچه ها را تست کردند معلوم شد سارا تنبلی چشم دارد و مجبور است روزی چند ساعت چشم هایش را با چشم بند ببندد. او ابتدا همکاری نمی کرد و قبول نمی کرد چشم هایش را ببندند و اصرار داشت چشم هایش مثل همیشه باز بماند تا تلویزیون تماشا کند و بازی کند و نقاشی بکشد. دوبارها او پیش چشم پزشک بردند و چشم پزشک نیز گفت اگر همکاری نکند و چشم هایش را روزی چند ساعت نبندد، ممکن است بینایی خود را از دست بدهد طوری که به کمک عینک هم نتواند ببیند. من هم با او صحبت کرد که در نهایت او قبول کرد تا طبق دستور عمل کند.

پس از مدتی و به مرور زمان، مدت زمان بستن چشم هایش در روز کمتر شد و از او این نتیجه خوب، بسیار خوش حال شده بود، وقتی از او پرسیدم: سارا جان می توانی در مورد چشم هایت برای بچه ها صحبت کنی و آن ها را راهنمایی کنی تا از چشم هایشان مراقبت کنند؟

او با شیرین زبانی گفت: خدای مهربان دو چشم زیبا به من داده که می توانم با آن ها دنیای زیبا را بینم. پدر مادرم را ببینم. من چشم هایم را دوست دارم و همیشه از آن ها مواظبت خواهم کرد. دیگر سرم را روی نوشته های دفتر و کتب نزدیک نمیکنم، از نزدیک به تلویزیون نگاه نمیکنم. روزانه بیشتر از یک ساعت با رایانه بازی نمیکنم تا چشم هایم خسته نشوند. به افتاب نگاه نمیکنم تا چشم هایم ضعیف نشود با دست های کثیف چشم هایم را نمی مالم تا میکروب وارد نشود هر روز یک لیوان آب هویچ یا چند عدد هویچ می خورم تا چشم هایم قوی تر شوند. من با چشمانم مهربان هستم و قدر آن ها را می دانم و خدا را برای این نعمت بزرگش شکر می کنم.





قصه بهداشتی

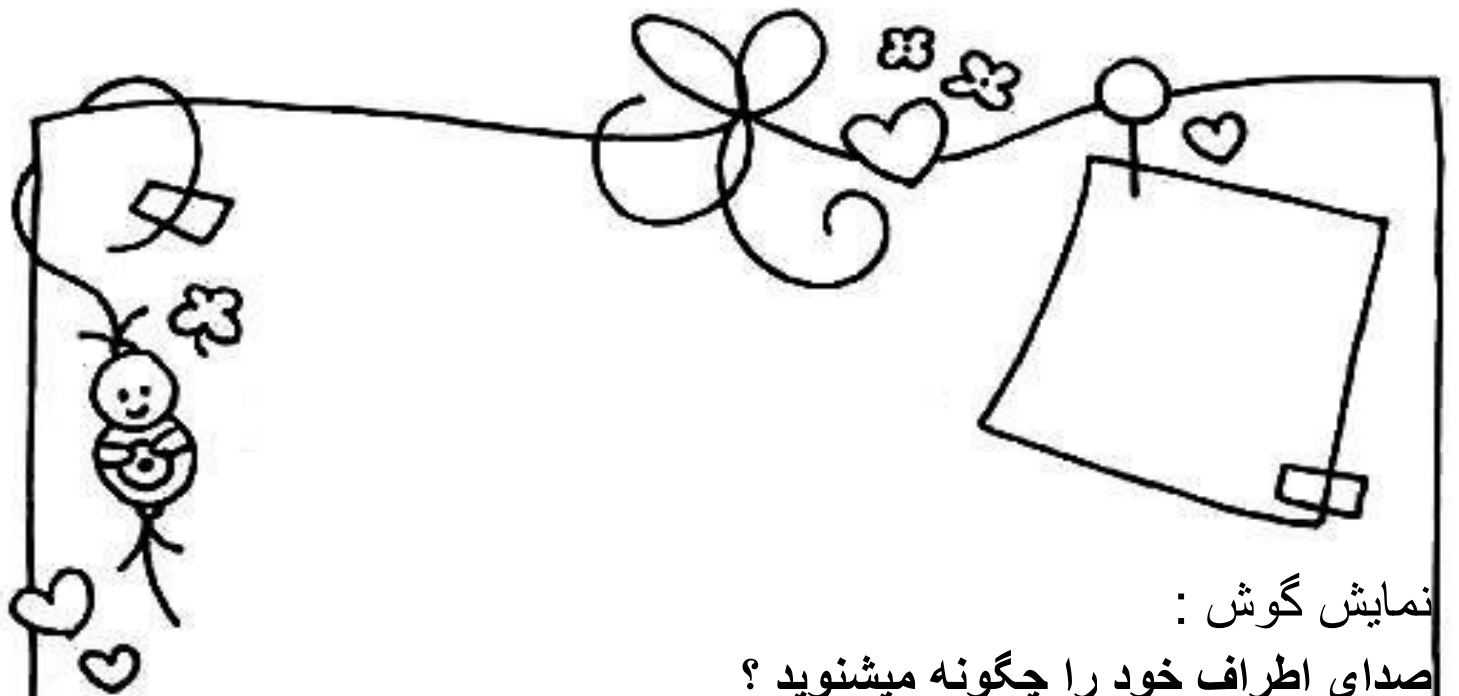
یکی بود یکی نبود دو برادر بودند به اسم نیما و آیدین ، که باهم خیلی دوست بودند . اما گاهی وقت ها کار های عجیب و غریبی انجام میدادند . آن ها هر دو با هم سرما می خوردند . زیرا در یک اتاق بازی میکردند و در یک اتاق می خوابیدند و به دلیل رعایت نکردن بعضی نکات بهداشتی مثل استفاده از حوله همدیگر یا آب خوردن در یک لیوان و با دستمال نگرفتن جلوی دهان و بینی موقع عطسه و سرفه کردن و ... وقتی یکی از آنها سرما می خورد ، بلا فاصله به دیگری هم سرایت می کرد . هر چه قدر مادرشان تذکر میداد تا مسائل بهداشتی را رعایت کنند ، بازیگوشی باعث فراموشی شان میشد .

دکتر پیشنهاد کرد که لوزه آیدین را عمل کنند . چون او بیشتر مریض می شد بالاخره لوزه ی آیدین را عمل کردند و پس از یک روز بستری شدن در بیمارستان ، دکتر او را مرخص کرد و علاوه بر دارویی هایی که برای او تجویز کرد ، دستور داد حتماً روزی دو تا بستنی هم بخورد تا زخم گلویش ترمیم بشود

پدر و مادرش او را به خانه آوردند و جای استراحتش را مرتب کردند . مادر بزرگ ، پدر بزرگ ، عمو ، دایی ، خاله ،،، عمه ، و بچه هایشان به دیدن آیدین می آمدند و هر کدام برایش کادویی می آوردند . هر بار که آیدین هدیه هارا می دید . میگفت : من هدایا را نصف میکنم . چون او کمی از برادرش بزرگتر بود و او را خیلی دوست داشت . هدایا را نصف کرد اما نیما بهانه گیری می کرد . او به سر یخجال می رفت و بستنی را برمی داشت تا بخورد . اتفاقاً آن روز فقط یک بستنی مانده بود . مادر او را دید و مانع از خوردنش شد و گفت : بستنی مال آیدین است . نیما حرفی نزد و به اتاق رفت . ساعتی بعد آه ناله اش بلند شد : آیی گلویم ، گلویم درد می کند ، به دادم برسید ، خفه شدم ،،،

مامان دست پاچه شد و از پدر خواست تا او را به دکتر ببرد . پدر ، نیما را به دکتر برد . دکتر پس از معاینه همه چیز را فهمید و گفت : نیما حالش خوب است ، یعنی اصلاً مریض نیست . او به دارو نیاز ندارد . پدر خدا را شکر کرد .

نیما گفت : ولی گلوی من هم ... دکتر خندید و گفت : بله گلو درد نیما خفیف است ، با روزی یک بستنی خوب می شود . نیما خوش حال شد و لبخندی از روی رضایت زد و از دکتر تشکر کرد . و پدر هم متوجه ماجرا شد . خندید و به خانه برگشت



نمایش گوش :

صدای اطراف خود را چگونه میشنوید ؟

چه کسی به ما گوش داده ؟

چگونه میتوانیم از گوش های خود مواظبت کنیم ؟



نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ:

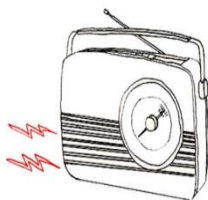
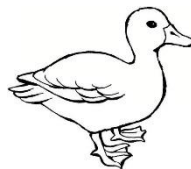
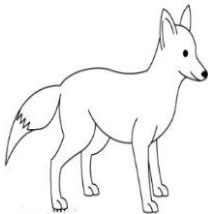
نقطه چین ها را به هم وصل کنید

ر - ر - ر - ر - ر - ر

ر - ر - ر - ر - ر - ر



شکل هایی که با صدای (ر) شروع می شوند را رنگ کن



(ر) را پیدا کن

آموزش حرف ر با شعر

کودک خوب و نازم من سرسره می سازم

شکل سرسره دارم در سر نقطه ندارم

در همه جا می آیم کشیده است صدایم

در اول رام هستم در آخر ابر هستم

آ ذ م

ه ر غ

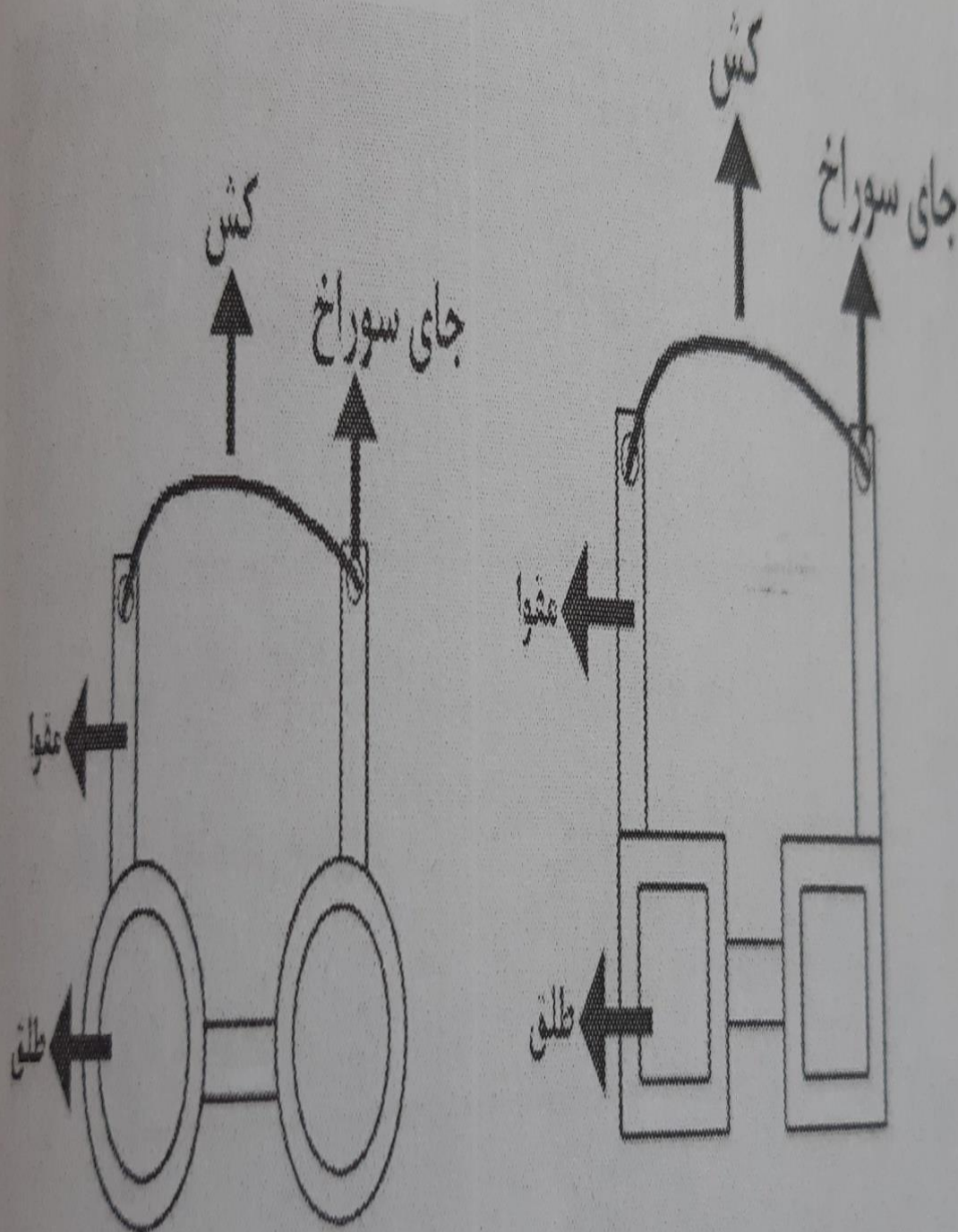
ر ذ ک

ذ ب ر

پیشنهاد مربی:

آموزش کار دستی ماهی :





نقاشی اندام داخلی بدن :



آشنایی با چپ و راست اشکال هندسی

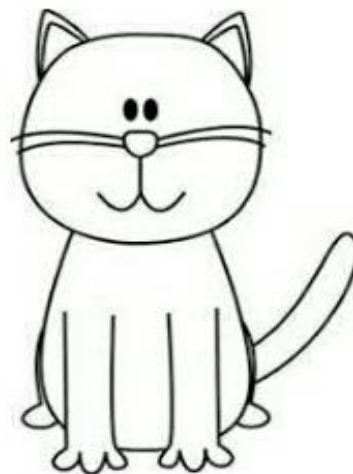
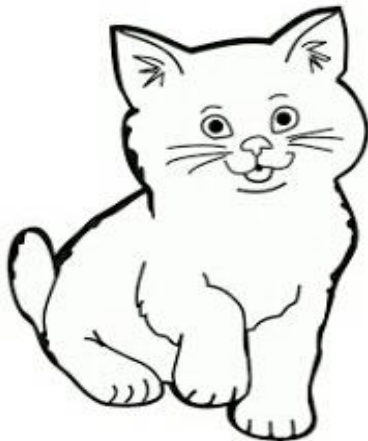


تاریخ:
مفاهیم ریاضی

نام نو آموز:
نام مربی:

راست-چپ

❖ گربه سمت چپ را رنگ بزن.



❖ دختر کوچولو خیلی دوست داره یه کیف داشته باشه . در دست راستش یک کیف نقاشی کن.



هفته اول دی

آموزش سوره (فلق)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

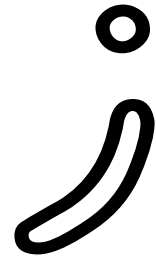
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ
شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي
الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾

نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

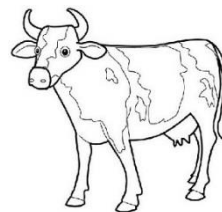
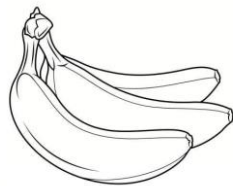
نقطه چین ها را به هم وصل کنید

ز - ز - ز - ز - ز

ز - ز - ز - ز - ز



شکل هایی که با صدای (ز) شروع می شوند را رنگ کن



زنبور - زبان - زرافه

(ز) را پیدا کن

آ ذ ز

ه ر غ

ز ذ ک

ذ ز ر

شعر حروف الفبا برای حرف ز

ز شیرین زبونم ، یه شکل دارم مثل کمونم

شکل سرسره دارم ، در سر یک نقطه دارم

در همه جا می آیم ، کشیده است صدایم

هستم با ر برابر ، ولی یک نقطه بر سر

پیشنهاد مربی:

فعالیت علمی چشایی

- آموزش نکات ایمنی هنگام خوردن و آشامیدن

تشخیص طعم و بو ها



کاردستی حس شنوایی :

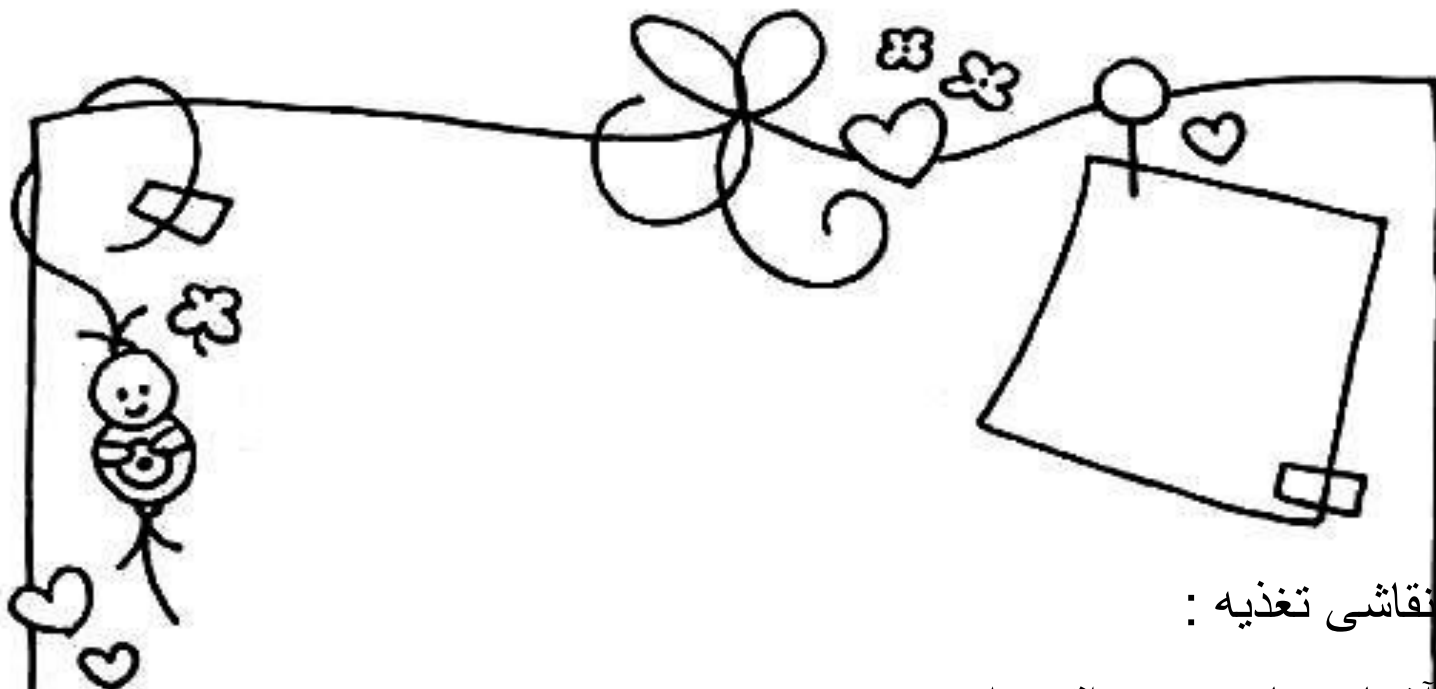
- آشنایی با یکی از وسایل ارتباطی مثل تلفن
- دقت در گوش دادن





- آموزش تغذیه سالم
- خواص میوه ها و سبزیجات و لبنیات
- آشنایی با گیاهان ، ویژگی ها و زیبایی ها و فواید آن ها
- نقاشی کردن از میوه ها و رنگ آمیزی



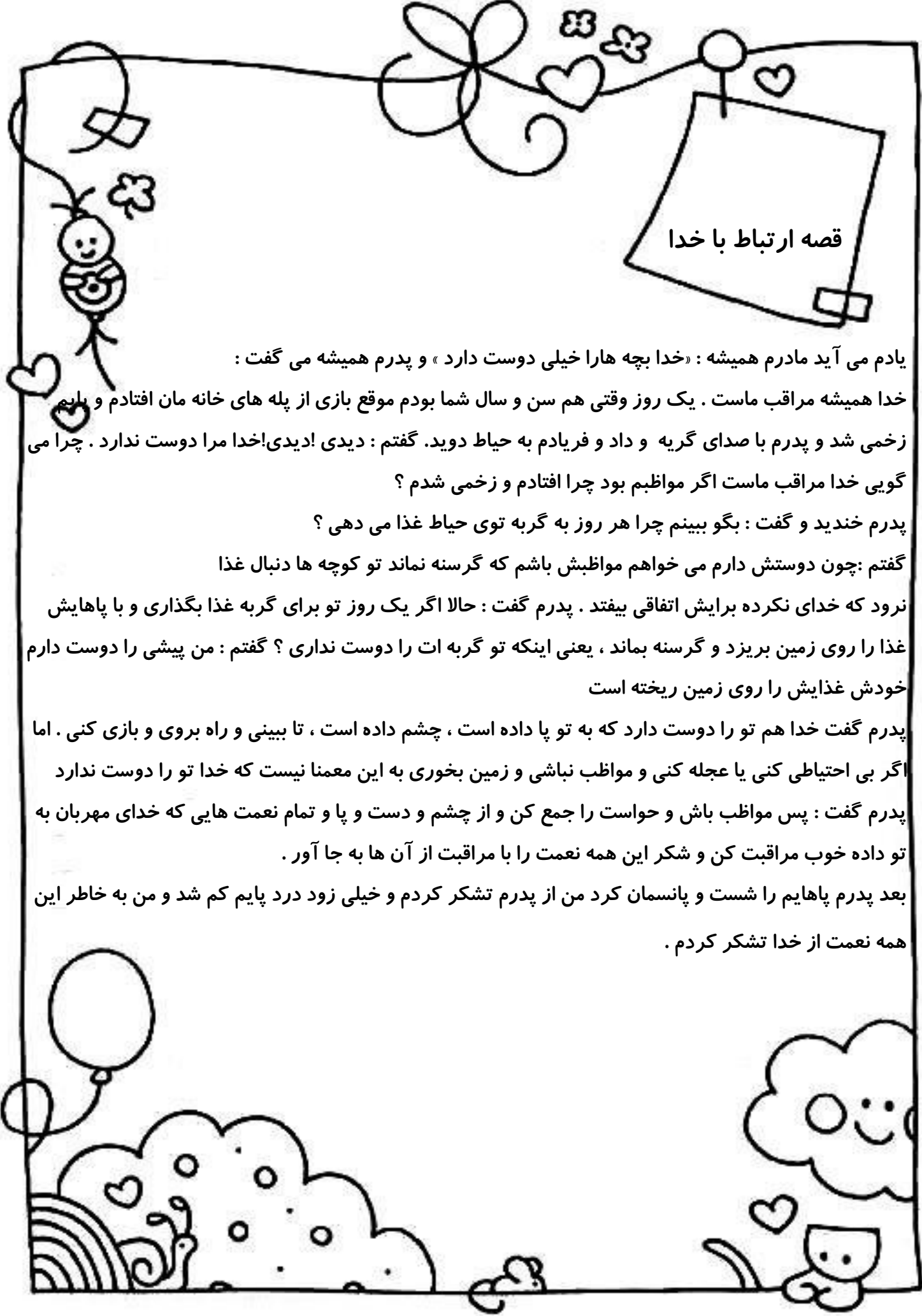


نقاشی تغذیه :

آشنایی با نحوه مراقبت از خود

یکی بود ، یکی نبود ، غیر از خدای مهربان هیچ کس نبود . علی در خانه نقاشی می کشید وقتی سرش را بلند کرد و از پنجره به آسمان نگاهی انداخت . به نظرش برف می بارید . زود کنار پنجره رفت و دید برف می بارد . خیلی خوش حال شد بعد مداد رنگی هایش را به گوشه ای پرت کرد و بدون پوشیدن لباس گرم به حیاط دوید . وقتی به آن جا رسید ...





قصه ارتباط با خدا

یادم می آید مادرم همیشه : «خدا بچه هارا خیلی دوست دارد» و پدرم همیشه می گفت : خدا همیشه مراقب ماست . یک روز وقتی هم سن و سال شما بودم موقع بازی از پله های خانه مان افتادم و پاهایم زخمی شد و پدرم با صدای گریه و داد و فریادم به حیاط دوید. گفتم : دیدی ! دیدی ! خدا مرا دوست ندارد . چرا می گویی خدا مراقب ماست اگر مواظبم بود چرا افتادم و زخمی شدم ؟

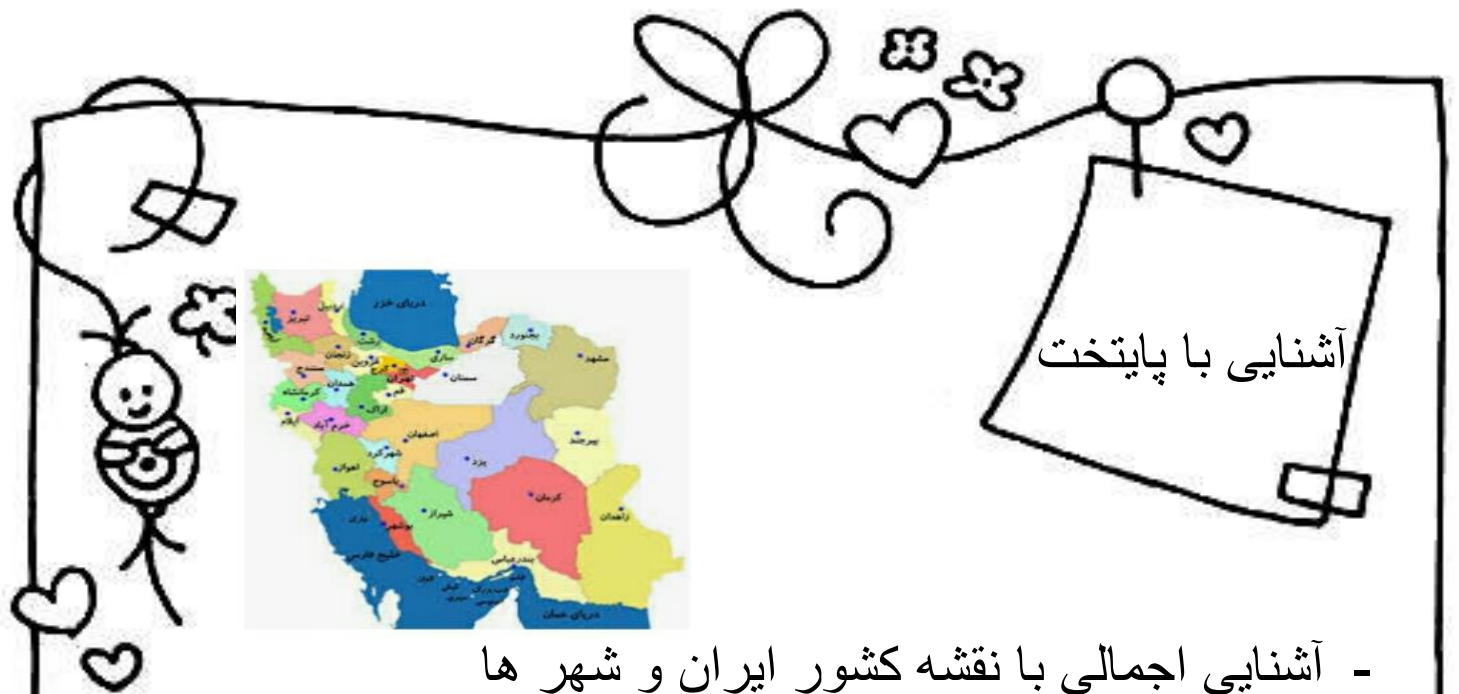
پدرم خندید و گفت : بگو ببینم چرا هر روز به گربه توی حیاط غذا می دهی ؟

گفتم : چون دوستش دارم می خواهم مواظبش باشم که گرسنه نماند تو کوچه ها دنبال غذا نرود که خدای نکرده برایش اتفاقی بیفتد . پدرم گفت : حالا اگر یک روز تو برای گربه غذا بگذاری و با پاهایش غذا را روی زمین بریزد و گرسنه بماند ، یعنی اینکه تو گربه ات را دوست نداری ؟ گفتم : من پیشی را دوست دارم خودش غذایش را روی زمین ریخته است

پدرم گفت خدا هم تو را دوست دارد که به تو پا داده است ، چشم داده است ، تا ببینی و راه بروی و بازی کنی . اما اگر بی احتیاطی کنی یا عجله کنی و مواظب نباشی و زمین بخوری به این معنای نیست که خدا تو را دوست ندارد

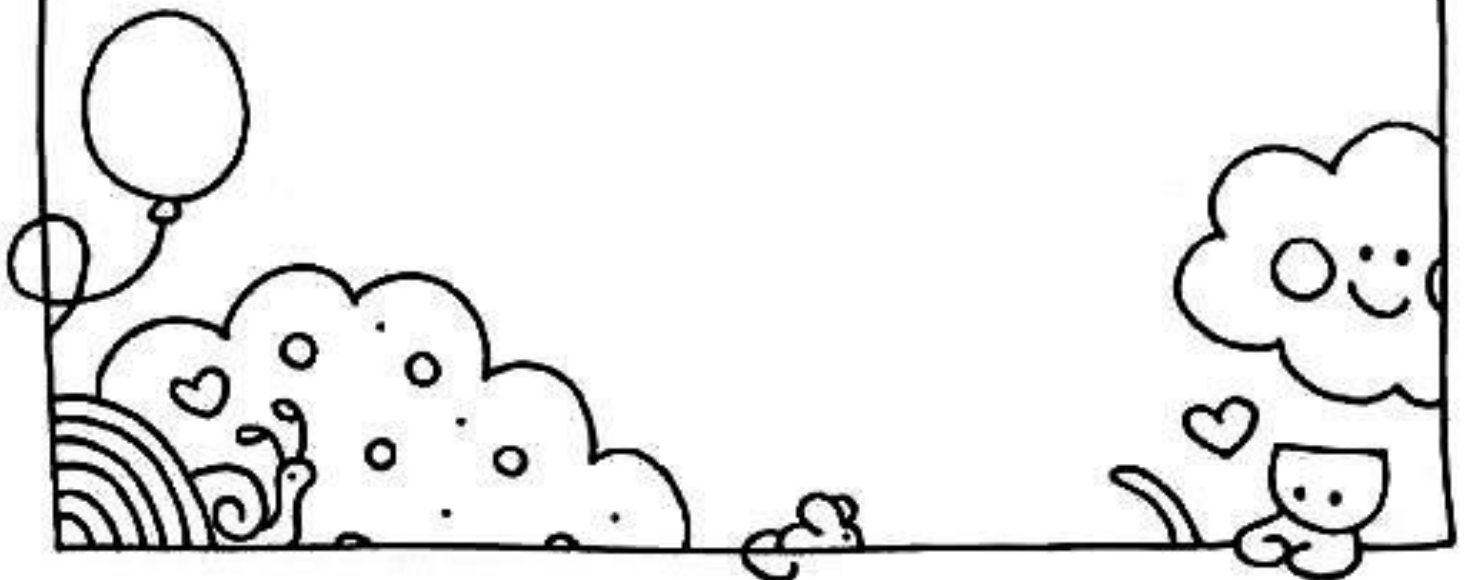
پدرم گفت : پس مواظب باش و حواست را جمع کن و از چشم و دست و پا و تمام نعمت هایی که خدای مهربان به تو داده خوب مراقبت کن و شکر این همه نعمت را با مراقبت از آن ها به جا آور .

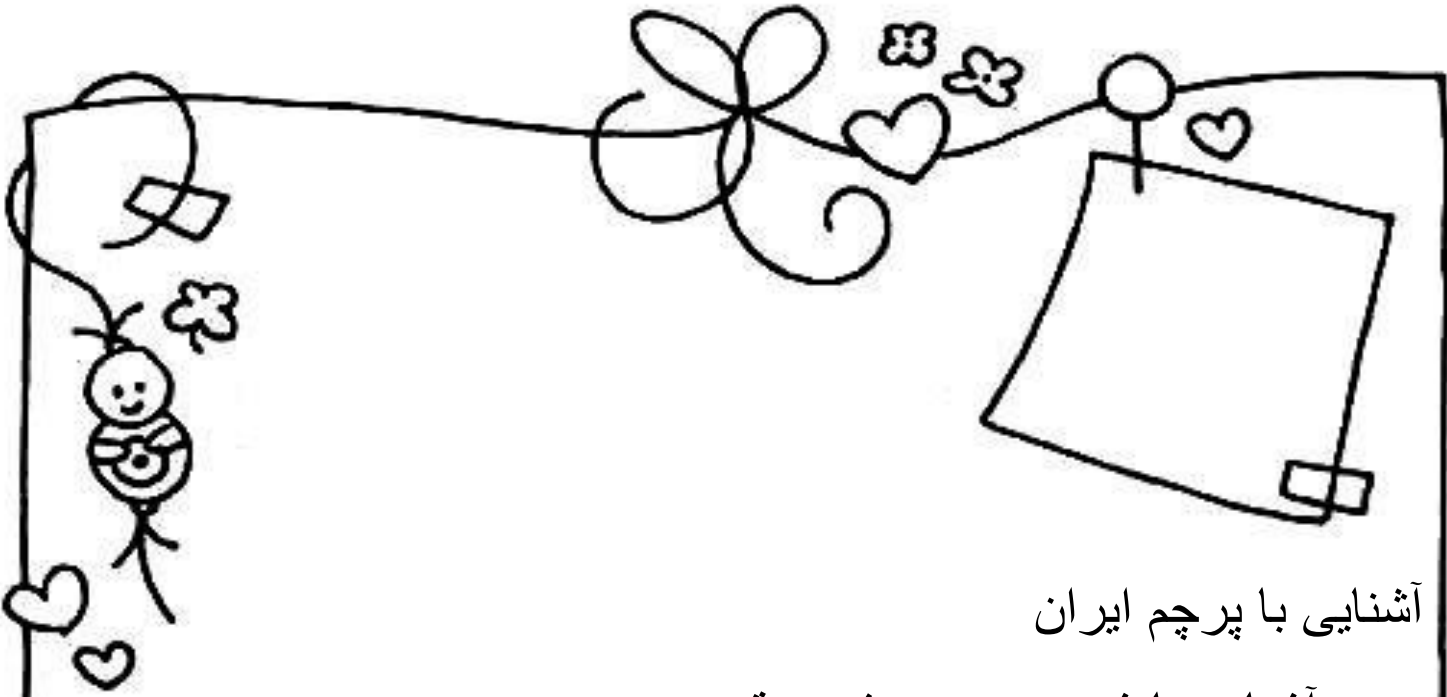
بعد پدرم پاهایم را شست و پانسمان کرد من از پدرم تشکر کردم و خیلی زود درد پاهایم کم شد و من به خاطر این همه نعمت از خدا تشکر کردم .



- آشنایی اجمالی با نقشه کشور ایران و شهر ها

ما گل های خندانیم	فرزندان ایرانیم
ایران پاک خود را	مانند جان میدانیم
ما باید دانا باشیم	هوشیار و بینا باشیم
از بهر حفظ ایران	باید توانا باشیم
آباد باش ای ایران	آزاد باش ای ایران
از ما فرزندان خود	دلشاد باش ای ایران





آشنایی با پرچم ایران

- آشنایی با شعر سبز و سفید و قرمز

یه خواب تازه دیدم	خوابم چه رنگارنگ بود
تو خواب رنگارنگم	پرنده ای قشنگ بود
رنگ سرش سر سبز	پره‌های نازش سفید
با دو تا بال سرخش	داشت تو هوا می پرید
پرنده خواب من	چه رنگارنگ و زیباست
سبز و سفید و قرمز	پرچم ایران ماست



هدف : آشنایی با مفهوم عدد - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



"۷"

هفت تا کلاغ خوش خبر

از رو چنارا می پران

با قارقار بلندشون

گوشمونو کر می کنن!

اسمت رو تمرین کن .

به هم وصل کن و رنگ کن



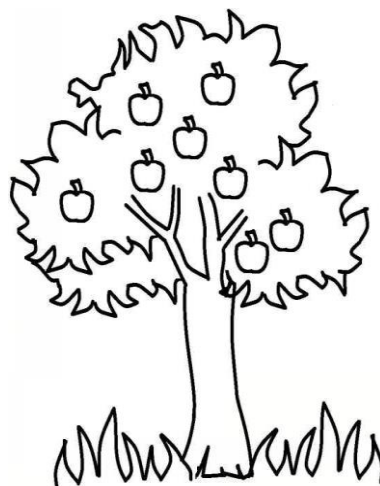
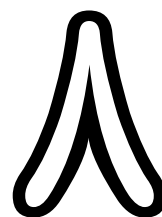
(۷) را پیدا کن

۳	۵	۸
۲	۶	۴
۰	۹	۵
۶	۵	۴

پیشنهاد مربی:

هدف : آشنایی با مفهوم عدد - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



"۸"

هشت تا سیب ریزو درشت،

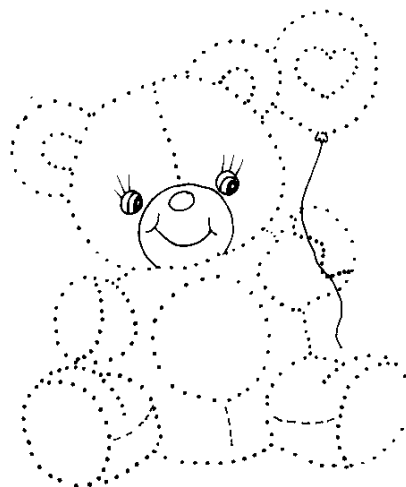
درخت باغچه مون داده

درخت مون چه با صفاست!!

دلم با دیدنش شاده!

اسمت رو تمرین کن .

به هم وصل کن و رنگ کن



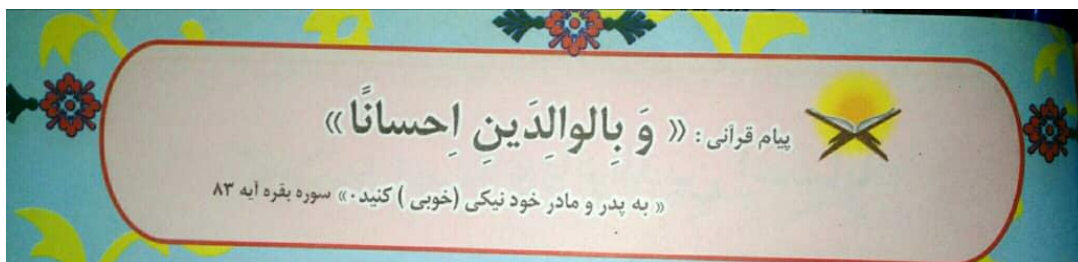
(۸) را پیدا کن

۳	۵	۸
۲	۶	۴
۰	۹	۱
۸	۵	۴

پیشنهاد مربی:

هفته دوم دی

آموزش عبارت قرآنی :

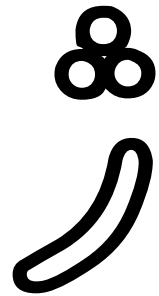


نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

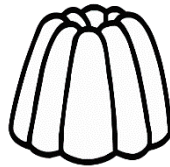
نقطه چین ها را به هم وصل کنید

ز - ز - ز - ز - ز - ز

ز - ز - ز - ز - ز - ز



شکل هایی که با صدای (ژ) شروع می شوند را رنگ کن



ژاکت - ژله - ژیمناستیک

(ژ) را پیدا کن

آموزش حرف ژ با شعر برای کودکان

در ژاله و منیژه در ژاکت ژولیده

در ژله خوشمزه در گل های پژمرده

روی خط زمینه صدای (ژ) آمده

در جدول الفبا داره ، یک شکل تنها

هر جا صدایش بیاد فقط این شکلی میاد (ژ)

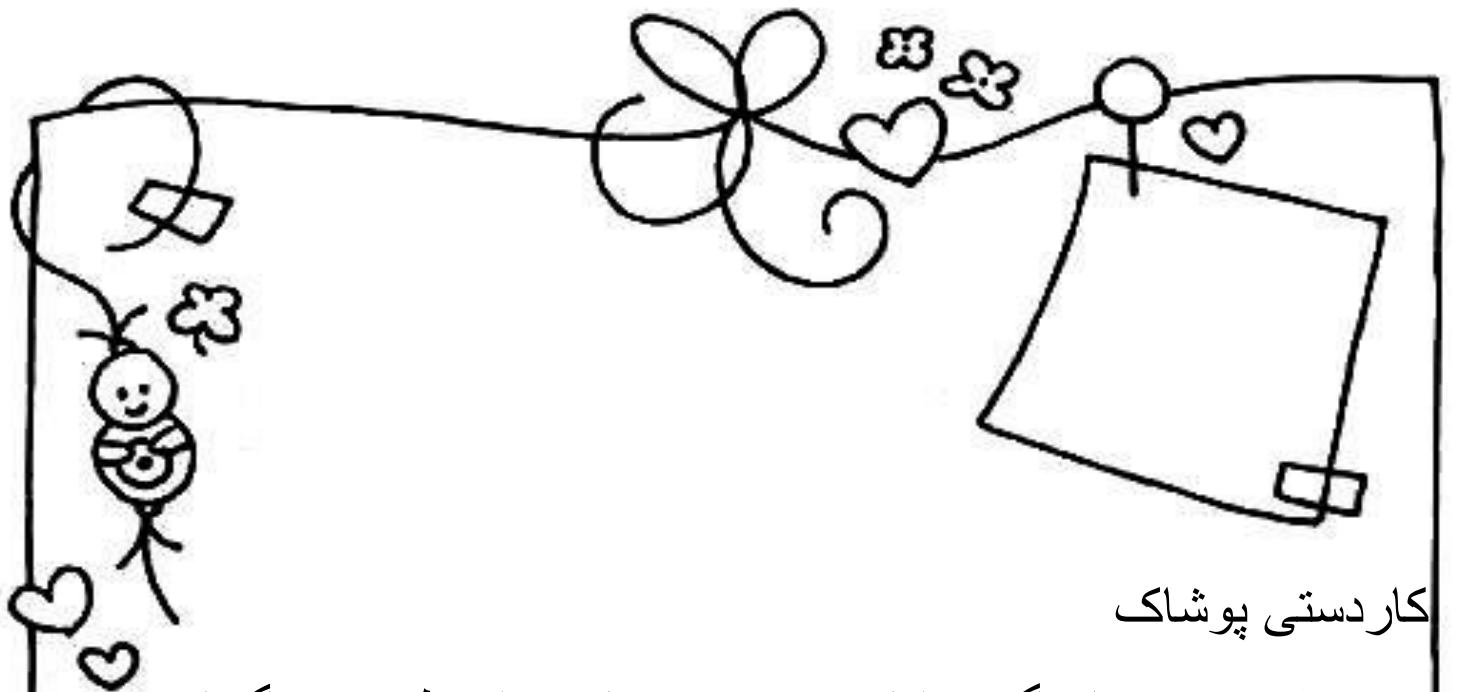
آ ژ ز

ه ر غ

ژ ذ ک

ذ ژ ر

پیشنهاد مربی:



کاردستی پوشاک

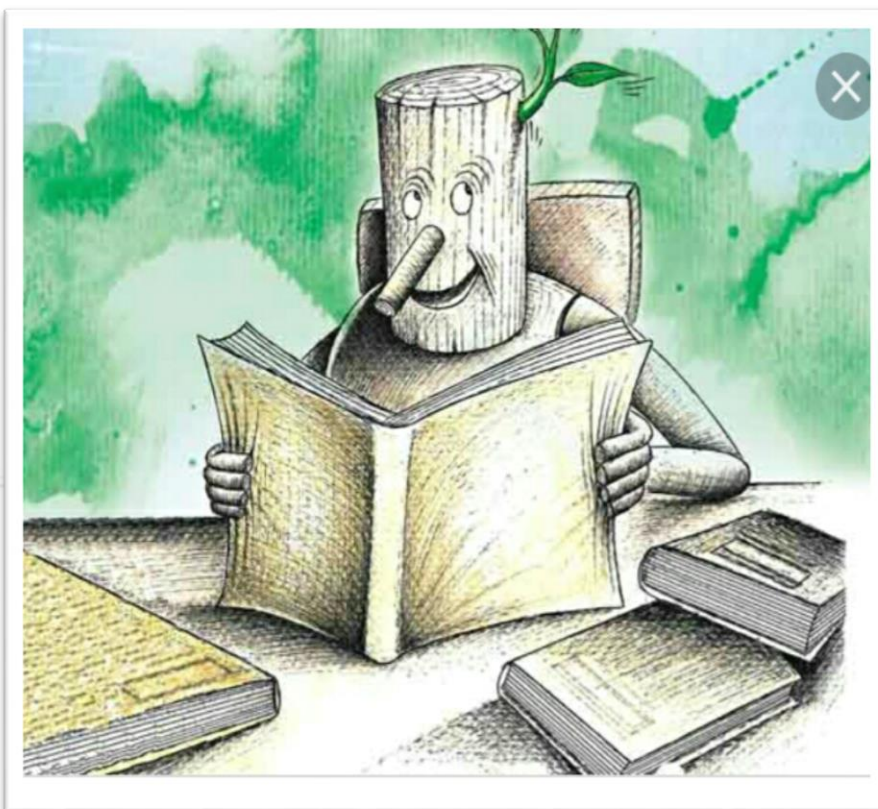
- تقویت و هماهنگی توانایی جسمی .حرکتی .از طریق رنگ کردن و بریدن

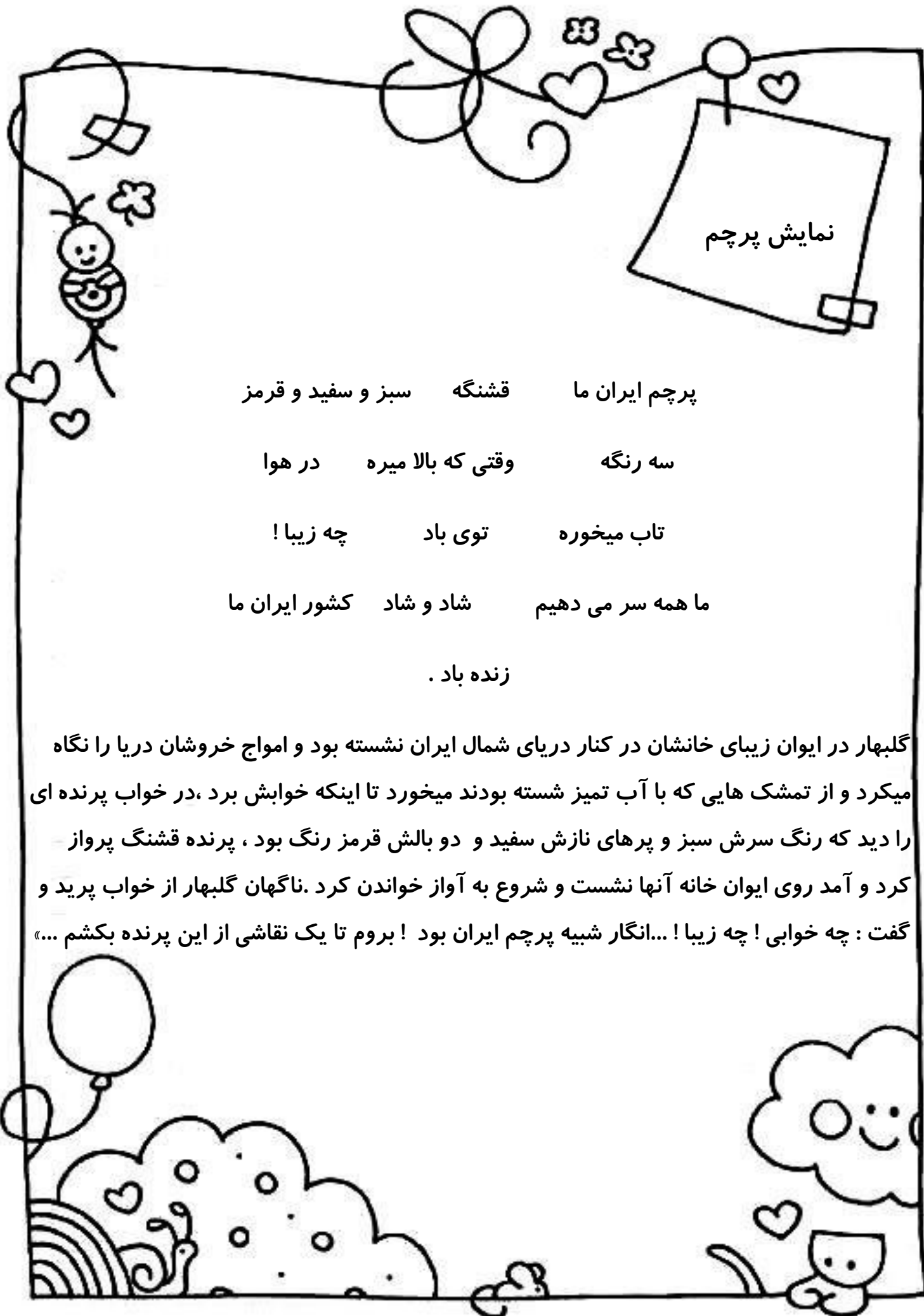
- توجه به نکات ایمنی در هنگام برش زدن و چسباندن



آموزش نقاشی

- نقاشی کسب علم
- تقویت نقاشی کردن و رنگ آمیزی





نمایش پرچم

پرچم ایران ما قشنگه سبز و سفید و قرمز

سه رنگه وقتی که بالا میره در هوا

تاب میخوره توی باد چه زیبا !

ما همه سر می دهیم شاد و شاد کشور ایران ما

زنده باد .

گل‌بهار در ایوان زیبای خانشان در کنار دریای شمال ایران نشسته بود و امواج خروشان دریا را نگاه میکرد و از تمشک‌هایی که با آب تمیز شسته بودند میخورد تا اینکه خوابش برد، در خواب پرنده‌ای را دید که رنگ سرش سبز و پرهای نازش سفید و دو بالش قرمز رنگ بود، پرنده قشنگ پرواز کرد و آمد روی ایوان خانه آنها نشست و شروع به آواز خواندن کرد. ناگهان گل‌بهار از خواب پرید و گفت: چه خوابی! چه زیبا! ...انگار شبیه پرچم ایران بود! بروم تا یک نقاشی از این پرنده بکشم ...»

بازی میهن دوستی

ما گل های خندانیم
ایران پاک خود را
ما باید دانا باشیم
از بهر حفظ ایران
فرزندان ایرانیم
مانند جان میدانیم
هوشیار و بینا باشیم
باید توانا باشیم
آباد باش ای ایران
آزاد باش ای ایران



هفته سوم دی

آموزش سوره نصر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ
وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا
فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید

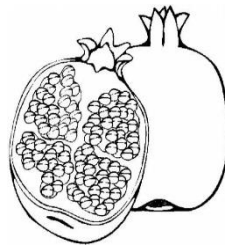
..... - - - - -

س - س - س - س - س - س

س

س

شکل هایی که با صدای (س) شروع می شوند را رنگ کن



ساعت - سماور - سکه

(س) را پیدا

آموزش حرف س، س با شعر

سبد سبد گل یاس

بچه های زرنگ کلاس

نگاه کنید س، س هستم

من س آخر هستم

همیشه آخر هستم

دوستم س غیر آخر

هیچ وقت نمیداد آخر

آ ب س

د ر م

س آ ک

م س آ

پیشنهاد مربی:

نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

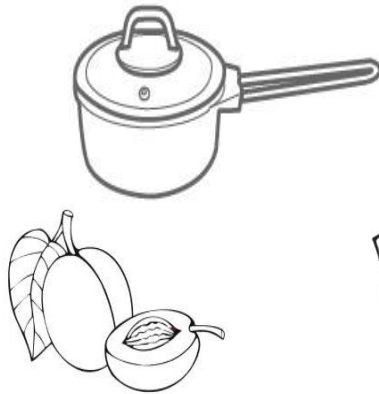
نقطه چین ها را به هم وصل کنید

.....

شش - شش - شش - شش - شش - شش

The image contains two identical line drawings of a stylized plant. Each drawing consists of a three-lobed flower at the top, a short stem with three wavy segments, and a long, curved, hook-like base. The drawings are positioned one above the other, with the top one slightly to the left and the bottom one slightly to the right.

شکل هایی که با صدای (ش) شروع می شوند را رنگ کن



شیر - شلیل - شیر

شعر حروف الفبا برای حرف ش

ش اول شلیله

که جاش توی زنبیله

زنیل کجاس؟ سرکار

تو بازار تره بار

رفته شلیل پیاره

شلیل که هسته داره

هسته نگو ی سنگه

لباس اون چه تنگه

چروک ، ولی قشنگه

(ش) را پیدا

آ ش س

ذ ظ م

ش آ گ

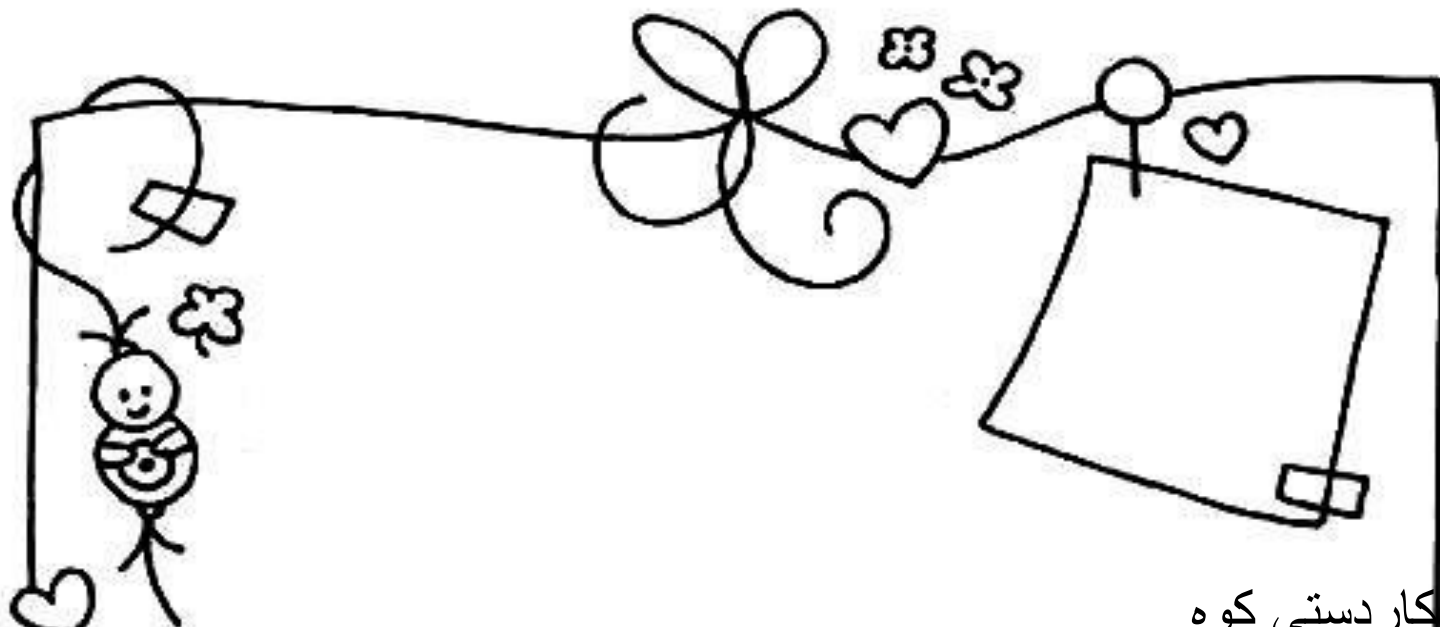
م ش آ

پیشنهاد مرتبی:

فعالیت علمی حس شنوایی :

- افزایش تمرکز از طریق تجارب یادگیری گوش دادن به صداهای پخش شده
- دقت در گوش دادن تشخیص زبر و بمی صدا
- گوش دادن و تشخیص صداهای پیرامون (صدای طبل، زنگ مدرسه و صدای پرندگان)



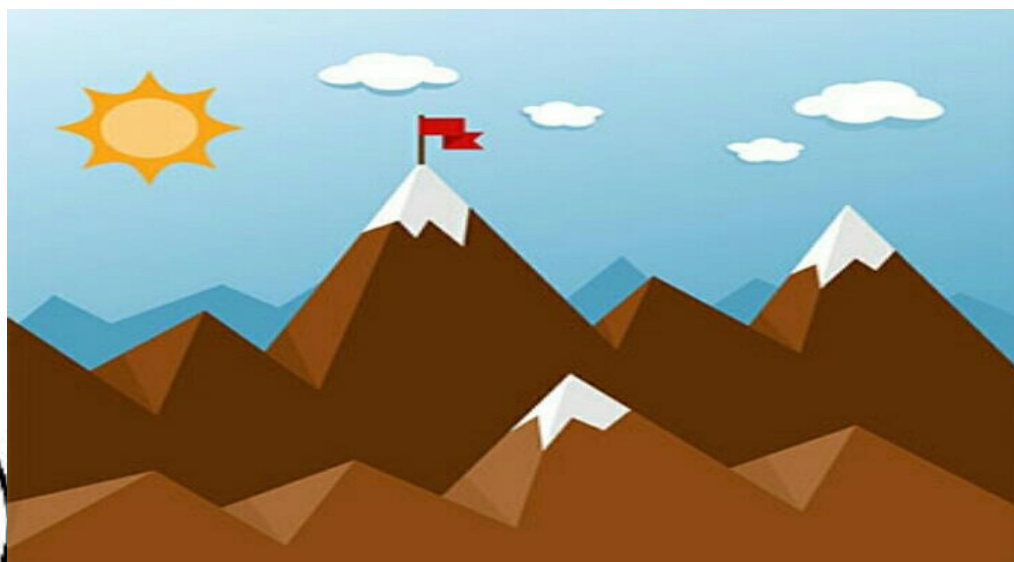


کاردستی کوه

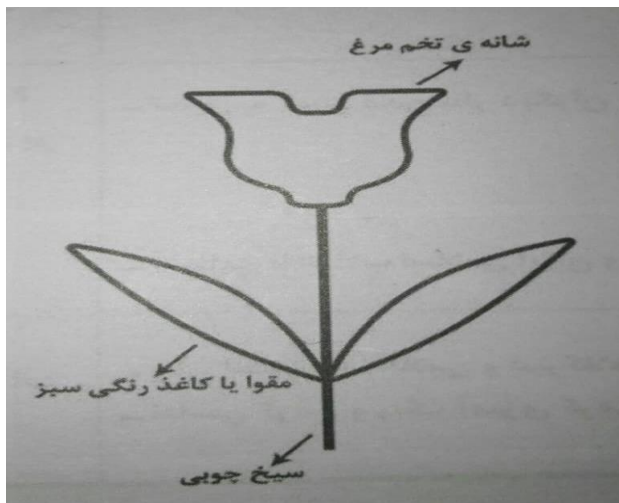
تقویت و هماهنگی توانایی های جسمی - حرکتی از طریق : مجالہ کردن
چسباندن . رنگ کردن

آشنایی با نعمت های خداوند (کوه ها)

آشنایی با محیط زیست و توجه به زیبایی های آن (کوه)



انقلاب اسلامی



تقویت و هماهنگی توانایی های جسمی - حرکتی از طریق : بریدن ، رنگ کردن ، چسباندن و پاشیدن

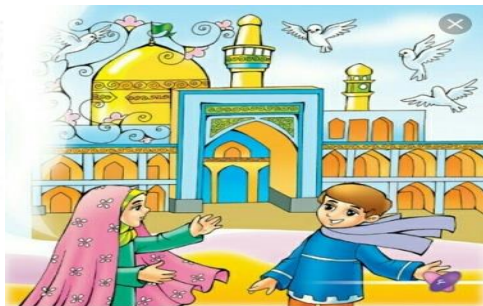
افزایش تمرکز ۱۵-۱۰ دقیقه - علاقه به تولید و مشارکت در فعالیت خلاق

شناخت اشکال (گردی)

درک و مفهوم اندازه (کوچک و بزرگ)

درک مفاهیم فضایی (بالا ، پایین - راست ، چپ)

نمایش زیارتگاه



زیارت

تلق تلق خبر دار

سوت میزنه باز قطار

آهای قطار نگه دار

تا که بشیم ما سوار

کاشکی زود و سوار

با هم بریم زیارت

تلق تلق خبردار سوت میزنه باز قطار

رسیدیم و رسیدیم

کبوتر هارو دیدیم

نگاه کنید یه گنبد

می بینیم توی مشهد

اونجا امام رضااست

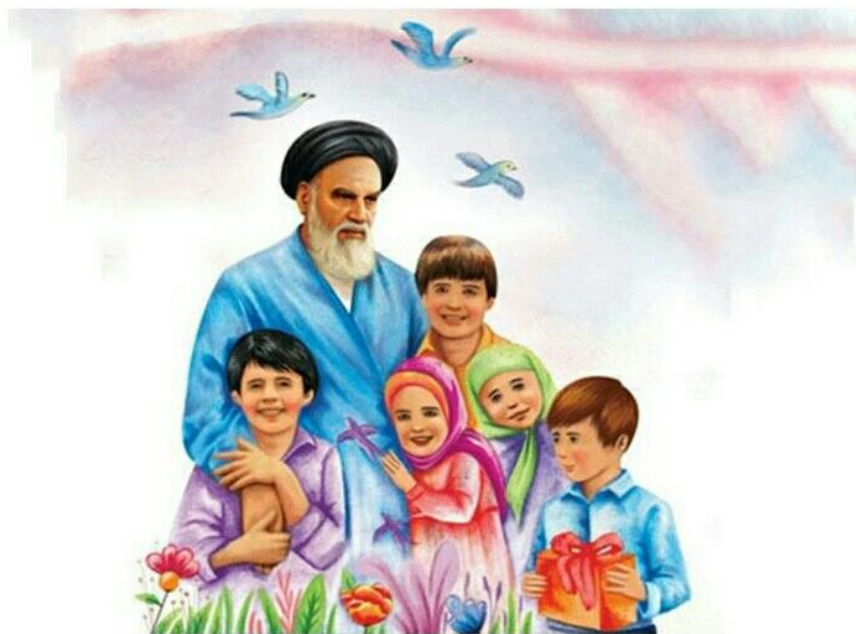
امام هشتم ماست

قصه بنیان گذار انقلاب اسلامی

یکی بود یکی نبود یک شاه بدجنس بود که در ایران زندگی میکرد . مرد این شاه را دوست نداشتند ، اما از او می ترسیدند . در میان مردم ، مردی بود شجاع و با ایمان ، او از شاه نمیترسید . به مردم درس دین و شجاعت می داد او امام خمینی بود . مردم از امام خمینی یاد گرفتند که از هیچ کس جز خدا نترسند . آنها به خیابان آمدند و فریاد زدند که ما (شاه نمی خواهیم) .

شاه ، غمگین شد و به سرباز هایش دستور داد که مردم راساکت کنند . اما مردم از سرباز ها و تفنگ هایشان هم ترسیدند ، جنگ شاه با مردم ادامه پیدا کرد ، تا اینکه شاه شکست خورد و از ایران فرار کرد .

امام خمینی که در ایران نبود به کشور برگشت . انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و ایران پر از جشن و شادی شد .



به نام آفریدگار روشنی ها

ارزشیابی ریاضی

نام و نام خانوادگی:

۱- عدد هر شکل را با توجه به چوب خط ها در زیر آن بنویس.

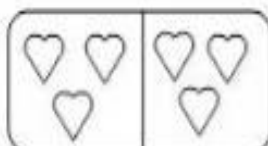




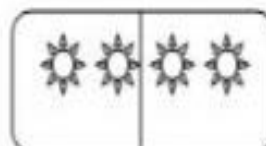


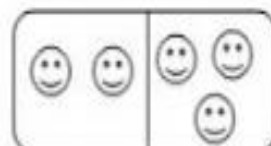


۲- شکل هم دو دسته روی هم چند می شود عدد آن را بنویس.

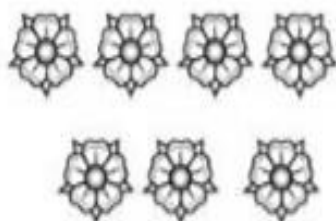




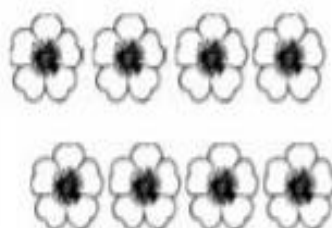




۳- به تعداد چوب خط ها از گل ها خط بزن و به تعداد باقی مانده از شکل ها رنگ بزن.



--	--	--	--	--



--	--	--	--	--

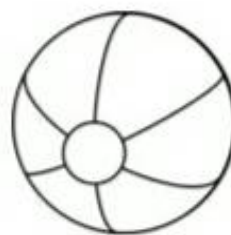
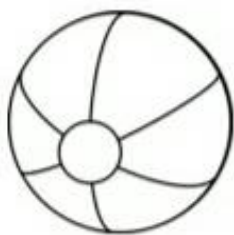
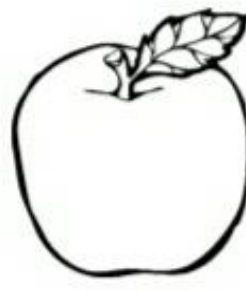


تاریخ:
مفاهیم ریاضی

نام نو آموز:
نام مربی:

شبهت-تفاوت

❖ در هر ردیف شکلی که با بقیه فرق دارد را رنگ بزن.



هفته چهارم

پیام قرآنی : « وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً »

« خدا از آسمان باران می فرستد . » سوره رعد آیه ۱۷



نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید

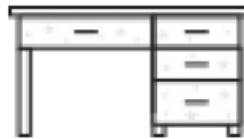
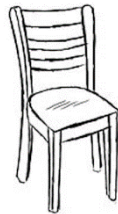
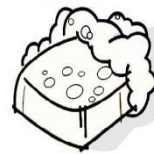
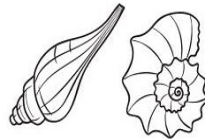
.....-.....-.....-.....-.....

ص - ص - ص - ص - ص

ص

ص

شکل هایی که با صدای (ص) شروع می شوند را رنگ کن



صندلی - صدف - صابون

(ص) را پیدا

آموزش حرف ص با شعر

صبح که از خواب پا میشم - مثل یه گل وا میشم

مامان جون یه صابون - آورده بود برامون

صورتم را می شویم - تا که تمیز و ناز شم

دندانهایم را میشویم - با یه مسواک مخصوص

حالا دیگه عزیزم - پیش همه عزیزم

ما دونفر برادر - غیر آخر و آخر

با س س هم صدا هستیم - از آنها جدا هستیم

آمده ایم در هر جا - کشیده داریم صدا

در صابون و قرص هستیم - دو جای مخصوص هستیم

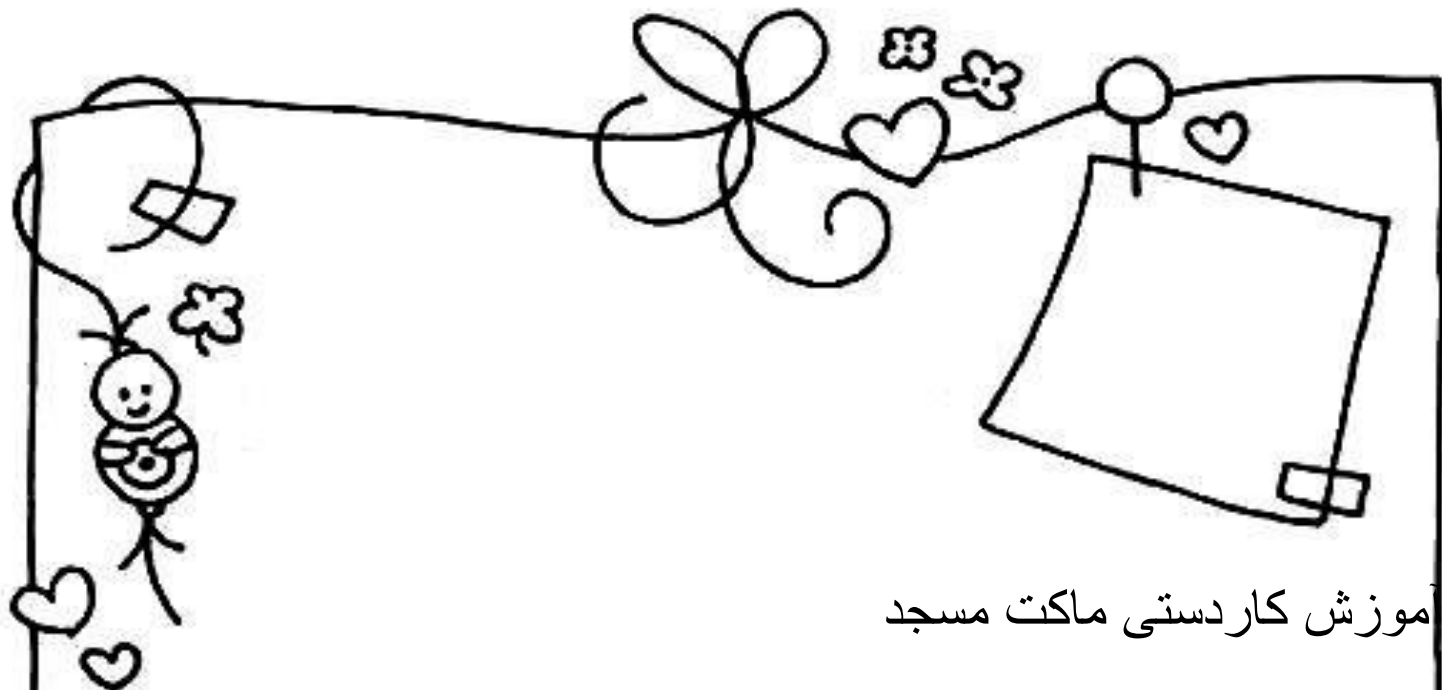
آ ص س

ذ ظ ق

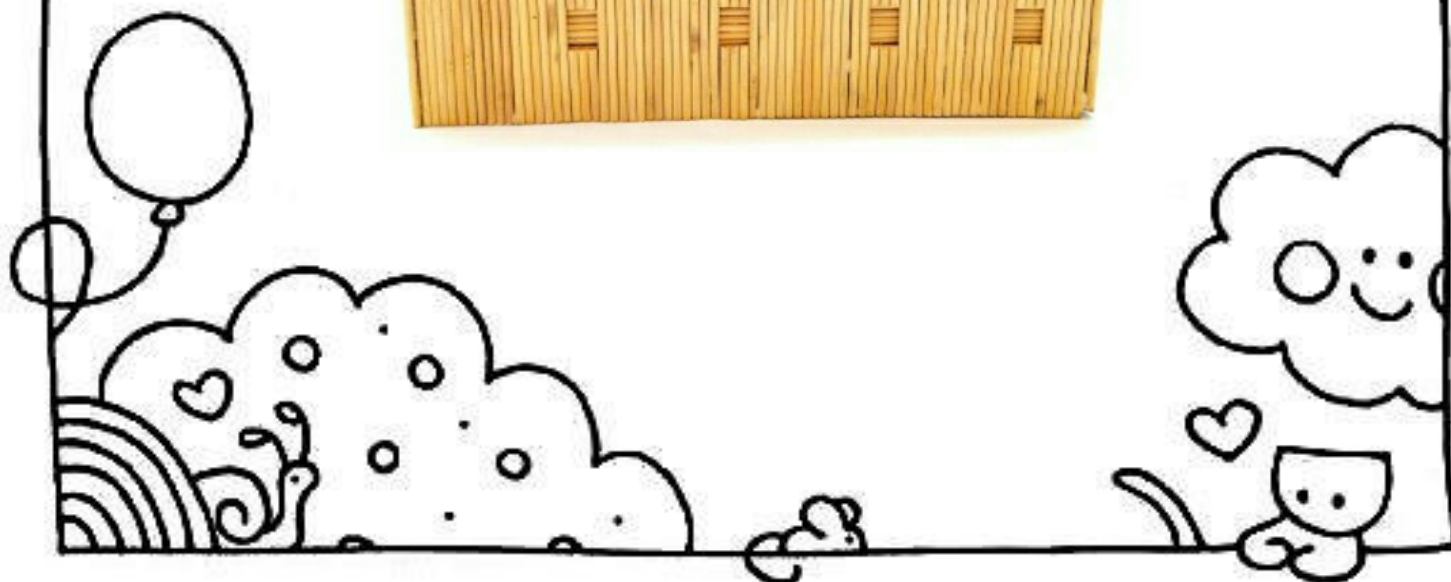
ز آ ص

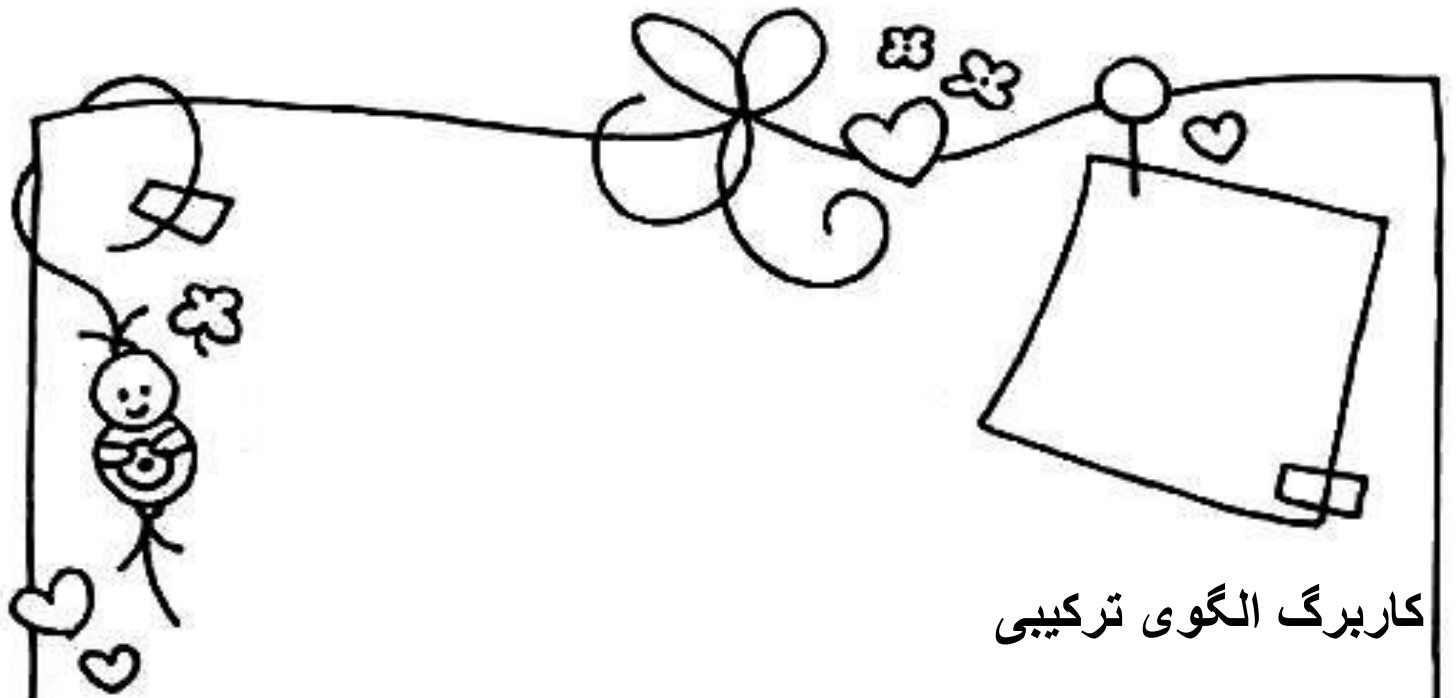
ص ش آ

پیشنهاد مربی:

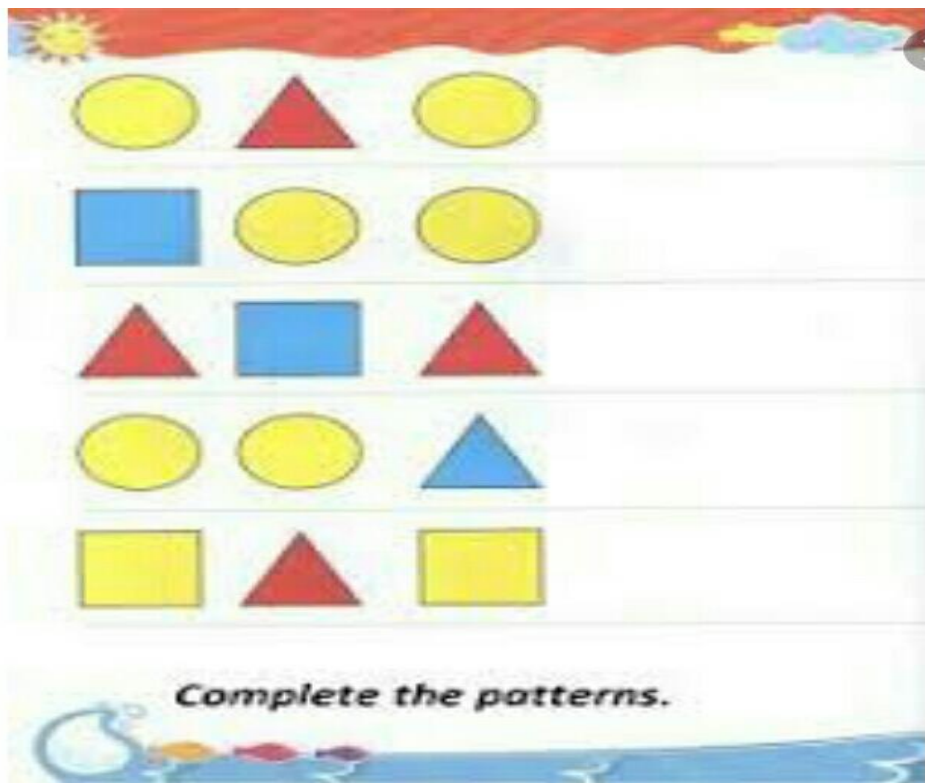


موزش کاردستی ماکت مسجد





کاربرگ الگوی ترکیبی



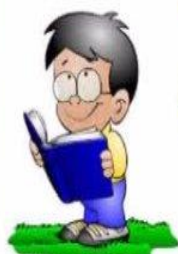
Complete the patterns.



هفته اول بهمن

موزش سوره فيل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ
أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ
وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ
تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ
فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ



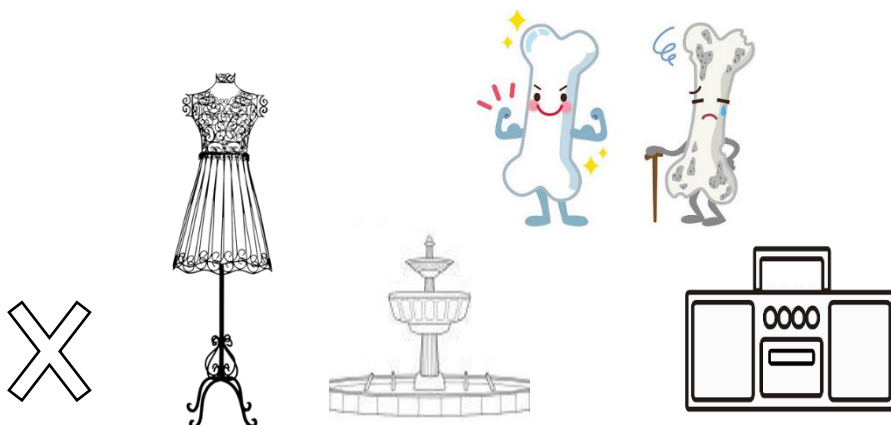
نشانه هفته - پیش دیستان فروغ مهر- تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید

$$-\text{Diagram 1} - \text{Diagram 2} - \text{Diagram 3} - \text{Diagram 4} - \text{Diagram 5}$$

ض

شکل هایی که با صدای (ض) شروع می شوند را رنگ کن



ضربدر - ضعیف - ضبط

(ض) را پیدا

آموزش نشانه ضد غیر آخر ض آخر

ما هستیم دو برادر - غیر آخر و آخر

با(ز-ز)همصدا هستیم

از آن‌ها جدا هستیم

دو شکل داریم بچه ها

کشیده است این صدا

نشسته ایم در قاضی

آمده ایم در ریاضی

آ ص س

ذ ظ ق

ز آ ص

ص ش آ

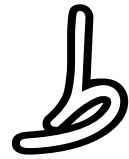
پیشنهاد مرتبی:

نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ:

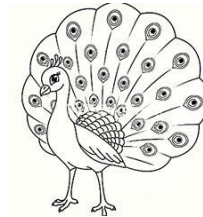
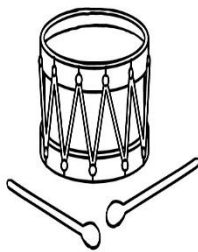
نقطه چین ها را به هم وصل کنید

ط - ط - ط - ط - ط - ط - ط

ط - ط - ط - ط - ط - ط - ط



شکل هایی که با صدای (ط) شروع می شوند را رنگ کن



طبل - طاووس - طلا

(ط) را پیدا کن

آموزش نشانه ط با شعر

بچه ها من (طا) هستم - با (ت) هم صدا هستم

یک شکل دارم بچه ها - می آیم در همه جا

در هر کجا بیایم - با همین شکل می آیم

در سر نقطه ندارم - کشیده نیست صدایم

من هستم وسط سطل - در خط و طوطی و طبل

ل ش ط

ذ ظ ق

ط آ ل

س ط آ

پیشنهاد مربی:

قصه جانوران اهلی

یکی بود و یکی نبود . یک روز بره و کره اسب و گوساله و جوجه باهم بازی میکردند که یک زنبور کوچولو ، ویزویز کنان به آن ها نزدیک شد و پرسید : « شما خها کی هستید ؟ » کره اسب گفت : « مادر کمن یک اسب است و من بچه او هستم » جوجه گفت : « مادر من یک مر است و من بچه او هستم » گوساله گفت : « مادر من یک گاو است من بچه او هستم » بره گفت : « مادر من یک گوسفند است و من بچه او هستم » بعد گوساله و کره اسب و بره و جوجه از زنبور پرسیدند « تو کی هستی ؟ » زنبور کمی فکر کرد و گفت : « من زنبور هستم و مادرم ... ؟ » من میدانم مادرم کیست و صبر کنید برم و بپرسم و برگردم بره به گوساله گفت : « چه قدر عجیب ! او نمی داند مادرش کیست » جوجه گفت : « زنبور برگشت . » زنبور با خوش حالی گفت : « مادر من ملکه زنبور ها است . » همه زنبور هایی که در کندوی ما زندگی می کنند بچه های او هستند ! » گوساله و کره اسب و بره و جوجه با تعجب گفتند وای تو چه قدر خواهر و برادر داری زنبور خندید و گفت همه آنها دارند می آیند تا با شما بازی کنند ! گوساله و کره اسب و بره و جوجه تا صدای ویز ویز شنیدند و با دیدن یک عالمه زنبور که به طرفشان می آمدند پا به فرار گذاشتند زنبور غش غش خندید و گفت : « نترسید بابا جان ! » اما آن ها از ترس فرار کردند و پیش مادر هایشان رفتند . گوساله پیش گاو . بره پیش گوسفند . کره اسب پیش اسب و جوجه پیش مرغ . »



جوجه جوجه طلایی

جوجه جوجه طلایی	نوکت سرخ و حنایی
تخم خود را شکستی	چگومه بیرون چستی؟
گفتا جایم تنگ بود	دیوارش از سنگ بود
نه پنچره ، نه در داشت	نه کس از کمن خبر داشت
به خود دادم یک تکان	مثل رستم پهلوان !
تخم خود را شکستم	از آن جا بیرون جستم



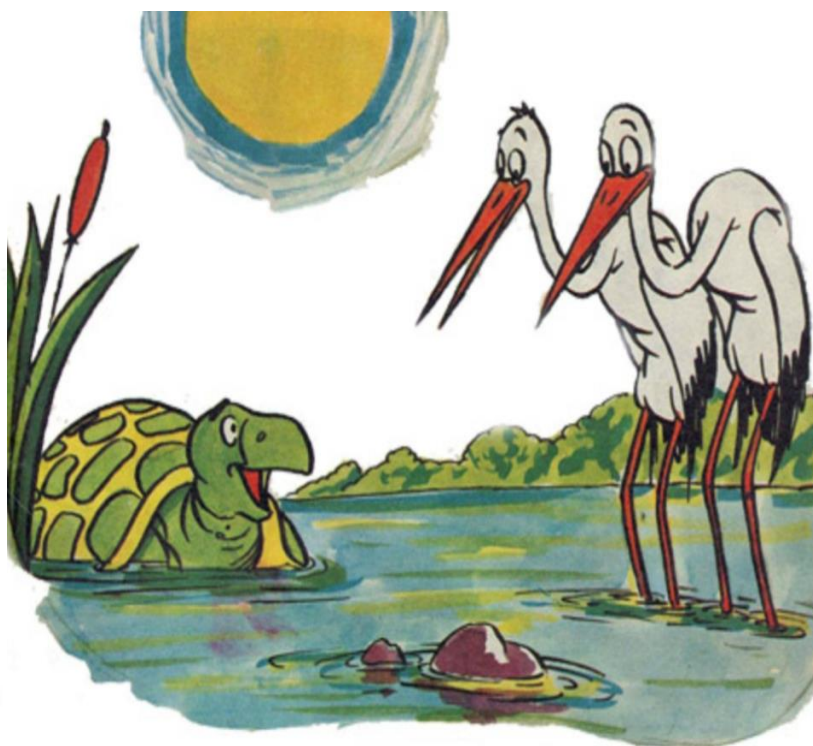
آموزش

نقاشی خشکی

- آشنایی با انواع جانوران اهلی
- محل زندگی ، نوع غذا
- حفظ و مراقبت از حیوانات



بازی جانوران خشکی

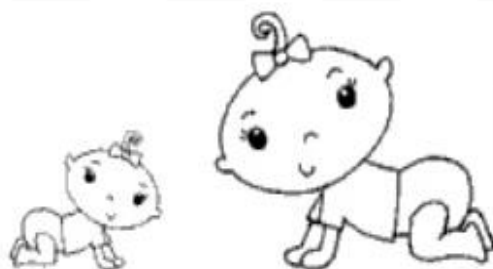


کوچک تر و بزرگ تر

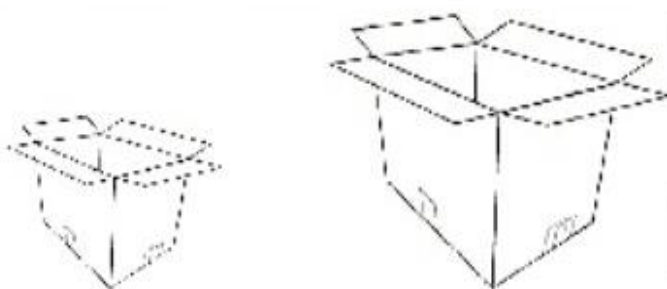
۱. خانه ی بزرگ تر را رنگ بزن.



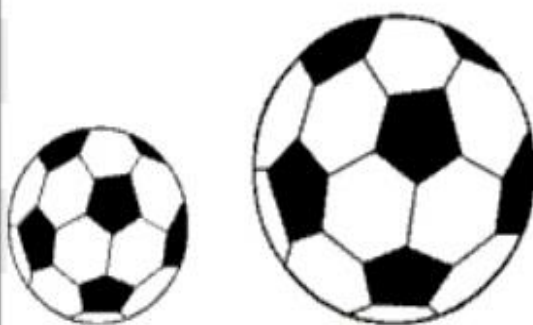
۲. لباس بچه ی کوچک تر را رنگ بزن.



۳. جعبه ی بزرگ را قرمز و جعبه ی کوچک را آبی کن.



۴. توپ بزرگ را علامت بزن.



هفته دوم بهمن

آموزش عبارت قرآنی :

پیام قرآنی: « وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا »

« بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید. » سورة اعراف آیه ۳۱



نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ:

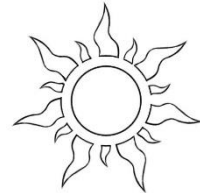
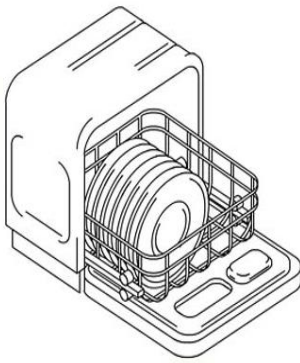
نقطه چین ها را به هم وصل کنید

ظ - ظ - ظ - ظ - ظ - ظ - ظ - ظ - ظ - ظ

ظ - ظ - ظ - ظ - ظ - ظ - ظ - ظ - ظ - ظ

ظ

شکل هایی که با صدای (ظ) شروع می شوند را رنگ کن



ظرفشویی - ظرف - ظهر

(ظ) را پیدا کن

شعر حروف الفبا برای حرف ظ

بچه ها من ظا هستم - با همه آشنا هستم

با ز همصدا هستم - از شکلش جدا هستم

یک شکل دارم بچه ها - در همه جا می آیم

کشیده است صدایم - آمده ام در حافظ

آخر خدا حافظ

ظ ش ط

ذ ظ ق

ط آ ل

س ظ آ

پیشنهاد مربی:

قصه گیاه خوار

«به نام خدا. یکی بود یکی نبود یک روز، اردک پیش خروس رفت و گفت: امروز روز جشن است و آقای مزرعه دار برای حیوانات مزرعه غذا آماده کرده است بیا آن هارا برای بز و زنبور و گوسفند هم ببریم و در این کار به او کمک کنیم» خروس با خوش حالی قبول کرد. اردک. گردو را به خروس داد و گفت: «این را برای گوسفند ببر. گوشت را هم به بز بده. علف را هم من به زنبور می برم.» خروس، گردو را به گوسفند داد. گوشت را هم به بز داد. اردک هم. علف را برای زنبور برد. بعد خروس و اردک با خوش حالی کنار هم برگشتند و گفتند: «کارها تمام شد!» اما کارها تمام نشده بود، چون گوسفند پیش آن ها آمد و گفت: «من گردو دوست ندارم» همین موقع زنبور، علف را آورد و گفت: «من علف نمی خورم» بز هم گوشت را آورد و گفت: «این گوشت به درد من نمی خورد» خروس و اردک با تعجب به هم نگاه کردند بز چشمش به علف افتاد و گفت: «به! به! چه علف های تازه ای.» بعد آن را برداشت و مشغول خوردن شد درست وقتی که گوسفند با اشتها شروع کرده بود به خوردن علف، زنبور هم بی کار نماند و روی گل نشست و شهد آن را خورد. خروس و اردک به هم نگاه کردند و از شتاباهی که کرده بودند، خنده شان گرفت. بعد هردو باهم گفتند: «حالا کار تمام شد!»



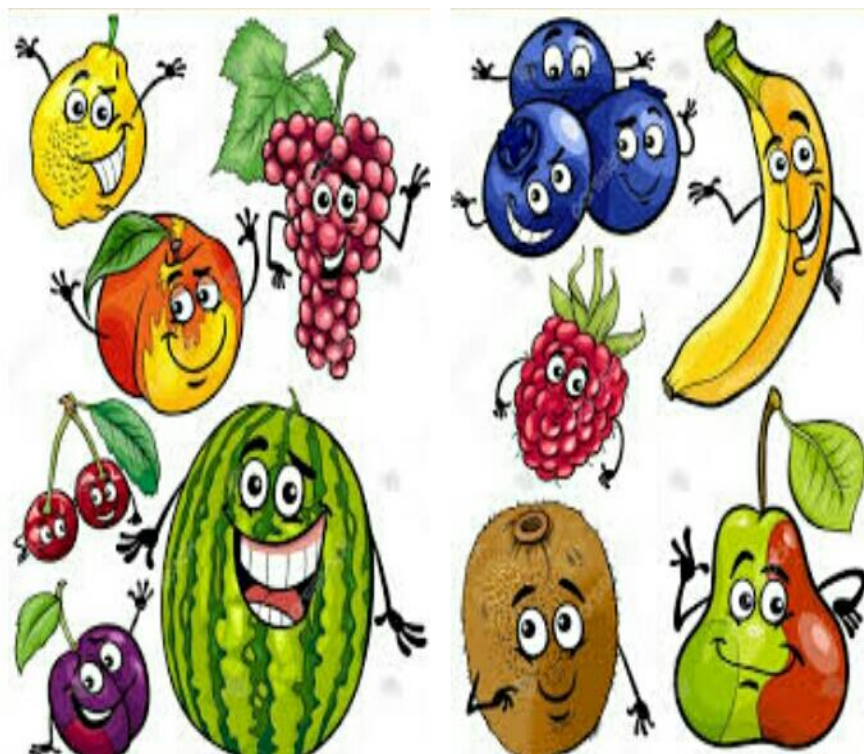
آموزش نقاشی پرندگان

- آشنایی با نعمت های خداوند و زیبایی های آفرینش (پرندگان)
- آشنایی با پرندگان ویژگی ها و زیبایی ها
- بیان و توصیف زیبایی محیط زندگی
- نقاشی کردن ، رنگ آمیزی کردن
-
-
-



فعالیت علمی

- رعایت بهداشت هنگام خوردن (شستن دست ها ، خوردن میوه نشسته)
- تغذیه سالم و مفید
- آشنایی با نعمت های خداوند





آموزش عبارت قرانی

پیام قرآنی: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»
« خداوند کسانی را که کار خوب و نیکو انجام می دهند دوست دارد.»
سوره ی بقره آیه ی ۱۹۵

نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید

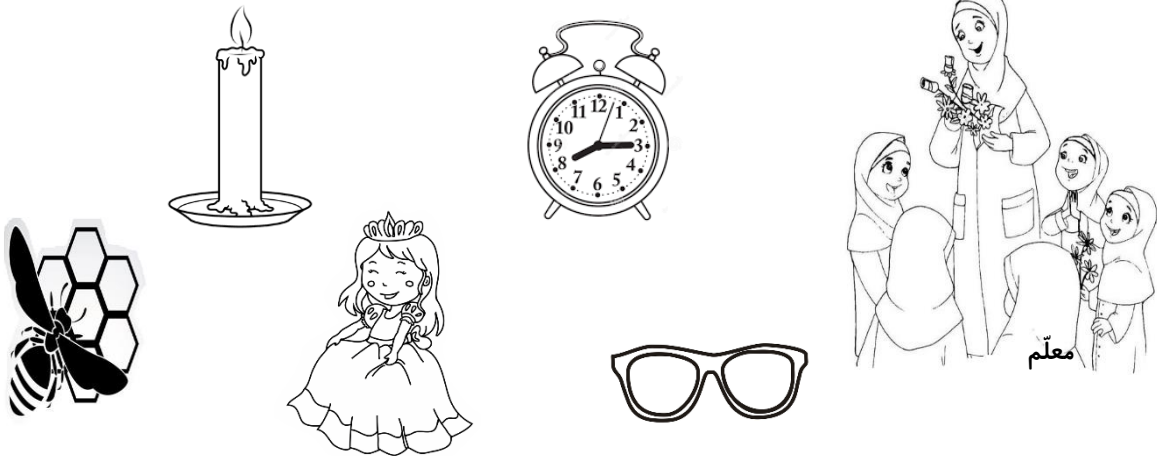
..... - - - - -

ع - ع - ع - ع - ع - ع - ع - ع

ع

ع

شکل هایی که با صدای (ع) شروع می شوند را رنگ کن



عسل - عروسک - عینک

(ع) را پیدا کن

آموزش حرف عـ عـ عـ با شعر

(عـ) عین غیر آخر هستم اول، وسط، نشستم - مرا ببین در عاقل در مزرعه و عادل
(عـ) من عین وسط هستم باز کرده ام، دو دستم - در وسط می نشینم دست دوستی می گیرم
در شعر و بعد نگاه کن شکل مرا پیدا کن - (عـ) عین آخر چسبانم من دوستی مهربانم
در آخر می نشینم دست دوستی می گیرم - مرا ببین در بع بع در موقع و مربع
(عـ) آخر تنه ایم تنها تنها می آیم - آمده ام، در شروع نشسته ام در طلوع

ع ص س
ذ ع ق
ز آ ع
ع ش آ

پیشنهاد مربی:

نمایش غلات

گندم می کاریم همچین و همچون گل گندم گل گندم
 آبش می دهیم همچین و همچون گل گندم گل گندم
 دروش می کنیم همچین و همچون گل گندم گل گندم
 آردش میکنیم همچین و همچون گل گندم گل گندم
 با آن نان میپزیم همچین و همچون گل گندم گل گندم



فعالیت علمی دارو

- آشنایی با فایده های جانوران از نظر دارویی
- ابراز محبت به حیوانات
- حفظ و مراقبت از حیوانات
- برخورد طناب در زمان ترس از حیوانات



تاریخ:

نام و نام خانوادگی:

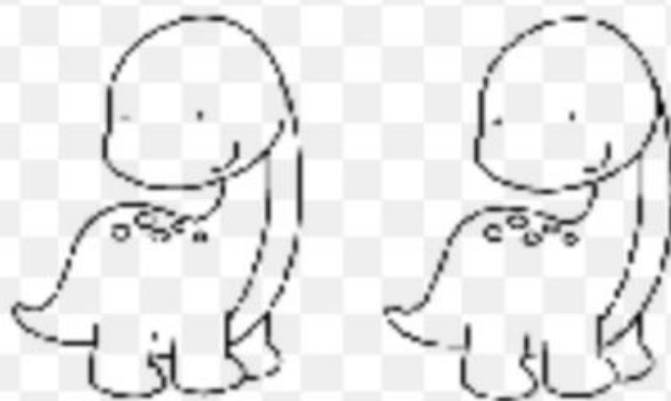
۱. کدام درخت پشت خانه است؟ آن را رنگ بزن.



۲. کدام میمون جلوی ماشین است؟ آن را رنگ بزن.

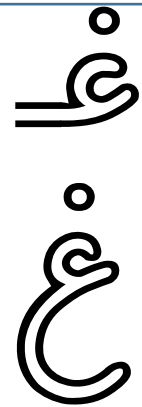
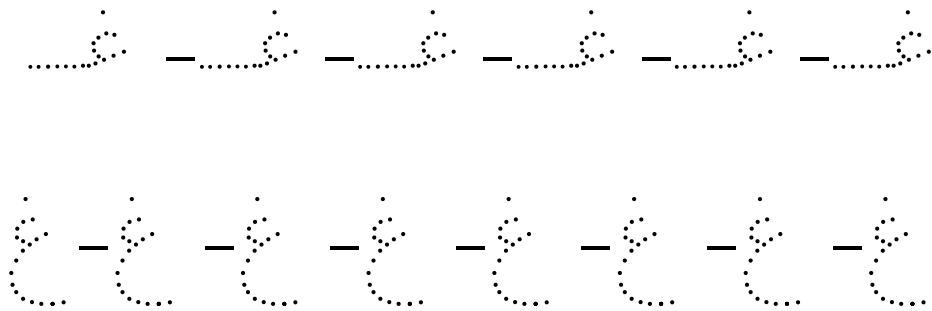


۳. دایناسور سمت راست را رنگ بزن.

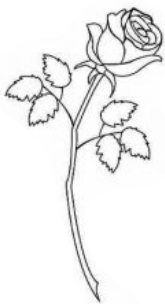


نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

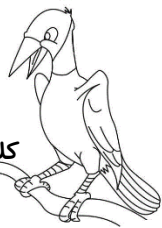
نقطه چین ها را به هم وصل کنید



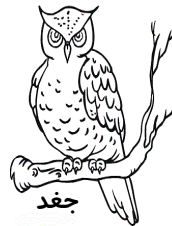
شکل هایی که با صدای (غ) شروع می شوند را رنگ کن



کلاغ



تیغ



جغد



غنچه - غواص - غزال

(غ) را پیدا کن

آموزش حرف غ غ غ غ با شعر

ما چهار تا غین هستیم کنار هم نشستیم
هم تنهایییم، هم چسبان مهربانیم و خندان
آمده ایم در هر جا یک نقطه داریم بالا
نشسته ایم در باغچه آمده ایم در غنچه
در آخر تیغ هستیم در آخر جیغ هستیم
آمده ایم آخر باغ هستیم آخر داغ

غ	ص	ن
ل	ع	ق
غ	آ	گ
ع	غ	آ

پیشنهاد مربی:

قصه باغبان

وقتی من بچه بودم پدر در باغچه ی خانمان چند درخت سیب کاشته بود و یک روز ، من و پدر و مادر به باغچه رفتیم . من یک سیب چیدم ، شستم و خوردم . خیلی خیلی خوشمزه بود . مادر هم یک سیب از درخت چید . شست و خورد و سر تکان داد . پدر هم چشم هایش را بست و سیب را بویید .

مادر پرسید : « آقای باغبان ، به چه فکر می کنید ؟ »

پدر چشمانش را باز کرد و گفت : « به کار های خدا . چند سال پیش نهال های کوچک سیب را در باغچه کاشتیم ؟ از آن روز ما فقط به آن ها آب دادیم و حواسمان اصلا به باغچه نبود . خدا این همه سیب خوشمزه و خوش رنگ را برای ما روی شاخه ها رویاند . باغبان واقعی این باغ . خداست »

من گفتم : « بابا خدا خیلی خوب است »

پدر گفت : « و با یک تشکر با ما دوست می شود . » پدر نگاهی به آسمان کرد و گفت : « خدایا شکر »

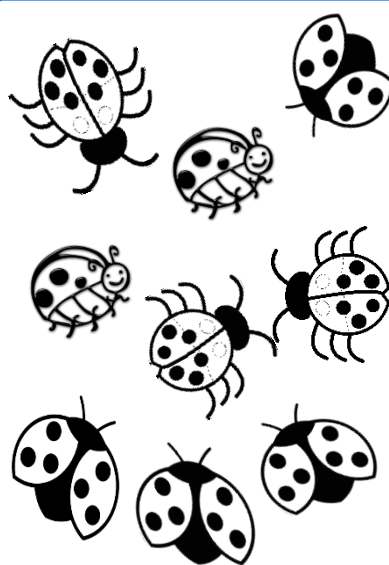
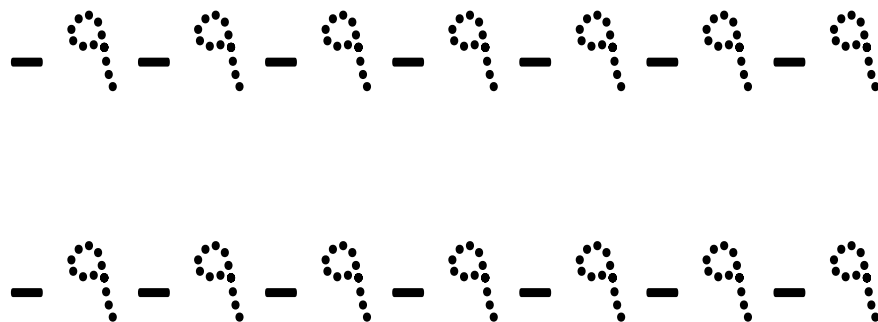
من هم یک سیب دیگر خوردم و گفتم : « خدایا شکر » سیب من حالا خوشمزه تر از سیب اولی بود .

و هو الذی انشا جنات ... او است که باغ هایی آفرید



هدف : آشنایی با مفهوم عدد - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



"۹"

نه پینه دوز مهربون

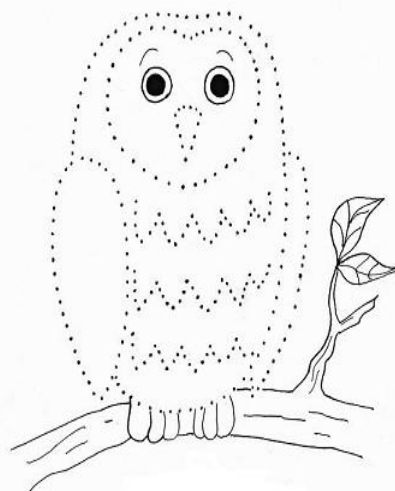
رو گلدونای مادرم!

کفشم اگر پاره بشه

غصه دیگه نمی خورم!

اسمت رو تمرین کن .

به هم وصل کن و رنگ کن



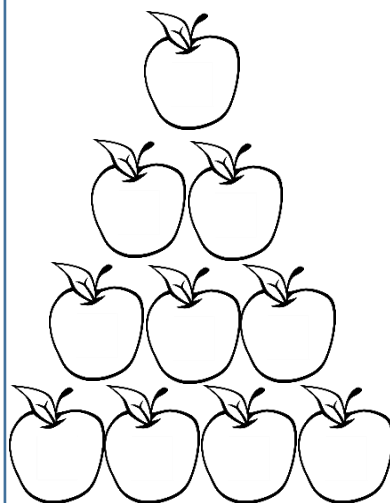
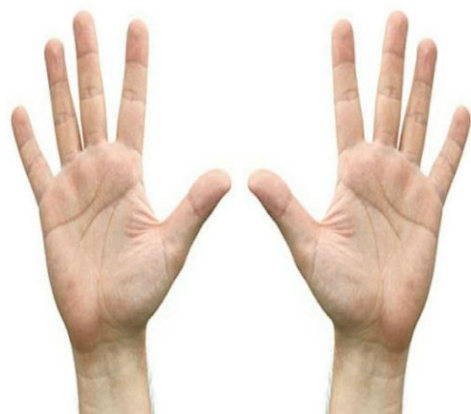
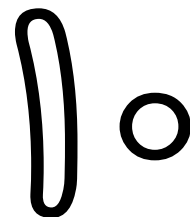
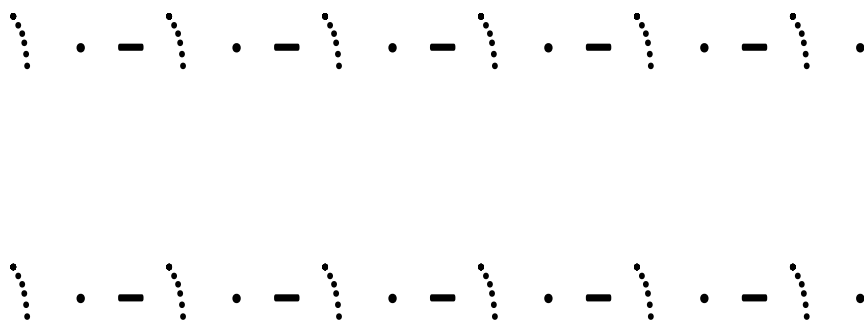
(۹) را پیدا کن

۹ ۵ ۸
۲ ۷ ۴
۱ ۹ ۸
۸ ۵ ۹

پیشنهاد مربی:

هدف : آشنایی با مفهوم عدد - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



"۱۰"

ما ده تاسیب سرخ داریم.

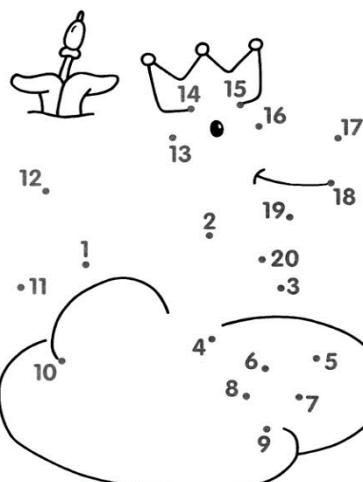
خوش مزه، شیرین و تمیز!

توی سبد گذاشته ایم،

برای مهمون عزیز!

اسمت رو تمرین کن .

به هم وصل کن و رنگ کن



(۱۰) را پیدا کن

۹ ۱۰ ۸
۲ ۵ ۴
۱۰ ۹ ۸
۸ ۵ ۱۰

پیشنهاد مربی:

آموزش

عبارت قرآنی

قرآنی: « لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ »

« هم دیگر را مسخره نکنید. » سوره حجرات آیه ۱۱



نشانه هفته - پیش دیستان فروغ مهر- تاریخ :

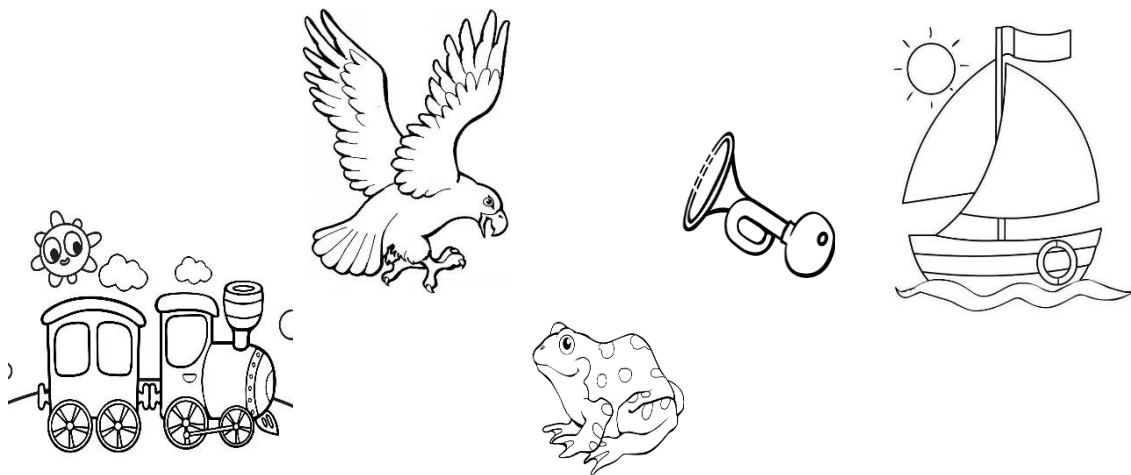
نقطه چین ها را به هم وصل کنید

ق ق ق ق ق ق ق ق ق

۹

၈၉

شکل هایی که با صدای (ق) شروع می شوند را رنگ کن



قطار - قورباغه - قايق

(ق) را پیدا کن

آموزش حرف قق با شعر

ما دو نفر برادر غیر آخر و آخر

قد خمیده داریم در سر دو نقطه داریم

ق غیر آخر را نگاه کن کنار قند و قندون

ق آخر چه خسته توی اُتاق نشسته

ق ج ف

ذ ب ق

ق آ گ

ع غ آ

پیشنهاد مرتبی:



بز همه چی دان

یکی بود و یکی نبود بزی بود شیطون و بلا ، هرچیزی که سر راعش می دید ، گاز میزد و می خورد به او می گفتند : بز همه چی خوار

یک روز دلش حسابی درد گرفت . آه کرد ناله کرده همه حیوان ها دورش جمع شدند هر کس به او چیزی داد ، ولی دل دردش خوب نشد بزی با خودش گفت : توی شهر دکتر هست باید بروم شهر از رود گذشت . از جنگل گذشت از کوه گذشت و به شهر رسید رفت پیش دکتر دکتر به او شربت داد بزی شربت را خورد . دکتر پرسید : دل دردت خوب شد ؟ بزی گفت : بله ، ولی حالا پایم درد می کند دکتر گفت چون زیاده راه رفته ای . کمی استراحت کنی درد پاهایت خوب میشوند . بزی بات ناراحتی پرسید . اگر باز هم مشکلی داشتم باید این همه راه را بپایم ؟ دکتر کمی فکر کرد و بعد یک کتاب بزرگ به او داد و گفت : میتوانی از این کمک بگیری . بزی کتاب را برداشت و با خوش حالی راه افتاد . از کوه گذشت . از جنگل گذشت و به دشت رسید . زود کتاب را باز کرد و خواند .

وقتی کسی دلش درد می گرفت بزی کتاب را باز میکرد . عکس گلی را نشان میداد و می گفت : کنار رود این گل نارنجی هست و آن را بچین و بخور

اگر کسی سرش درد می گرفت عکس گا قرمز را نشان میداد و میگفت : این گل بالای کوه هست آن را بچین و بخور . از آن بعد همه به او میگفتند : بز همه چی دان

شعریه باغ پر درخت

باغ قشنگ قران
رویده است در آن
گل ، آیه های آن است
حرف خدای داناست

یک باغ پر درخت است
گل های بی شماری
هر سوره ، یک درخت است
باغ و درخت و گل ها





آشنایی یا کسب علم به عنوان یکی از فواید مطالعه ی کتاب

کتاب

تتها نشسته بودیم	یک روز در اتاقم
غمگین و خسته بودم	بی حال و کم حوصله
چند تا کتاب قصه	برادرم به من داد
دوری بکن ز قصه	گفت بخوان برادر
خوش حال و شاد خواندم	من آن کتاب هارا
از قلب خویش راندم .	با قصه ، غصه ها را



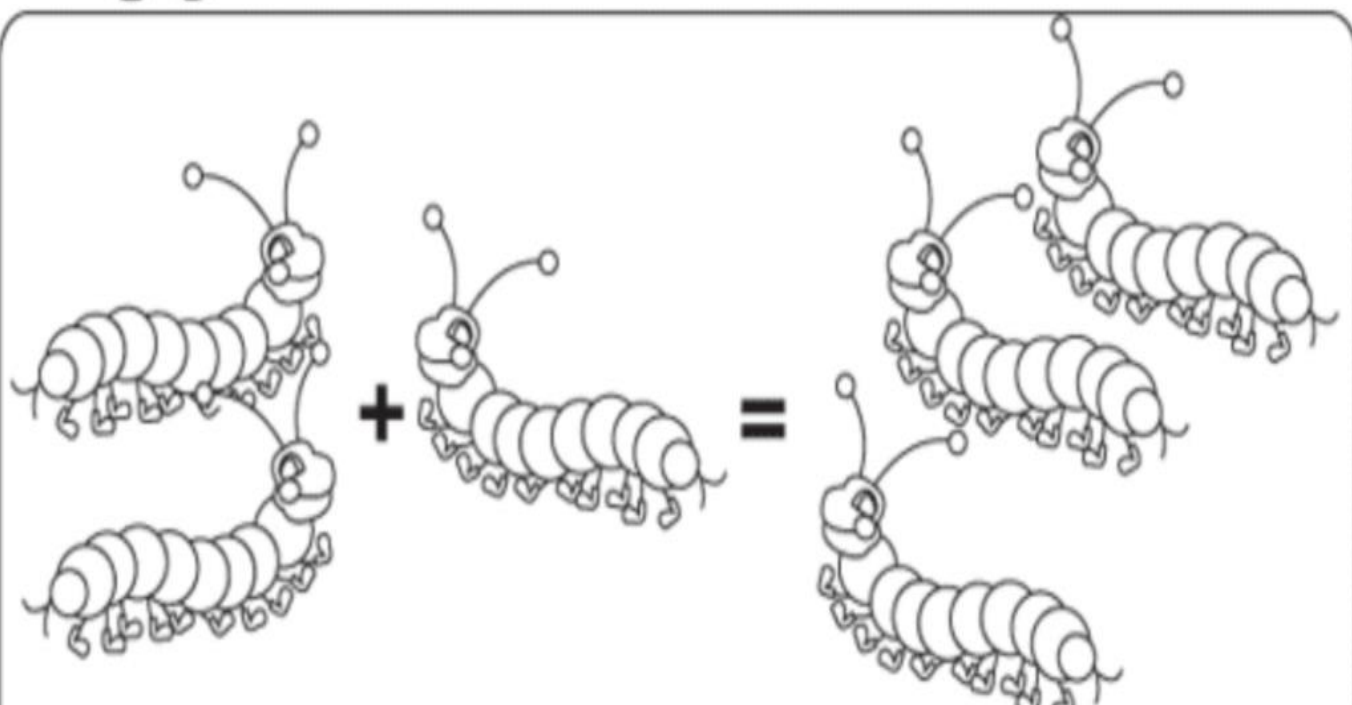
آشنایی با کسب علم

- پاسخ گویی به سوالات از نوع باز
- واکنش صحیح به هنگام شادی
- شکر گذاری از خداوند
- گوش دادن به سخنان دیگران

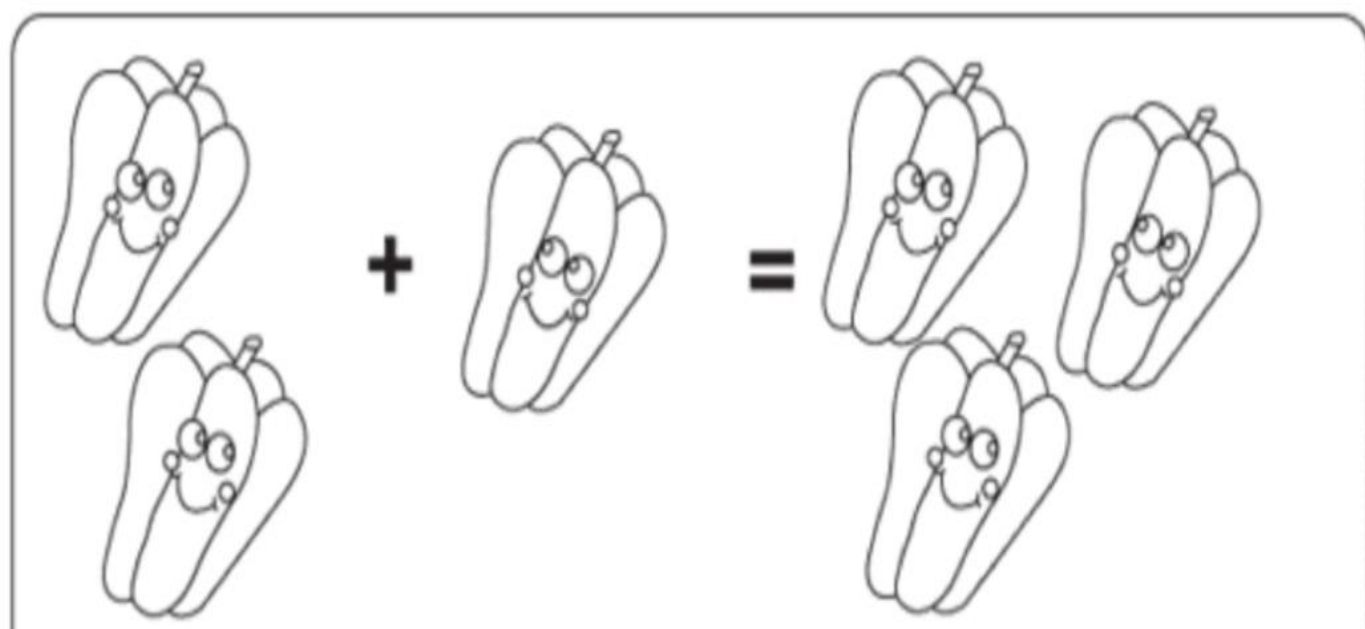


نقاشی کتاب فروشی





2 + 1 = 3

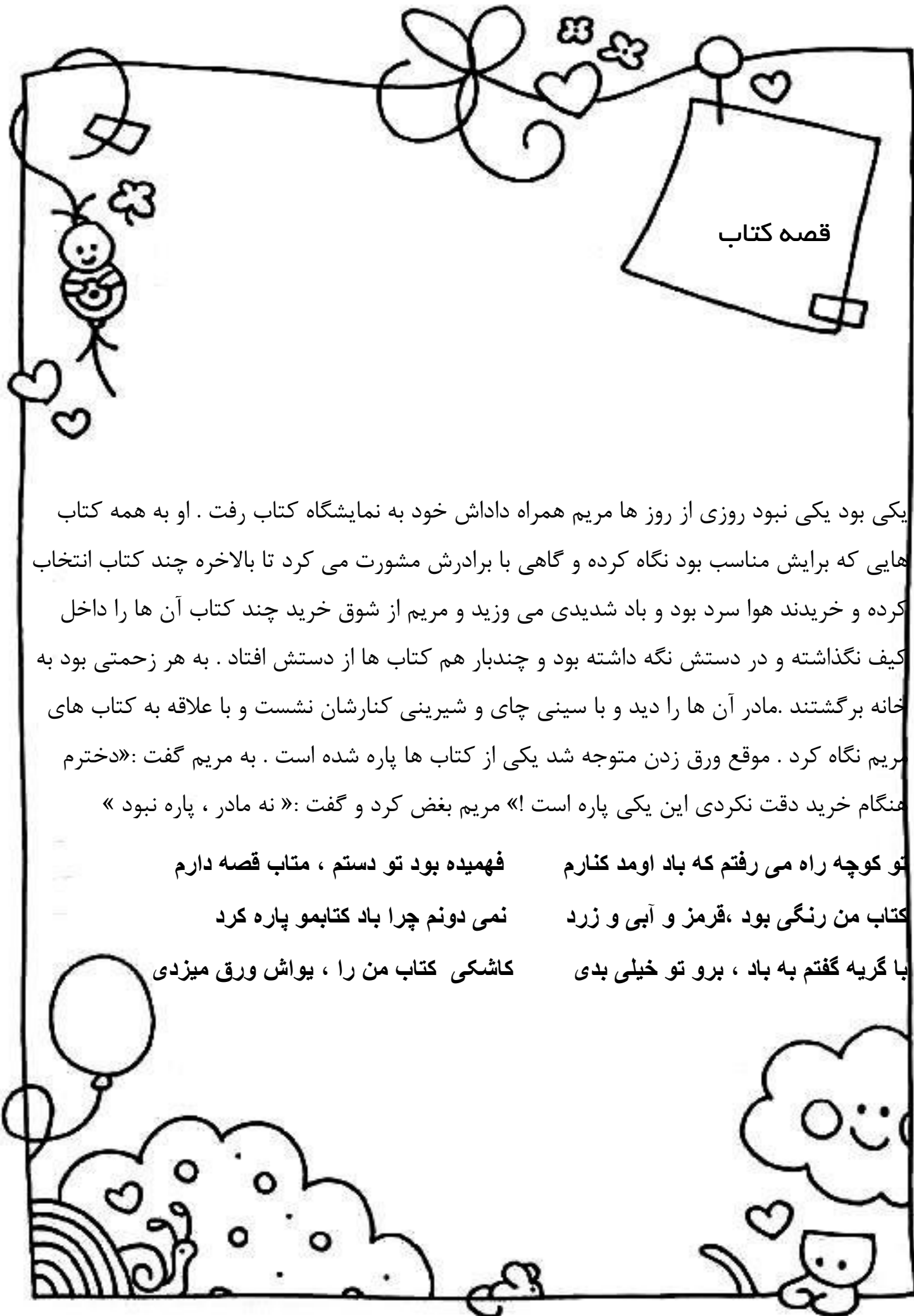


2 + 1 =

هفته دوم اسفند

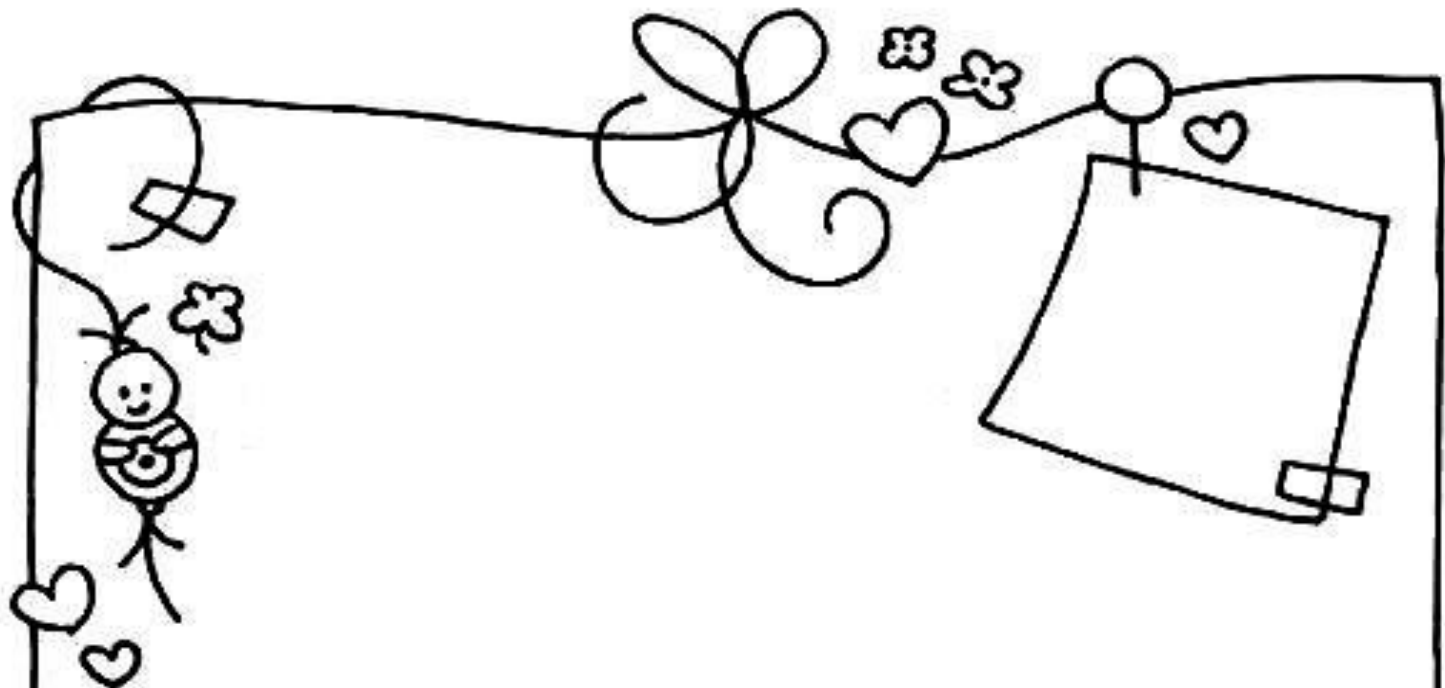
آموزش سوره ماعون



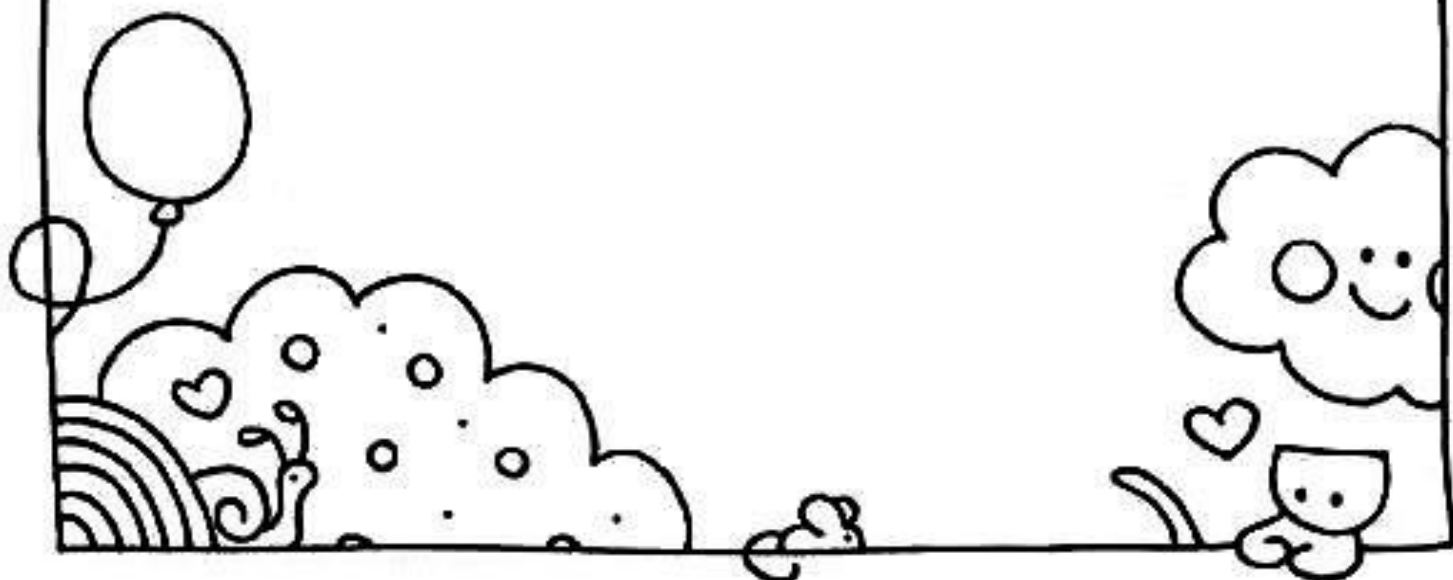


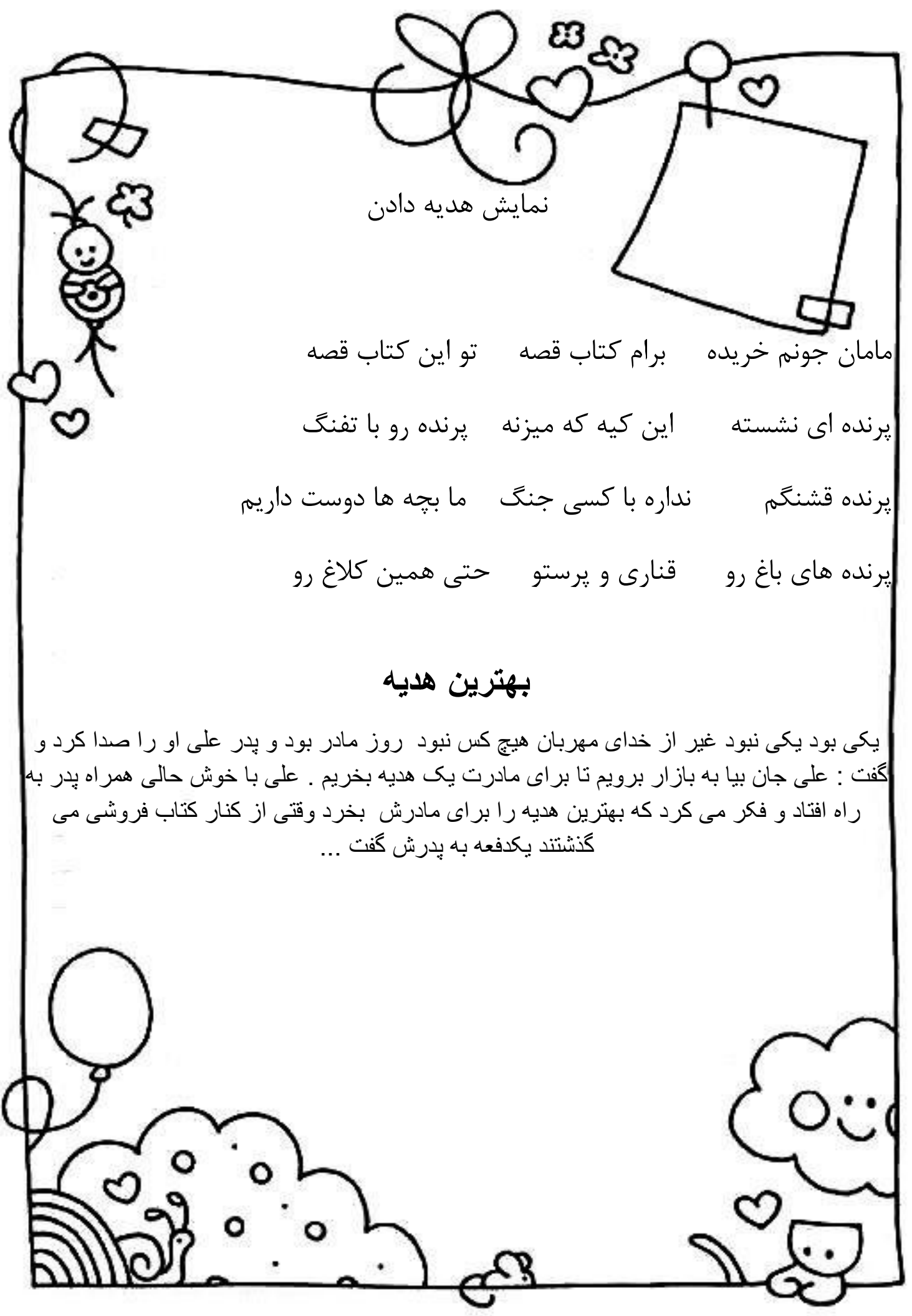
یکی بود یکی نبود روزی از روز ها مریم همراه داداش خود به نمایشگاه کتاب رفت . او به همه کتاب هایی که برایش مناسب بود نگاه کرده و گاهی با برادرش مشورت می کرد تا بالاخره چند کتاب انتخاب کرده و خریدند هوا سرد بود و باد شدیدی می وزید و مریم از شوق خرید چند کتاب آن ها را داخل کیف گذاشته و در دستش نگه داشته بود و چندبار هم کتاب ها از دستش افتاد . به هر زحمتی بود به خانه برگشتند . مادر آن ها را دید و با سینی چای و شیرینی کنارشان نشست و با علاقه به کتاب های مریم نگاه کرد . موقع ورق زدن متوجه شد یکی از کتاب ها پاره شده است . به مریم گفت : «دخترم هنگام خرید دقت نکردی این یکی پاره است !» مریم بغض کرد و گفت : « نه مادر ، پاره نبود »

فهمیده بود تو دستم ، متاب قصه دارم	تو کوچه راه می رفتم که باد اومد کنارم
نمی دونم چرا باد کتابمو پاره کرد	کتاب من رنگی بود ، قرمز و آبی و زرد
کاشکی کتاب من را ، یواش ورق میزدی	با گریه گفتم به باد ، برو تو خیلی بدی



مادرش خندید و گفت : آفرین دخترم چه شعر قشنگی خواندی ! از کجا یاد گرفتی ؟ مریم گفت :
مادر جان از کسی یاد نگرفتم در راه آمدن به خانه از ذهنم گذشت مادرش گفت : مریم جان تو
استعداد شعر سرودن داری خیلی عالی است . و بعد مادر دفتری آورد و شعر مریم را در اولین
صفحه ی آن نوشت و زیر شعر نوشت «مریم هاشم پور » و به مریم گفت از این پس شعر
هایت را بگو در این دفتر بنویسم تا در آخر کتاب شعری داشته باشی . مریم از اینکه کاری مورد
علاقه مادرش انجام داده بود بسیار خوشحال شد و تصمیم گرفت از این پس مواظب کتاب
هایش باشد و به مادرش قول داد این ماجرا را در کلاس برای دوستانش به عنوان
یک تجربه و خلق داستان تعریف کند





نمایش هدیه دادن

مامان جونم خریده برام کتاب قصه تو این کتاب قصه

پرنده ای نشسته این کیه که میزنه پرنده رو با تفنگ

پرنده قشنگم نداره با کسی جنگ ما بچه ها دوست داریم

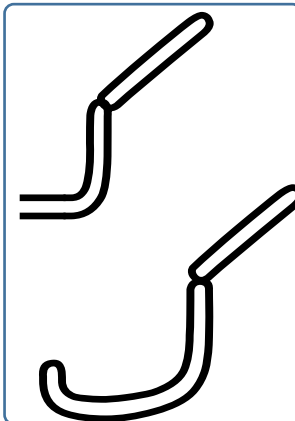
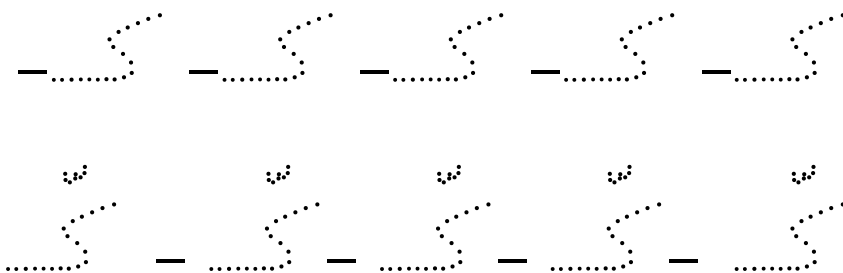
پرنده های باغ رو قناری و پرستو حتی همین کلاغ رو

بهترین هدیه

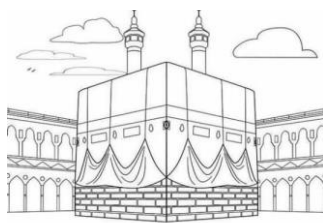
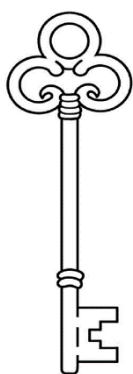
یکی بود یکی نبود غیر از خدای مهربان هیچ کس نبود روز مادر بود و پدر علی او را صدا کرد و گفت : علی جان بیا به بازار برویم تا برای مادرت یک هدیه بخریم . علی با خوش حالی همراه پدر به راه افتاد و فکر می کرد که بهترین هدیه را برای مادرش بخرد وقتی از کنار کتاب فروشی می گذشتند یکدفعه به پدرش گفت ...

نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



شکل هایی که با صدای (ک) شروع می شوند را رنگ کن



کلید - کدو - کندو

(ک) را پیدا کن

شعر حروف الفبا برای حرف ک ک

من ک آخر هستم - همیشه آخر هستم

دوستم ک غیر آخر - هیچ وقت نیامد آخر

اول کمرو هستم - اول کمسو هستم

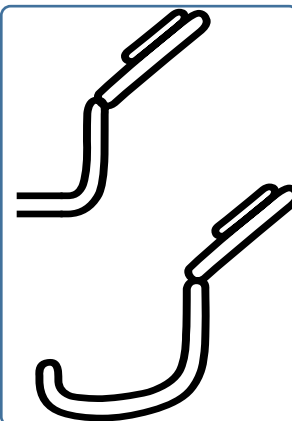
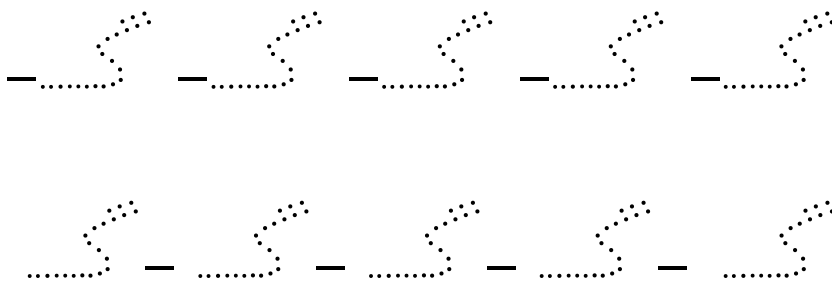
آمده ام آخر باک - نشسته ام آخر ساک

س ک آ
ک ب ق
م آ گ
ع غ ک

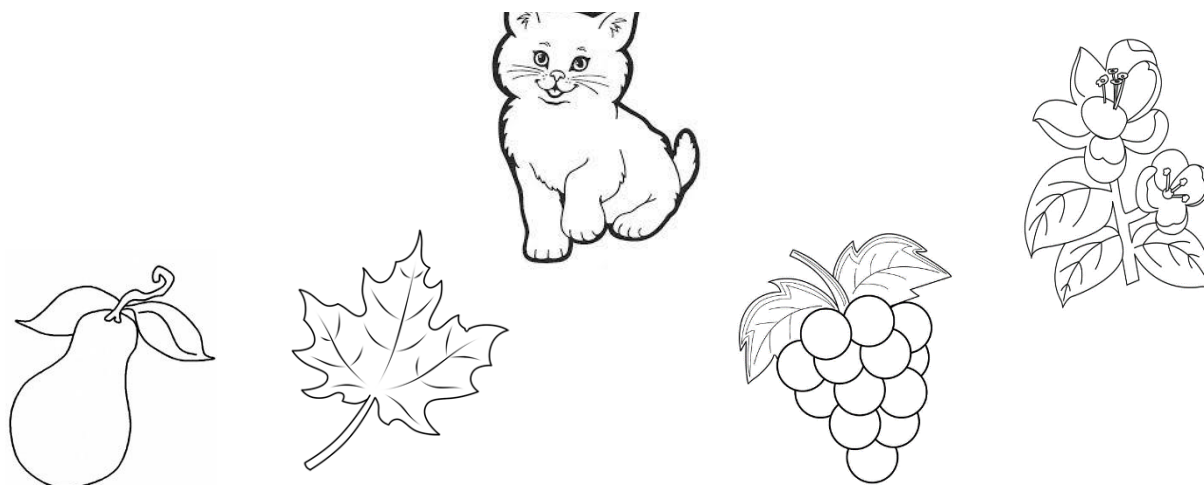
پیشنهاد مربی:

نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



شکل هایی که با صدای (گ) شروع می شوند را رنگ کن



گلابی - گربه - گل

(گ) را پیدا کن

آموزش نشانه گ با شعر

گل با گلدون اوامده - گ با مامان اوامده

گ یه گل سر داره - اونو رو سر میزاره

گ وسط آنگوره - گ آخر، با زنگه

گ، آخر میاد زرنگه

گ ک آ
ک گ ق
م آ گ
گ غ ک

پیشنهاد مربی:

NAME: _____
 DATE: _____



$$3 - 2 = \underline{\quad}$$



$$3 - 2 = \underline{\quad}$$



هفته سوم اسفند

مرور و تثبیت

قصه کسب علم

یکی بود یکی نبود دو کتاب در کتابخانه به هم رسیدند و ضمن سلام و احوال پرسى با هم ، کتاب اولی گفت : مرا میشناسی ؟ من دوست مهربان ، دانا و خوش زبان هستم همه را نصیحت میکنم من دوست هنرمند و پر فایده هستم تو از من دور مباش زیرا من بسیار مهربان هستم . کتاب دومى گفت :

من مهربان یولداشام خوش دانیشان یولداشام

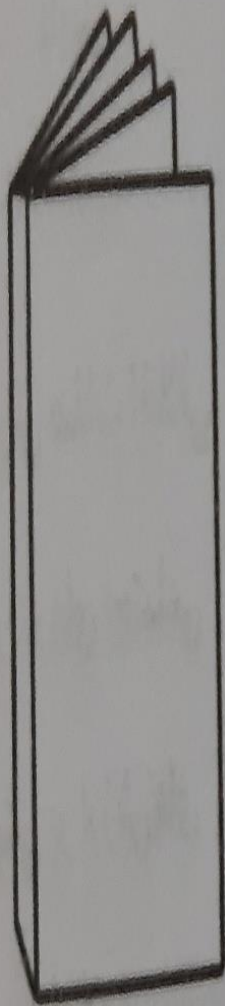
چوخ سوزلر دییرم نصیحت لر وئررم

من چوخ بیلن یولداشام من هنرلى یولداشام

چوخ فایدالى یولداشام مندن اوزاخ اولماسن

من مهربان یولداشام

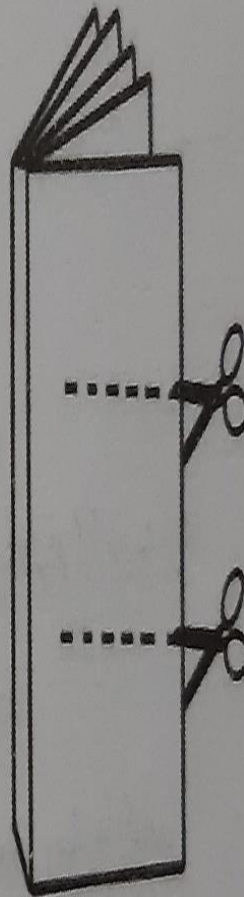
آن ها باهم گفتو گو میکردند در حالى که به محاسن خود افتخار میکردند غرورشان باعث شد که باهم دعوا کنند . در این لحظه کتابدار از راه رسید و او به حرف های گوش و کرد و خندید و گفت : شما هر دو یک حرف میزنید فقط زبان شما فرق می کند اولی به زبان فارسی و دومى به زبان مادری (آذرى) همان حرف ها را تکرار می کند شما هر دو یک حرف و یک تعریف از خود می کنید فقط زبان شما متفاوت است کتاب ها از کتابدار تشکر کردند و که آن ها را متوجه مفهوم کلام شان کرده است . هر دو باهم دست دادند و رو بوسی کرده و آشتی کردند .



(۱)



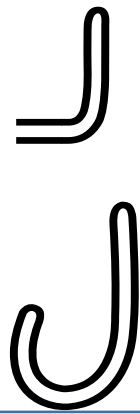
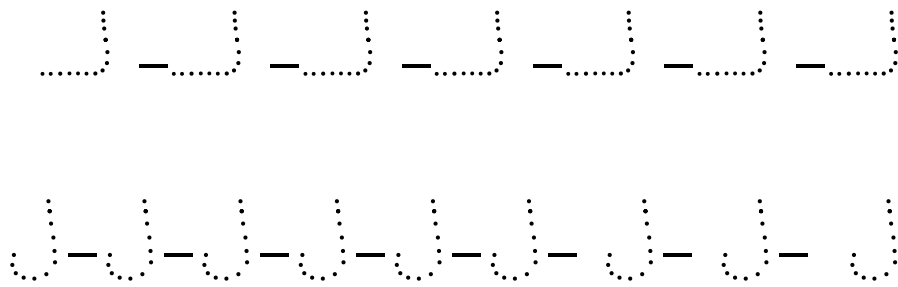
(۲)



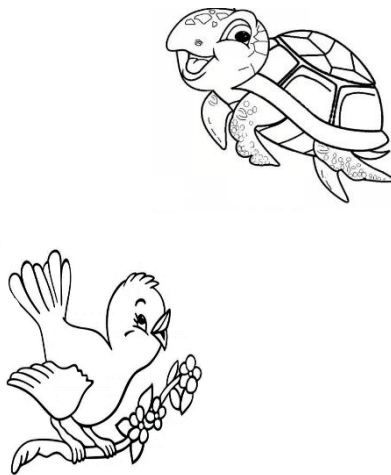
(۳)

نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید



شکل هایی که با صدای (ل) شروع می شوند را رنگ کن



لاله - لاک پشت - لک لک

آموزش حرف ل با شعر

ل ل ل، ل هستم من ، ل آخر هستم
آخر سال، آخر شال، آخر مال نشستم
با دو تا شکل زیبای من دوست بلب هستم
آخر گل، آخر کل، آخر سنبل نشستم

(ل) را پیدا کن

گ ک ل
ل گ ق
م آ گ
گ غ ل

پیشنهاد مربی:

هفته سوم فروردین

آموزش سوره تبت



نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

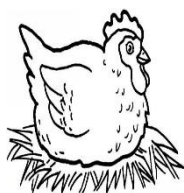
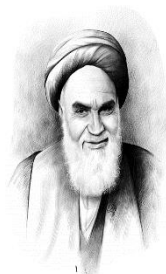
نقطه چین ها را به هم وصل کنید

..... - - - - -

م - م - م - م - م - م - م - م - م - م



شکل هایی که با صدای (م) شروع می شوند را رنگ کن



مرغ - ماشین - میمون

(م) را پیدا کن

آموزش حرف ی م م با شعر

بچه ها جون سلام سلام ، دارم براتون یک پیام

ما هستیم دو تا برادر غیر آخر و آخر

من م آخر هستم همیشه آخر هستم

دوستم م غیر آخر هیچ وقت نمیداد آخر

آمده ایم در هر جا کشیده داریم صدا

س م ج

ل گ ق

م آ ض

چ غ ل

پیشنهاد مربی:

شعر نخود

یه دونه ی نخود بود
همش می گفت که ای کاش
مورچه ی شاد و شنگول
هلونه و بونه
نخود رو برد به خونه
غذای مورچه ها شد
که گوشه ی کمد بود
من برم توی آش
گرفت اونو روی کول
نخود رو برد به خونه
غذای مورچه ها شد



فعالیت علمی نمایش بعد از غذا

- آموزش :
- آشنایی با آداب بعد از غذا خوردن
- انجام صحیح فعالیت هایچون : چشیده
- مشارکت پذیری در فعالیت ها



« قصه مهمان خجالتی »

قصه لابیات

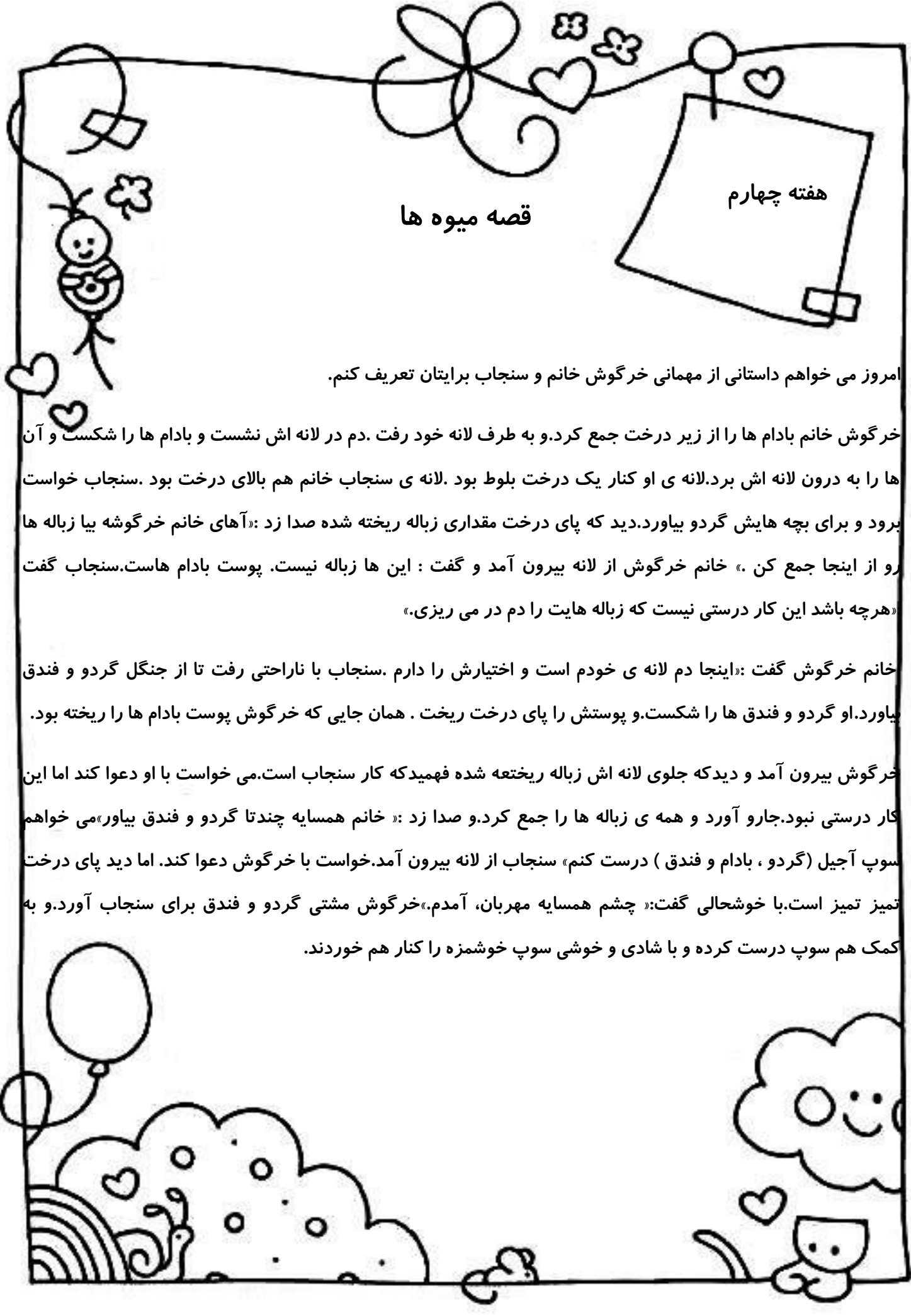
مامان توی آشپز خانه ظرف می شوید. هوا خیلی گرم است در اتاق باز است. من حیاط خانه را تماشا می کنم، مهمان برایمان می رسد. اما نمی آید تو دم در می ایستد. هرچه به او می گویم « بفرمایید تو، دم در بد است » گوش نمی دهد فقط سرش را بالا کرده است و نگاه می کند. فکر می کنم منتظر است تا مامان به او بگوید بفرمایید تو. آن وقت او دیگر خجالت نمی کشد. داد می زنم « مامان! مامان!... »

مامان نمی شنود. می ترسم بروم توی آشپزخانه و او برود. چشم های سبزش را می بندد و باز می کند. من هم همین کار را می کنم. او باز هم این کار را می کند من هم شکل او را در می آورم. با هم بازی می کنیم. انگار با من دوست شده است.

مامان از توی آشپز خانه داد می زند: « شیر که نمی خوری! چی می خوری برایت بیاورم؟ » من جواب نمی دهم. مامان می آید نزدیک و می گوید: « چرا جواب نمی دهی؟ » می گویم: « هیس! مهمان داریم؛ اما کمی خجالتی است. » مامان می خندد و می گوید: « پیشی پیشی جان، بیا تو... و گربه آرام آرام جلو می آید. مهمان ما کمی می ترسد. مامان می رود توی آشپزخانه. کمی بعد برمیگردد. یک سینی توی دستش است. توی سینی دو پیوان شیر است. و یک کاسه پر از شیر.

مامان می گوید: « بفرمایید مهمان جان! » و کاسه ی شیر را می گذارد دم در. مامان می گوید: « بخوریم که او خجالت نکشد. » من و مامان هم می خوریم. او هم تند تند لیس می زند. انگار خیلی گرسنه است. می گویم: « مامان شیر خیلی خوشمزه است. »

پیشی سرش را بالا می کند. او هم خوشش آمده است. چند بار میو میو می کند. می خواهد برود. می گوینم: « باز هم بیا اینجا، پیشی جان » می ایستد نگاهم می کند. چند بار دمش را تکان می دهد. فکر کنم قول می دهد که بیاید. می گویم مامان شیر بخر. تا همیشه برای خودمان و مهمان هایمان شیر داشته باشیم.



قصه میوه ها

هفته چهارم

امروز می خواهم داستانی از مهمانی خرگوش خانم و سنجاب برایتان تعریف کنم.

خرگوش خانم بادام ها را از زیر درخت جمع کرد. و به طرف لانه خود رفت. دم در لانه اش نشست و بادام ها را شکست و آن ها را به درون لانه اش برد. لانه ی او کنار یک درخت بلوط بود. لانه ی سنجاب خانم هم بالای درخت بود. سنجاب خواست برود و برای بچه هایش گردو بیاورد. دید که پای درخت مقداری زباله ریخته شده صدا زد: «آهای خانم خرگوشه بیا زباله ها رو از اینجا جمع کن.» خانم خرگوش از لانه بیرون آمد و گفت: این ها زباله نیست. پوست بادام هاست. سنجاب گفت: «هرچه باشد این کار درستی نیست که زباله هایت را دم در می ریزی.»

خانم خرگوش گفت: «اینجا دم لانه ی خودم است و اختیارش را دارم. سنجاب با ناراحتی رفت تا از جنگل گردو و فندق بیاورد. او گردو و فندق ها را شکست. و پوستش را پای درخت ریخت. همان جایی که خرگوش پوست بادام ها را ریخته بود.

خرگوش بیرون آمد و دید که جلوی لانه اش زباله ریخته شده فهمید که کار سنجاب است. می خواست با او دعوا کند اما این کار درستی نبود. جارو آورد و همه ی زباله ها را جمع کرد. و صدا زد: «خانم همسایه چندتا گردو و فندق بیاور» می خواهم سوپ آجیل (گردو، بادام و فندق) درست کنم» سنجاب از لانه بیرون آمد. خواست با خرگوش دعوا کند. اما دید پای درخت تمیز است. با خوشحالی گفت: «چشم همسایه مهربان، آمدم.» خرگوش مشت گردو و فندق برای سنجاب آورد. و به کمک هم سوپ درست کرده و با شادی و خوشی سوپ خوشمزه را کنار هم خوردند.

نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید

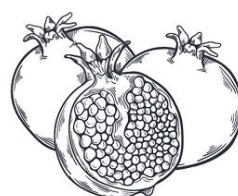
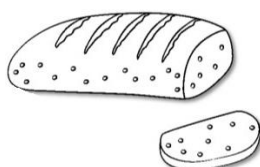
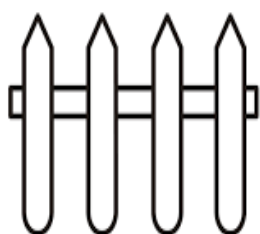
..... - - - - - -

..... - - - - - - -

ن

ن

شکل هایی که با صدای (ن) شروع می شوند را رنگ کن



نرده - نان - نخ

(ن) را پیدا کن

آموزش نشانه ن با شعر

ما دو نفر برادر غیر آخر و آخر

شکلی داریم خمیده صدا داریم کشیده

دو شکل خوشگل داریم یک نقطه در دل داریم

در اول نان هستیم در آخر باران هستیم

س ن ج

ل گ ق

ن آ ض

چ غ ن

پیشنهاد مربی:

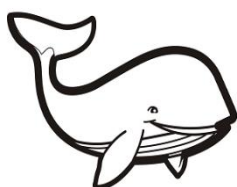
نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید

و و و و و و و و

و

شکل هایی که با صدای (و) شروع می شوند را رنگ کن



وال - ورزش - وان

(و) را پیدا کن

شعر حروف الفبا برای حرف و

یک شکل دارم، تنهایم

کشیده است، صدایم

من که یک شکلی هستم

در همه جا نشستم

آمده ام در باور

درسرو نشستم آخر

س و ج

م گ ق

ن ی و

و غ ل

پیشنهاد مربی:

فعالیت علمی تخم مرغ

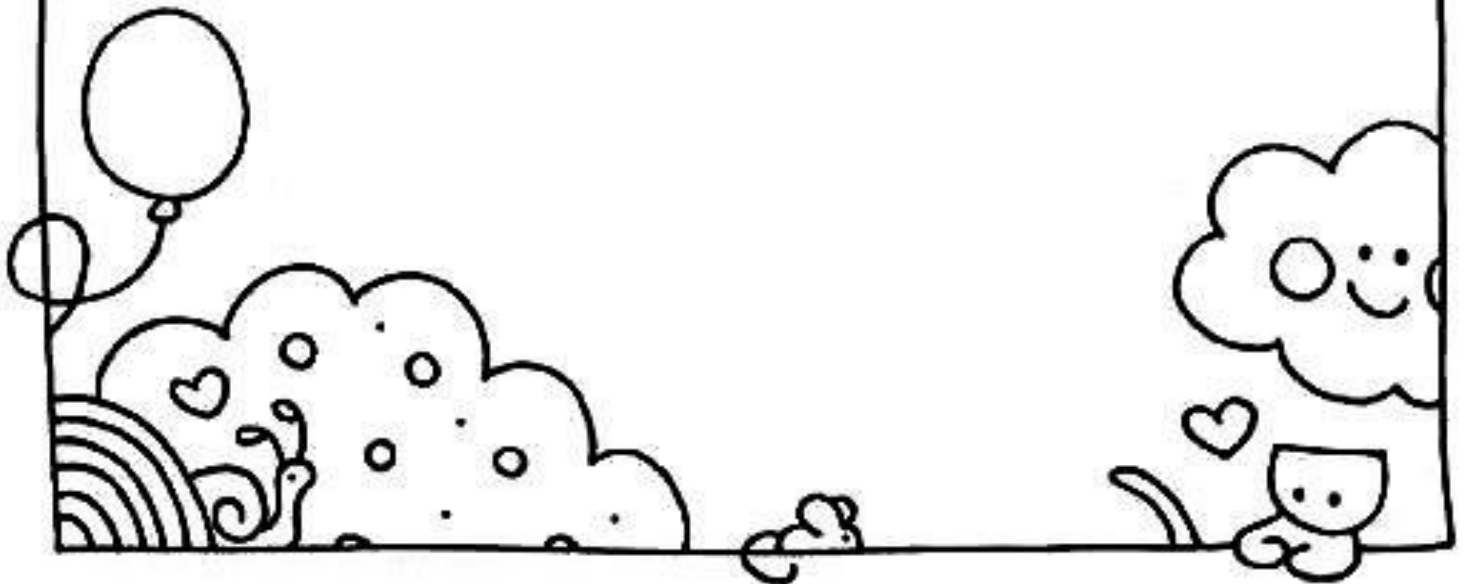
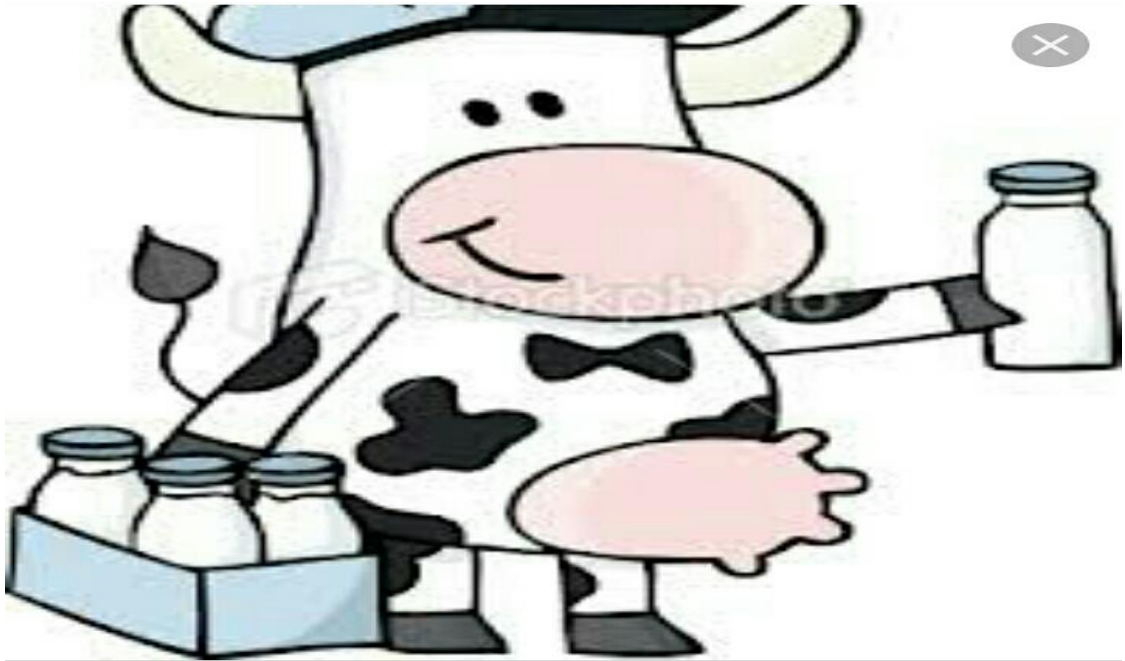
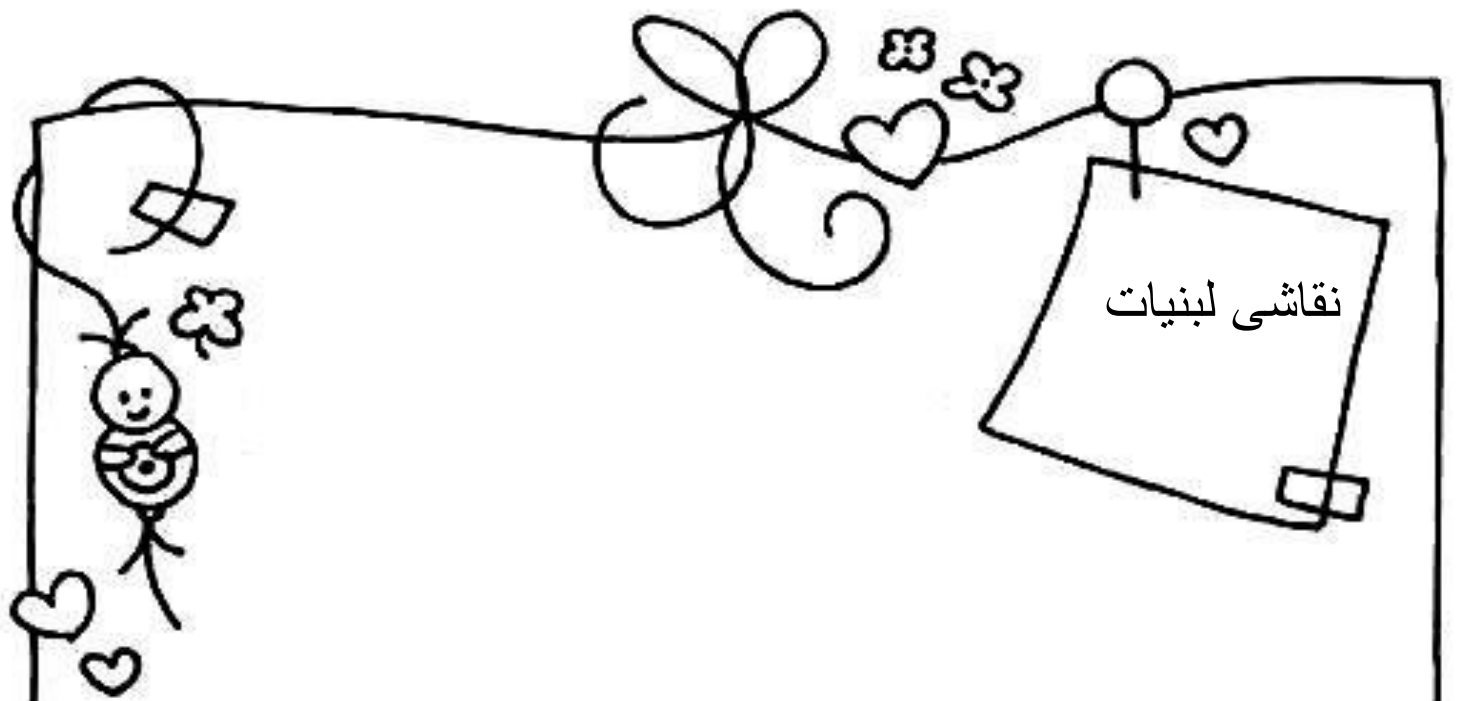
- هدف محتوایی : آشنایی با تخم مرغ و موارد استفاده آن در تهیه انواع غذا ها
- رعایت بهداشت هنگام غذا خوردن
- تشخیص رنگ ها ، طعم ها ، بو ها ، زبری و نرمی (در مورد تخم مرغ)



نمایش عسل

شیره و شیره عسل و کره کاهو و کلم
ترب و تره چلو و پلو میخورم و قوی میشم
بزرگ میشم ، قوی میشم تا وقتی جستم به هوا
دست بزنم به شاخه ها





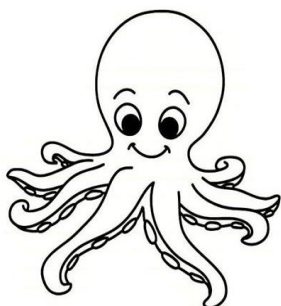
نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید

..... - - - -



شکل هایی که با صدای (ه) شروع می شوند را رنگ کن



هشت پا - هشت - هندوانه

(ه) را پیدا

آموزش حرف هـ هـ هـ با شعر

ماه ستاره ها مهتاب نه

هـ اول هـ وسط هـ آخر چسبان هـ آخر تنها

ما، چهار تابراذر - وسط و غیر آخر

هم اول و هم آخر - هم تنهائیم، هم چسبان

مهربانیم و خندان

می گوییم، ای بچه ها

کشیده است این صدا

هـ و ج
م گ هـ
ن هـ و
و هـ هـ

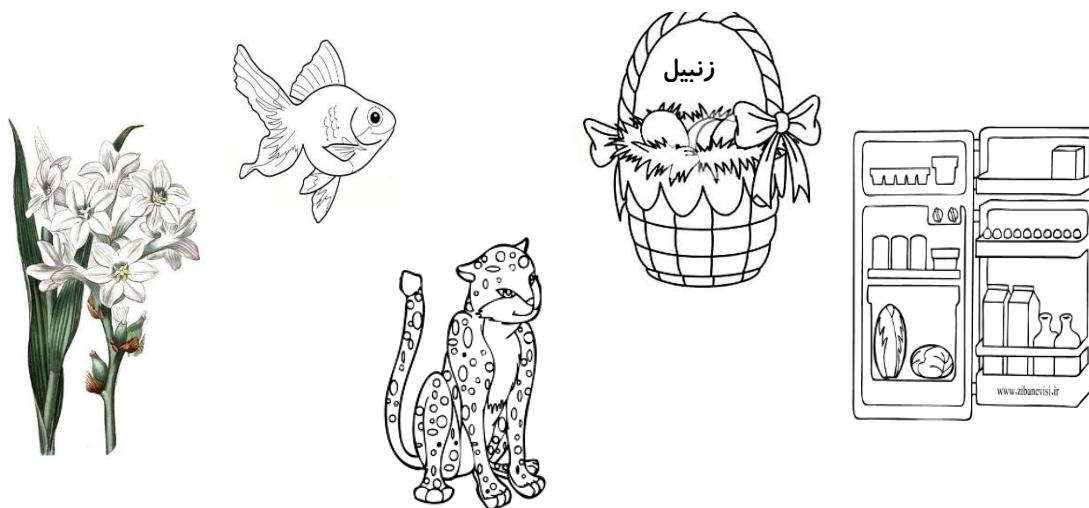
پیشنهاد مربی:

نشانه هفته - پیش دبستان فروغ مهر - تاریخ :

نقطه چین ها را به هم وصل کنید

$$\begin{array}{c} \bullet \\ \diagup \quad \diagdown \\ \bullet \quad \bullet \\ \diagdown \quad \diagup \\ \bullet \end{array} \quad \cdots \quad \begin{array}{c} \bullet \\ \diagup \quad \diagdown \\ \bullet \quad \bullet \\ \diagdown \quad \diagup \\ \bullet \end{array} = \begin{array}{c} \bullet \\ \diagup \quad \diagdown \\ \bullet \quad \bullet \\ \diagdown \quad \diagup \\ \bullet \end{array} \quad \cdots \quad \begin{array}{c} \bullet \\ \diagup \quad \diagdown \\ \bullet \quad \bullet \\ \diagdown \quad \diagup \\ \bullet \end{array} = \begin{array}{c} \bullet \\ \diagup \quad \diagdown \\ \bullet \quad \bullet \\ \diagdown \quad \diagup \\ \bullet \end{array} = \begin{array}{c} \bullet \\ \diagup \quad \diagdown \\ \bullet \quad \bullet \\ \diagdown \quad \diagup \\ \bullet \end{array}$$


شکل هایی که با صدای (ی) شروع می شوند را رنگ کن



ياس- يوزيلنگ - يخچال

(ی) را پیدا کن

شعر حروف الفبا برای حرف یی

ما دو نفر برادر غیر آخر و آخر

دو شکل داریم بچه ها کشیده داریم صدا

من ی آخر هستم همیشه آخر هستم

دوستم یہ غیر آخر هیچ وقت نیماں آخر

یہ غیر آخر منم رو خط دنبالہ دارہ منم

دو نقطه داریم در پایین شکل من را خوب ببین

پ ل ج

م گ ی

فی ش

ی ه ہ

پیشنهاد مرتبی:

قصه هلال احمر

تعطیلات نوروز بود. زهره با پدر و مادرش به مهمانی مر رفتند. پدر زهره رانندگی می کرد. زهره با هیجان خاص و با صدای بلند گفت: مامان چه ساختمان بزرگی، چقدر ماشین آمبولانس و وانت. وای چقدر آدم که روپوش سفید پوشیده اند. مادر نگاه کن همه ی ماشین ها و آدم ها عکس ماه قرمز را به خود زده اند. حتی کیف هایشان هم مثل هم است. و عکس ماه دارد. بابا همه ی این ها در یک مدرسه درس می خوانند. که لباس ها و کیف هایشان مثل هم است؟

پدر ماشین را کنار خیابان نگه داشت. زهره را از ماشین پیاده کرد و گفت: بیا با هم برویم و از نزدیک با آن ها آشنا بشویم. آن ها نزدیکی از آقایان که لباس سفید با نشانه ی هلال ماه قرمز به تن داشت رفتند و پس از سلام گفتن و تبریک عید از ایشان خواستند تا خود را معرفی کرده و در مورد کارشان توضیح دهند.

آقای مهربان دستی به سر زهره کشید و گفت دختر خوبم از اینکه به اطراف خود توجه داری و دوست داری بیشتر بدانی بسیار خوشحال هستم. این نشانه که روی لباس، کیف و ماشین های ما می بینی، نشانه ی کمک کردن است. همه ی این خانم ها و آقایان دور هم جمع شده اند تا به آن هایی که در جنگ، زلزله، سیل یا آتش سوزی زخمی شده یا خانه هایشان خراب می شود کمک کنند. ما به آسیب دیدگان چادر می دهیم تا در آن زندگی کنند غذا و آب می رسانیم و دارو هدیه می دهیم. و این هلال ماه قرمز علامت شناسایی این آدم های یاری رسان است. و نامش هلال احمر است. و ما حالا آماده ایم تا هدایای ملت را به زلزله زدگان و ورزقان که یکی از شهرهای استان ما است برسانیم. ما سلام شما را هم به آن کودکان خواهیم رساند.

زهره هم عروسکی را که در بغل داشت به آقای کمک رسان داد تا به کودک زلزله زده هدیه دهد.

نمایش
پلیس مهربان

منم پلیس

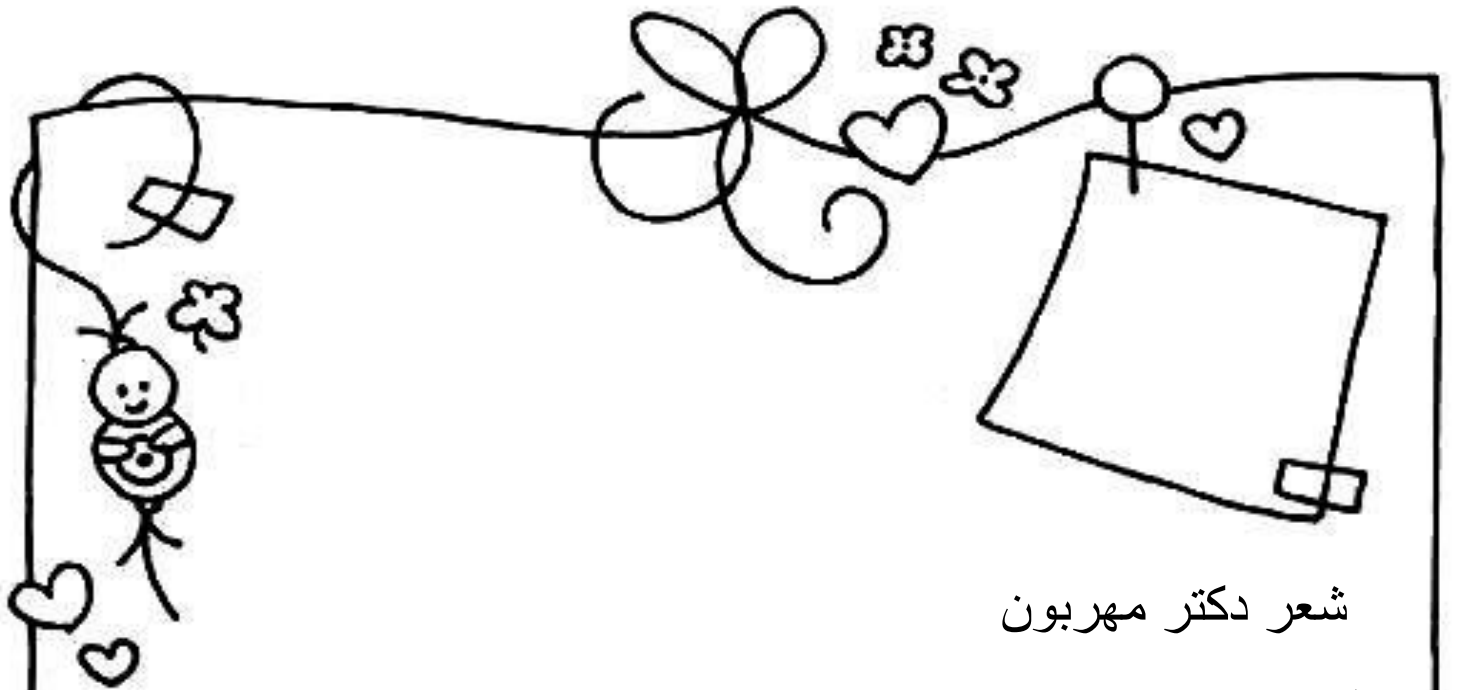
قطار قطار فشنگ دارم
خواب نمیداد به چشم من
مواظب شهر مونم
یا مردم آزاری کنه
می گیرمش با این تفنگ

کیم ، چیم ، تفنگ دارم
شب ها که مردم می خوابن
همیشه بیدار می مونم
هرکی خلافکاری کنه
بهو میرم مثل پلنگ





نقاشی راننده



شعر دکتر مهربون

درد منو میبینه

دکتر چه مهربونه

زخم منو میبند

با شوخی و با خنده

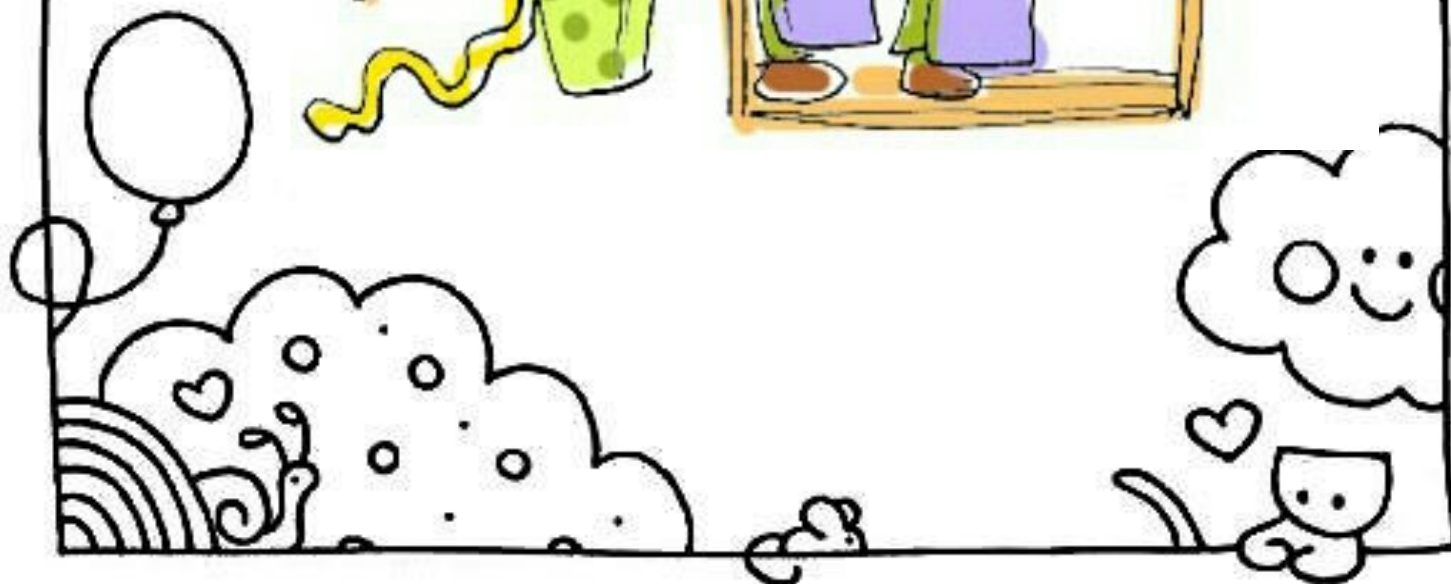
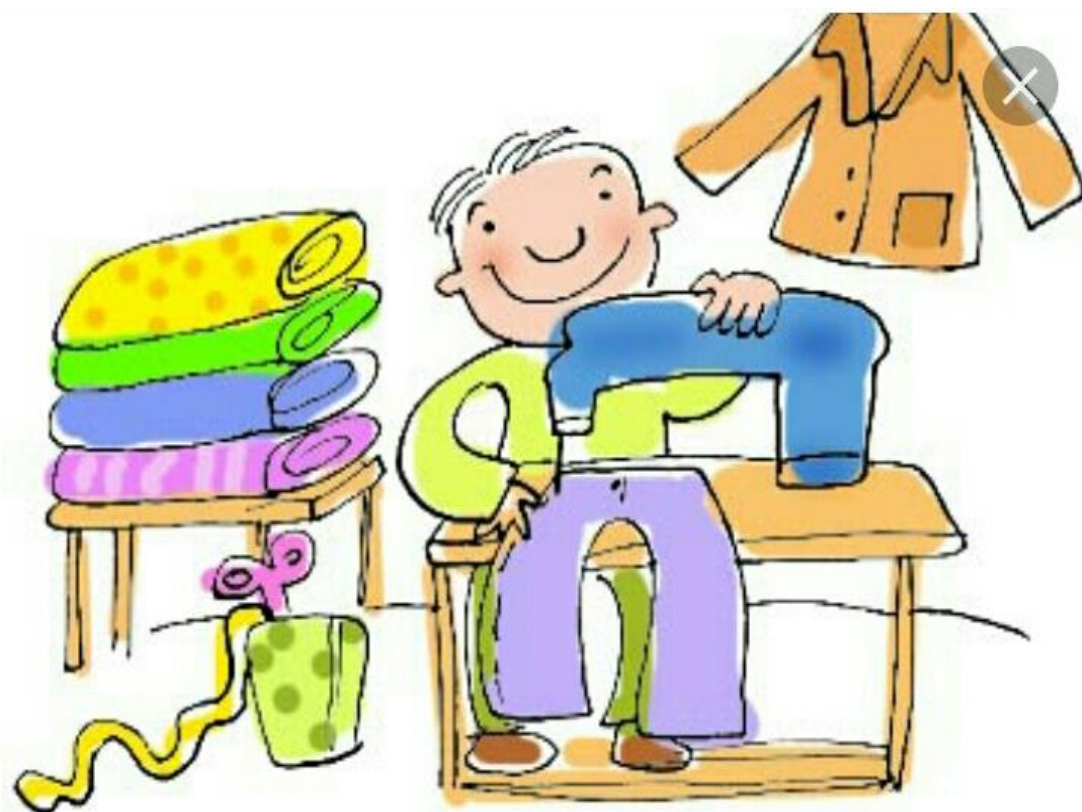
هدیه براش میارم

من دکترو دوست دارم





موزش کاردستی خیاط (آشنایی با وسیله های خیاطی مانند سوزن و قیچی و پارچه و ...)



نمایش نانوا





قصه روستا

یکی بود یکی نبود ، فصل سرسبز و زیبای بهاری بود. توحید و رقیه به همراه خانواده برای شرکت در مراسم عروسی عمویشان به یکی از روستاهای شهر کلیبر سفر کردند. در طول سفر از دیدن زیبایی های طبیعت لذت می بردند. کلیبر از شهرهای بسیار زیبای استان آذربایجان شرقی است. مراسم عروسی در روستاهای آن جا آداب و رسوم خاصی دارد. مردم به جای تزئین ماشین عروسی اسبی را به زیبایی تزئین می کنند. پدو و مادر توحید و رقیه می خواستند به تبریز برگردند که اقوامشان از آن ها خواستند یک روز دیگر بمانند و مسابقات اسب سواری عشایر را که در منطقه برگزار خواهد شد. از نزدیک ببینند آن ها فردای آن روز به تماشای مسابقات اسب دوانی رفتند. آن مراسم برای بچه ها بسیار جالب بود. زیرا مردان و زنان جوان و میان سال همگی در مسابقات شرکت داشتند. آن ها تا آخر مسابقه را تماشا کردند. بچه ها علاقمند شدند تا از نزدیک زندگی عشایری را هم ببینند. فردا صبح به عزم بازگشت به تبریز ، زودتر از منزل خارج شدند. و مسیرشان را طوری انتخاب کردند تا از منطقه عشایر هم دیدن کنند. دیدن چادرهای عشایر با تزئینات رنگارنگ آن ها ، دامداری و جاجیم بافی و پختن نان برایشان بسیار قابل توجه بود. مادرشان چند جاجیم رنگارنگ خرید و رقیه هم از پدرش خواست تا دو روبالشی به طرح جاجیم برای او بخرد . توحید هم اصرار داشت تا برایش یک بره بخرند. اما پدر گفت در زندگی شهری و آپارتمان نشینی نگه داری بره ممکن نیست . دیدن مادرانی که فرزندان شان را با چادر به پشت خود بسته و قالی بافی یا دامداری می کردند . همه ی آن ها را متعجب کرد . آن ها از این که می دیدند مادران شیر حیوانات را می دوشند و کره درست می کنند خوششان آمد. این مسافرت برای همگی آن ها بسیار خوشآیند بود .

هفته سوم

آموزش سوره قریش





قصه سالار آتش نشان

سالار پسر مهربان و زرنگی بود و دوست داشت همیشه به دیگران کمک کند. روزی سالار و پدرش از جلوی ایستگاه آتش نشانی رد شدند. او ارز پدرش پرسید این جا کجاست چرا رنگ ماشین ها و ساختمان ها قرمز است ؟ پدر جواب داد : این جا سازمان آتش نشانی است . میدانی که رنگ قرمز علامت احتیاط و خطر است شاید برای همین این رنگ را انتخاب کرده اند . یک روز خان همسایه بچه اش را در خانه تنها گذاشت . در را بست و برای خرید رفت او بخاری گازی را هم روشن گذاشته بود. بعد از چند ساعت سالار که داشت در اتاق بازی می کرد بوی دود شنید. بیرون آمد و به مادرش گفت : این چه بویی است مثل ایتنکه جایی آتش گرفته است .

مادرش گفت راست می گویی . مثل اینکه جایی آتش گرفته است . مادر با عجله به طرف پله ها دوید تا همسایه ها را خبر کند . اما پیش از او عده ی زیادی جلوی در خانه همسایه جمع شده بودند . یکی می گفت : « در را بشکنید ، دیگری می گفت : « نه از پنجره وارد شوید » خلاصه هرکس نظری را می داد. تا اینکه صدای آژیر ماشین آتش نشانی به گوش رسید . (مربی ماشین آتش نشانی را با صدای آژیرروی میز به حرکت در می آورد .) ماموران آتش نشانی در را باز کردند و پسر کوچولوی همسایه را نجات دادند و بعد هم به سرعت آتش را خاموش کردند در همین موقعه مادر بچه ها از راه رسید او با گریه و زاری به طرف بچه اش رفت و او را بغل کرد. سپس به ماموران رو کرد و گفت : از شما متشکرم خدا شما رو درست سر وقت رساند. چون اگر دیر می رسیدید بچه ام در آتش می سوخت. یکی از ماموران آتش نشانی در جواب گفت : خانم از ما تشکر نکنید. از کسی که ما را خبر کرد . تشکر کنید و سعی کنید نکات ایمنی را همیشه رعایت کنید تا چنین حوادثی پیش نیاید. مردم از خودشان می پرسند که چه کسی ماموران را خبر کرده است . مامور آتش نشانی گفت : « پسر بچه ای به نام سالار به ما تلفن کرد و بآدادن نشانی صحیح ما را راهنمایی کرد تا جلو یک اتفاق ناگوار را بگیریم . مادر سالار که با افتخار به پسرش نگاه می کرد، جلو رفت و او را بوسید همه ی همسایه ها از سالار تشکر کرد. سالار هم از خدا تشکر کرد که توانسته بود کار مفیدی برای دیگران انجام دهد.

